

شعر و شاعری
از دیدگاه قرآن و حدیث



گروه تحقیق: انور السادات مدرسین یزدی
فریدرجبلی، نور السادات مدرسین یزدی

با نظارت: دکتر محمد بهمنی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شعر و شاعری از دیدگاه قرآن و حدیث

نویسنده:

محمد بیستونی

ناشر چاپی:

بیان جوان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	شعر و شاعری از دیدگاه قرآن و حدیث
۷	مشخصات کتاب
۷	فهرست مطالب
۹	الإهداء
۱۰	متن تأییدیه حضرت آیت الله خزعلی مفسر و حافظ کل قرآن کریم
۱۰	مقدمه
۱۱	تعریف شعر
۱۵	نخستین شاعر
۱۵	دلیل اتهام شاعری به پیامبر صلی الله علیه وآله
۲۱	چهار ویژگی شعرای متعهد
۲۱	چرا پیامبر را متهم به شعر می‌کردند؟
۲۱	ارزش شعر
۲۲	ارزیابی اسلام درباره شعر و شاعری
۲۴	ذکر خداوند
۲۸	شناخت بزرگترین شاعر
۲۹	موقعیت شعر و شاعران از نظر قرآن و حدیث
۳۴	اشعار غیبی در تاریخ
۳۷	شعر به سبک هندی
۳۸	سبک عراقی
۳۹	مقام شعر و شعراء نزد ائمه علیهم السلام
۴۱	وصیت امام باقر علیه السلام
۴۱	مقام شعر و شاعران نزد بزرگان دین

۴۲	شعرای غدیر
۴۳	شاعران برجسته اهل بیت علیهم‌السلام
۴۴	مرثیه سرایی
۴۴	اهمیت شعر در فرهنگ و سخن
۴۴	مدایح علوی
۴۵	بدیعه سرایی
۴۶	دیدگاه شهید مطهری (ره) درباره شعر و ادبیات
۵۰	شعر و هنر از دیدگاه آیه الله خامنه‌ای
۵۰	حالت شعر
۵۱	شعر، هنر اسلامی!
۵۱	تناسب کلمات پایانی آیات در قرآن کریم
۵۱	توشیح
۵۲	وجود سجع در آیات قرآن کریم
۵۲	سجع در کلام
۵۳	تناسب فواصل (اواخر) آیات قرآن کریم
۵۳	نظریات مختلف در مورد وجود سجع در قرآن
۵۵	انواع فواصل کلام
۵۷	بهترین نوع سجع
۵۷	حکمت ختم فواصل آیات به حروف مدّ و لین
۵۷	اساس و مبنای فواصل قرآنی
۵۸	آخرین کلام
۵۹	فهرست منابع
۶۰	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

شعر و شاعری از دیدگاه قرآن و حدیث

مشخصات کتاب

سرشناسه: بیستونی محمد، - ۱۳۳۷

عنوان و نام پدیدآور: شعر و شاعری از دیدگاه قرآن و حدیث = Poem and poetry in Quran and tradition / با نظارت محمد بیستونی گروه تحقیق انوارالسادات مدرسی یزدی مریم رجبی نورالسادات مدرسی یزدی مشخصات نشر: قم: بیان جوان، ۱۳۸۵.

مشخصات ظاهری: [۱۹۹] ص ۱۱ X ۱۷ س م شابک: ۵-۷۳-۸۳۹۹-۹۶۴

وضعیت فهرست نویسی: فهرست نویسی قبلی یادداشت: فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا

یادداشت: کتابنامه ص [۱۹۴ - ۱۹۱]؛ همچنین به صورت زیرنویس موضوع: شعر -- جنبه‌های قرآنی موضوع: شعر -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام موضوع: قرآن در ادبیات فارسی موضوع: شعر -- احادیث شناسه افزوده: مدرسی یزدی نورالسادات، محقق شناسه افزوده: رجبی مریم، ۱۳۴۵ - محقق شناسه افزوده: مدرسی یزدی نورالسادات، محقق رده بندی کنگره: BP۱۰۴/ش ۶۶ ب ۹ ۱۳۸۵

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۱۵۹

شماره کتابشناسی ملی: م ۸۵-۷۰۶۳

فهرست مطالب

موضوع صفحه

متن تأییدیه حضرت آیت الله خزعلی مفسر و حافظ کل قرآن کریم ۵۰۰۰

مقدمه ۷۰۰۰

تعریف شعر ۹۰۰۰

نخستین شاعر ۲۴۰۰۰

دلیل اتهام شاعری به پیامبر صلی الله علیه و آله ۲۶۰۰۰

چهار ویژگی شعرای متعهد ۴۵۰۰۰

چرا پیامبر را متهم به شعر می کردند ۴۷۰۰۰

ارزش شعر ۴۸۰۰۰

(۱۹۷)

ارزیابی اسلام درباره شعر و شاعری ۴۹۰۰۰

ذکر خداوند ۵۶۰۰۰

فهرست مطالب

موضوع صفحه

شناخت بزرگترین شاعر ۷۲۰۰۰

موقعیت شعر و شاعران از نظر قرآن و حدیث ۷۹۰۰۰

- اشعار غیبی در تاریخ ۹۷۰۰۰
- شعر به سبک هندی ۱۱۱۰۰۰
- سبک عراقی ۱۱۲۰۰۰
- مقام شعر و شعراء نزد ائمه علیهم السلام ۱۱۹۰۰۰
- (۱۹۸)
- وصیت امام باقر علیه السلام ۱۲۳۰۰۰
- مقام شعر و شاعران نزد بزرگان دین ۱۲۴۰۰۰
- شعراى غدير ۱۲۹۰۰۰
- فهرست مطالب
- موضوع صفحه
- شاعران برجسته اهل بیت علیهم السلام ۱۳۱۰۰۰
- مرثیه سرایی ۱۳۴۰۰۰
- اهمیت شعر در فرهنگ و سخن ۱۳۵۰۰۰
- مدایح علوی ۱۳۶۰۰۰
- بدیعه سرایی ۱۳۹۰۰۰
- (۱۹۹)
- دیدگاه شهید مطهری (ره) درباره شعر و ادبیات ۱۴۱۰۰۰
- نظر آیت الله خامنه‌ای درباره هنر ۱۵۸۰۰۰
- حالت شعر ۱۶۰۰۰۰
- شعر، هنر اسلامی ۱۶۱۰۰۰
- فهرست مطالب
- موضوع صفحه
- تناسب کلمات پایانی آیات در قرآن کریم ۱۶۳۰۰۰
- توشیح ۱۶۳۰۰۰
- وجود سجع در آیات قرآن کریم ۱۶۴۰۰۰
- سجع در کلام ۱۶۷۰۰۰
- (۲۰۰)
- تناسب فواصل (اواخر) آیات قرآن کریم ۱۶۸۰۰۰
- نظریات مختلف در مورد وجود سجع در قرآن ۱۷۰۰۰۰
- انواع فواصل کلام ۱۷۹۰۰۰
- ۱- متوازی ۱۷۹۰۰۰
- ۲- مطرّف ۱۷۹۰۰۰
- ۳- متوازن ۱۸۰۰۰۰

فهرست مطالب

موضوع صفحه

۴- مُرَصَّع ۱۸۰۰۰۰

۵- مَمَائِل ۱۸۱۰۰۰

(۲۰۱)

۶- مَتَقَارِب ۱۸۱۰۰۰

۷- تَوَآم ۱۸۲۰۰۰

۸- لَزُوم مَا لَا يَلْزَم ۱۸۲۰۰۰

بهترین نوع سجع ۱۸۴۰۰۰

حکمت ختم فواصل آیات به حروف مد و لین ۱۸۵۰۰۰

اساس و مبنای فواصل قرآنی ۱۸۶۰۰۰

آخرین کلام ۱۸۹۰۰۰

مقدمه ناظر و ناشر:

مؤسسه قرآنی تفسیر جوان در راستای توسعه فرهنگ انسان ساز قرآن کریم، تأسیس شده و در طول مدت ۱۰ ساله فعالیت خود حدود یکصد اثر پژوهشی و تحقیقی را در موضوعات کاربردی قرآن کریم برای

(۲۰۲)

نوجوانان و جوانان عزیز، تحقیق، تألیف و منتشر نموده است. برای این منظور روش کار در کارگاهی تحت عنوان «کارگاه آموزشی روش تحقیق موضوعی از قرآن کریم» به علاقمندان در یک جلسه ۴ ساعته آموزش داده می‌شود و پس از آن با تأمین منابع مطالعاتی و تحقیقاتی مورد نیاز که اکثراً توسط همین مؤسسه تألیف و منتشر شده است، علاقمندان را به انجام یک «پژوهش کاربردی قرآنی» ترغیب نموده و آثار آن‌ها را پس از بهینه سازی و تکمیل و تصحیح و ویراستاری، با درج نام گروه تحقیق، چاپ و منتشر می‌نماید. اثری که هم اکنون در محضر آن هستیم، حاصل تلاش سه نفر از خواهران قرآن پژوه و خوش سلیقه شیرازی است که به تناسب فضای هنری آن دیار، تحت عنوان «شعر و شاعری از دیدگاه قرآن و حدیث» تدوین و با حمایت این مؤسسه چاپ و منتشر شده است. امیدوارم جوانان عزیز خصوصاً دانشجویان فرهیخته، در این اقدام خداپسندانه مؤسسه قرآنی تفسیر جوان مشارکت نموده و با تحقیق یک موضوع از قرآن متناسب با علاقه و رشته تحصیلی خود، سهمی را در معرفی زیبایی‌های اقیانوس بیکران قرآن کریم به خود اختصاص دهند.

(۲۰۳)

دکتر محمد بیستونی

رئیس هیئت مدیره مؤسسه قرآنی تفسیر جوان

الإهداء

إِلَى سَيِّدِنَا وَبَيْتِنَا مُحَمَّدٍ

رَسُولِ اللَّهِ وَخَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَإِلَى مَوْلَانَا

وَمَوْلَى الْمُؤَحِّدِينَ عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَإِلَى بَضْعِهِ

الْمُصْطَفَى وَبَهَجَهُ قَلْبَهُ سَيِّدَهُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَإِلَى سَيِّدِي
 شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، السَّبْطَيْنِ، الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَإِلَى الْأَيْمَةِ الشَّعْبَةِ
 الْمُعْصُومِينَ الْمُكَرَّمِينَ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ لِاسِيْمَا بَقِيَّةِ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ وَوَارِثِ عُلُومِ
 الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ، الْمُعَدِّ لِقَطْعِ دَابِرِ الظُّلْمَةِ وَالْمُدَّخِرِ لِأَحْيَاءِ الْفَرَائِضِ وَمَعَالِمِ الدِّينِ ،
 الْحُجَّجَةِ بْنِ الْحَسَنِ صَاحِبِ الْعَصْرِ وَالزَّمَانِ عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرْجَهُ الشَّرِيفَ فَيَا مُعَزَّ
 الْأَوْلِيَاءِ وَيَا مُذِلَّ الْأَعْدَاءِ أَيُّهَا السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ قَدَمَسْنَا
 وَأَهْلْنَا الضَّرَفَ فِي غَيْبَتِكَ وَفِرَاقِكَ وَجِنَّا بِيضَاعَهُ
 مُرْجَاهُ مِنْ وِلَائِكَ وَمَحَبَّتِكَ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ مِنْ مَنَّكَ وَ
 فَضْلِكَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا بِنَظَرِهِ رَحْمَةً مِنْكَ
 إِنَّا نَرِيكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ

(۴)

متن تأییدیه حضرت آیت الله خزعلی مفسر و حافظ کل قرآن کریم

بسم الله الرحمن الرحيم

هر زمانی را زبانی است یعنی در بستر زمان خواسته‌هایی نو نو پدید می‌آید که مردم آن دوران خواهان آنند. با وسایل صنعتی و رسانه‌های بی‌سابقه خواسته‌ها مضاعف می‌شود و امروز با اختلاف تمدن‌ها و اثرگذاری هریک در دیگری آرمان‌های گوناگون و خواسته‌های متنوع ظهور می‌یابد بر متفکران دوران و افراد دلسوز خودساخته در برابر این هنجارها فرض است تا کمر خدمت را محکم ببندند و این خلأ را پر کنند همان‌گونه که علامه امینی با الغدیرش و علامه طباطبایی با المیزانش. در این میان نسل جوان را باید دست گرفت و بر سر سفره این پژوهشگران نشانند و رشد داد. جناب آقای دکتر محمد بیستونی رئیس هیئت مدیره مؤسسه قرآنی تفسیر جوان به فضل الهی این کار را بعهده گرفته و آثار ارزشمند مفسران را با زبانی ساده و بیانی

(۵)

شیرین، پیراسته از تعقیدات در اختیار نسل جوان قرار داده علاوه بر این آنان را به نوشتن کتابی در موضوعی که منابع را در اختیارشان قرار داده دعوت می‌کند. از مؤسسه مذکور دیدار کوتاهی داشتیم، از کار و پشتکار و هدفمند بودن آثارشان اعجاب و تحسینم شعله‌ور شد، از خداوند منان افاضه بیشتر و توفیق افزونی برایشان خواستارم. به امید آنکه در مراحل غیرتفسیری هم از معارف اسلامی درهای وسیعی برویشان گشاده شود.

آمین رب العالمین .

۲۱ ربیع‌الثانی ۱۴۲۵

۲۱ خرداد ۱۳۸۳

ابوالقاسم خزعلی

(۶)

مقدمه

در بین افراد بشر کسی را نمی‌توان یافت که به هنر علاقمند نباشد چون گرایش به هنر یک امر فطری است و مثل بقیه امور

فطری نمی‌توان از آن صرف‌نظر کرد.

هنر معیار درک حیات است، آدمی به آن می‌گراید تا مدتی را از دغدغه‌های زندگی دنیوی بیاساید، هنر وجه مشترک تمام مردم دنیاست و هرکس با هر عقیده و ملیتی به هنر علاقه‌مند بوده و مدتی خود را با آن سرگرم می‌کند، هنر مصادیق مختلفی دارد که یکی از آنها شعر است.

شعر زبان احساس است. احساس را بیان و مجسم می‌کند و از روح گوینده به روح شنونده منتقل می‌سازد.

شعر هنری است که شاعر با هنرمندی، الفاظ معمولی را با یک چینش خاص چنان کنار هم قرار می‌دهد که هم به مقصودش رسیده باشد و هم شنونده آن را بفهمد.

شعر چون خواسته دل است و از دل برمی‌آید لاجرم بر دل می‌نشیند. با توجه به این که

مقدمه (۷)

قرآن، این کتاب آسمانی برای همه جنبه‌های زندگی بشر دستورالعمل دارد، پس در این امر هم انسان‌ها را به حال خود واگذار نکرده است.

از آن جا که شعر زائیده فکر و روح بشر است و شیاطین و در رأس آنها ابلیس برای انحراف انسان‌ها قسم خورده و بیکار ننشسته‌اند پس یک شاعر نیاز به راهنمایی و هدایت الهی دارد و اگر راه را از بیراهه بازنشاسد لاجرم در مسیر دام شیطان قرار خواهد گرفت و طعمه آنها خواهد شد.

پس چه نیکوست که یک شاعر قبل از گام نهادن به وادی شعر همانگونه که به سراغ موازین ادبی و علمی می‌رود قدمی هم در راه موازین شرعی و عقلی بگذارد تا بتواند درست راه را طی کند و چه بسا کسانی که خداوند این نعمت را در وجودشان قرارداده است بدلیل آن که بدون اطلاعات لازم طی طریق کرده‌اند دچار سرگردانی شده‌اند و اشعار آنان از معانی و محتوای قابلی برخوردار نیست.

(۸) شعر و شاعری

تعریف شعر

شعر به معنی دانستن، زیرکی و توجه خاص است و در اصطلاح به کلام موزون و قافیه‌دار اطلاق می‌شود، (۱) راغب گوید: شاعر به علت فطنت و دقت شاعر نامیده شده و شعر در اصل نوعی از علوم دقیق است و در اصطلاح به معنی کلام موزون و قافیه‌دار آمده است.

شعر بیشتر توأم با تخیلات است که در خارج مصداق حقیقی ندارند و شاعر به قدرت خیال خویش آنها را در قالب الفاظ ریخته است، علیهذا باید شعر را کلام خیال‌پرداز بگوئیم.

شعر به سخن منظوم یا کلام نیکو گفته می‌شود، جمع آن «شاعر و شعراء»

۱- لغت‌شناسی قرآن کریم، محمد بیستونی، ۸۳، تهران، بیان جوان، ص ۶۱۲.

تعریف شعر (۹)

است که به کسی گفته می‌شود که گوینده شعر، داننده شعر یا در یابنده آن باشد. (۱)

شعر در لغت به معنی فهم و در اصطلاح منطقی آنچه خیال‌انگیز است و در عرف ادیبان کلامی است که مخیّل، موزون و مقفّی باشد. بعضی معتقدند لفظ شعر معرب شیر است که در لغت عبری به معنی آواز و سرود می‌باشد. بعضی آن را از شعور به معنی دانستن به حساب آورده‌اند.

صاحب قاموس اللغة گوید: اطلاق شعر بر اقوال منظوم به سبب شرف وزن و قافیه آن است. موضوع شعر اندیشه و خیال و بیان تأثرات قلبی گوینده است. شعر زاده انفعالات و تأثرات شاعر و تصور زنده جمال دل‌آرای طبیعت است. شعر

۱- فرهنگ جامع عربی - فارسی مصور، جلد ۲، احمد سیاح، ۱۳۴۸، چاپ چهارم، ص ۷۳۴.

(۱۰) شعر و شاعری

مشروط به وزن و قافیه نیست، بایستی موجب انقباض و انبساط شود به همین جهت وزن و قافیه از لوازم تزئینی شعر به شمار می‌رود مخصوصاً اگر شعر بالحنی خوش توأم باشد و تناسب حال و مقام و طرز بیان آن رعایت گردد اثر آن به مراتب قوی‌تر است. (۱)

ادبیات، بیان عالی مقصود بوسیله کلمات است و به شعر «نظم» و نثر تقسیم می‌شود. شعر هم یا میزانی است که در آن رعایت کوتاهی و بلندی هجاها بعمل می‌آید و یا موزونی که با ضرب منطبق می‌گردد و یا هجائی می‌باشد و همین وزن و میزان که مبنای موسیقی به شمار می‌رود مایه امتیاز از نثر است. «سوارس» (۲) عقیده دارد شعر نوعی موسیقی است که در آن خیال مبدل به

۱- شعر و موسیقی، ابوتراب رازانی، ۱۳۴۰، اداره کل نگارش وزارت آموزش و پرورش، ص ۱۰.

۲- Swares

تعریف شعر (۱۱)

احساس می‌شود، احساس را به خیال و خیال را به تجسم آنچه در طبیعت موجود است مبدل می‌سازد. شاعر نخست بر اثر هیجانی می‌اندیشد، فکر او را به عالم تخیل می‌کشاند، خیال به زیور تصور آراسته می‌شود و این دو بر اثر وجدان و یا الهام موجب بروز کلماتی می‌گردد که به واسطه وزن در زمره یکی از انواع شعر به شمار می‌آید. (۱)

شعر در منطق دو تعریف مشهور دارد:

ارسطو نخستین کسی است که از شعر سخن گفته است و در «بوطیقا»ی خویش بر آن است که کلام مخیل شعر نام دارد و وزن و قافیه که صورت و قالب

۱- شعر و موسیقی، ابوتراب رازانی، ۱۳۴۰، اداره کل نگارش وزارت آموزش و پرورش، ص ۱۱.

(۱۲) شعر و شاعری

شعر را تشکیل داده‌اند جزء ذاتی و ماهوی شعر نیستند و هم او با تفصیل این نظریین شعر و نظم فرق نهاده است. او بسیاری از سخنان منظوم را از جنس شعر نمی‌شمارد و اصل را در محتوا و مضمون جستجو می‌کند، وزن و قافیه را بهایی چندان نمی‌دهد و معنی شعر را معتبر می‌داند.

شیخ‌الرئیس ابوعلی سینا در منطق شفا به حکم تأثیرپذیری از محیط این تعریف را به نحو دیگری صورت می‌دهد و می‌گوید، شعر کلامی مخیل است متشکل از اقوال موزون و متساوی. این تعریف نشان می‌دهد که «عرف جمهور» در منطقیان برجسته‌ای چون ابن سینا نیز سیطره یافته است. اشعاری که از شیخ‌الرئیس به جای مانده با تعریف وی مطابق و موافق است. (۱)

۱- شعر و شاعری در آثار خواجه نصیرالدین، معظمه اقبالی، ۱۳۷۰، چاپ اول، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ص ۶۵.

تعریف شعر (۱۳)

شعر به معنی چکامه و سخن موزون و مقفاً است.

نزد علمای عرب کلامی را شعر گویند که گوینده آن پیش از ادای سخن قصد کرده باشد که کلام خویش را موزون و مقفاً ادا کند و چنین گوینده‌ای را شاعر نامند. ولی کسی که تنها قصد سخن گفتن را دارد و بدون اراده سخن او موزون و مقفاً ادا شود را

نتوان شاعر گفت. چنان که در کلام قرآن مجید آیاتی نازل شده که مطابقت با بحور و اوزان عرضی دارد، مانند «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ» و جز آن که چون موزون و مقفی بودن ارادی نیست آنها را شعر نتوان گفت. از این رو است که درباره پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله آمده است «وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشُّعْرَ وَ مَا يَتَّبِعِي لَهُ» (۱) اگر منظور شاعر در گفتن شعر بیان مراتب توحید یا ترغیب و تحریض است. ۱- ۶۹ / یس .

(۱۴) شعر و شاعری

بر مکارم اخلاق از جهاد و عبادت و پاکدامنی و یا مدح و ستایش پیغمبر صلی الله علیه و آله یا دگر اولیای خدا باشد، شعر راجح و اشکالی نباشد چنانکه امیرالمؤمنین علی علیه السلام و دیگر ائمه شعر می گفتند.

نقل است که چون آیه شریفه «وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ» (۱) نازل شد حسان بن ثابت و تنی چند از شعرا که بیشتر شعرشان توحید و تذکیر و وعظ بود به نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمدند و گفتند: ای پیامبر! تکلیف ما با این آیه چگونه می شود؟ پیغمبر فرمود: مؤمن با شمشیر و زبانش جهاد می ورزد و اشعارش درباره جنگ با کفار و نکوهش آنان در حکم تیراندازی به کفار است. در تفسیر ۱- ۲۲۴ / شعراء .

تعریف شعر (۱۵)

بیضای آمده است: چون بیشتر اشعار مقدماتش خیالات و افکار عادی از حقیقت و وصف زنان و ستایش اشخاص ناشایست و افتخارات بیهوده و هجو و تعرض به ناموس دیگران است این آیه نازل گردید و برای این که گویندگان صالح از آن مستثنی شود در متمم آن فرموده است: «إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا...» .

علی ابن جعفر می گوید: از امام کاظم پرسیدم آیا رواست که در مسجد شعر خوانده شود؟ فرمود: اشکالی ندارد. (۱) استاد مرحوم جلال الدین همایی در کتاب صناعات ادبی می نویسد:

نظم در لغت به معنی به هم پیوستن و در رشته کشیدن دانه‌های جواهر و در اصطلاح سخنی است که دارای وزن و قافیه باشد. یعنی موزون و مقفی که مرادف آن را شعر گویند. (۱)

۱- معارف و معاریف. سید مصطفی حسینی دشتی، جلد ۶، چاپ دوم، ۱۳۷۶، چاپ حجت قم، ص ۲۷۳ .

(۱۶) شعر و شاعری

شمس الدین محمد بن قیس رازی تعریفی از شعر به این مضمون بدست می دهد :

بدان که شعر در اصل لغت، دانش است و ادراک معانی به حدس صایب و اندیشه و استدلال است و از روی اصطلاح سخنی است اندیشیده، مرتب معنوی، موزون متکثر متساوی و حروف آخرین آن مانند یکدیگر و در این حد گفتند

۱- شعر و شاعری در آثار خواجه نصیرالدین، معظمه اقبالی، ۱۳۷۰، چاپ اول، تهران، وزارت فرهنگ، ص ۶۹ .

تعریف شعر (۱۷)

مرتب معنوی تا فرق باشد میان شعر و هذیان و کلام نامرتب بی معنی و گفتند موزون تا فرق باشد میان نظم و نثر مرتب معنوی. و گفتند متکثر تا فرق باشد میان بیت ذو مصرعین و نیم بیت که اقل شعر یک بیت تمام باشد چنانکه پیش از این ذکر شد. و گفتند متساوی تا فرق باشد میان بیتی تمام و میان مصارح مختلف هر یک بر وزن دیگر. و گفتند حروف آخرین آن به یکدیگر مانند باشد تا فرق باشد میان مقفی و غیر مقفی که سخن بی قافیه را شعر نشمرند اگر چه موزون باشد. (۱)

از نظر خواجه نصیر شاعر کسی است که توانایی انتقال احساسات، عواطف و تخیلات خود را داشته باشد آن هم در صورت قالبی مناسب و شایسته. خواجه طوسی برای شعر چهار وجه را تعریف می کند:

۱- شعر و شاعری در آثار خواجه نصیرالدین، معظمه اقبالی، ۱۳۷۰، چاپ اول، تهران، وزارت فرهنگ، ص ۷۰ .

(۱۸) شعر و شاعری

از نظر محققان متأخر و ابن سینا: شعر کلامی است مخیل، مؤلف از اقوال موزون مقفی.

از نظر عرف متأخران یا عرف جمهور: شعر کلامی است موزون و مقفی.

از نظر عرف منطقی و خاص: شعر کلامی است مخیل هرچند موزون نباشد.

و بالاخره از نظر منطقیان: شعر کلامی است مخیل و موزون. (۱)

از نظر خواجه کلامی که مشخصات زیرا را داشته باشد هرچند در عرف شعر خوانده شود شعر نیست: ۱- دروغ سرایی، ۲- هذیان بافی، ۳- نظم و وزن و

۱- شعر و شاعری در آثار خواجه نصیرالدین، معظمه اقبالی، ۱۳۷۰، چاپ اول، تهران، وزارت فرهنگ، ص ۷۴.

تعریف شعر (۱۹)

قافیه دار خالی از خیال‌انگیزی. (۱)

یکی از بهترین تعاریفی که در دوره معاصر از شعر صورت گرفته در لغتنامه دهخدا آمده است:

فرق میان شعر و نظم آن است که موضوع شعر عارضه مضمونی و معنوی کلام است در حالی که موضوع نظم عارضه ظاهری کلام است. به عبارت دیگر موضوع شعر در احساس‌انگیز بودن و مبین تأثیرات بی‌شائبه شاعر بودن خلاصه می‌شود ولی نظم فقط سخن موزون مقفی است. (۲)

(۲۰) شعر و شاعری

آناتول فرانس می‌گوید: درست است که اشعار و قصص دوره جاهلیت ملل، خیلی با موازین عقل و منطق جور نیست ولی به همین دلیل زیبا و جذاب است. یعنی فقط چیزهای نامعقول، یعنی چیزهایی که مخالف عقل و منطق هستند مطبوع و خوشایند و زیبا می‌شوند. (۱)

آناتول فرانس نویسنده معروف و بزرگترین استاد ادب قرن اخیر فرانسه است که به او سلطان نثر فرانسه لقب داده‌اند در سال ۱۹۲۱ به اخذ جایزه نوبل بزرگترین جایزه ادبی جهان موفق شد. سال بعد به دلیل آن که در نوشته‌هایش با نیش و کنایه به مذهب و روحانیت حمله کرده بود چاپ نوشته‌هایش تحریم شد. (۱)

۱ و ۲- شعر و شاعری در آثار خواجه نصیرالدین، معظمه اقبالی، ۱۳۷۰، چاپ اول، تهران، وزارت فرهنگ، ص ۷۵ و ۸۳.

۱- شعر و شاعری در آثار خواجه نصیرالدین، معظمه اقبالی، ۱۳۷۰، چاپ اول، تهران، وزارت فرهنگ، ص ۸۵.

تعریف شعر (۲۱)

سید محمود سجادی در مقاله خود چنین می‌نویسد:

شعر تابع زبان است و نیز مجموعه‌ای از اصوات و کلمات و عبارات. کلمه‌ها ابزار اصلی زبانند و اساسی‌ترین عامل ارتباطی انسان‌ها. (۲)

و نیز رضا چهرقانی برچلوبی در مقاله خود معتقد است:

هنر و در رأس آن شعر تنها توصیف، تقلید یا حتی محاکات طبیعت نیست،

۱- اطلاعات عمومی سخن، مهدی یداللهی، ۱۳۷۳، چاپ اول، تهران، انتشارات علمی، ص ۴۸۱.

۲- فصلنامه شعر، شماره ۳۵، حوزه هنری، بهار ۱۳۸۳، سال دوازدهم، تهران، انتشارات سوره مهر، ص ۳۰.

(۲۲) شعر و شاعری

بلکه نوعی عصیان در برابر واقعیت موجود و بازآفریدن حقیقت مفقود است. البته شعر و هنر هر چه فاصله خود را از واقعیت بیشتر

کند هنری تر است و بسیاری از آرایه‌های ادبی به خصوص در حیثه بیان بر همین اصل «ایجاد فاصله از واقعیت» بنا شده‌اند. (۱) و بالاخره این که شعر تعاریف متعددی دارد و نمی‌توان فقط یک تعریف را مبنا قرار داد در یکی از تفاسیر درباره شعر چنین آمده است:

شعر سجع و قافیه دارد، شعر زائیده تخیلات است، بهترین شعر آن است که اغراق آمیز باشد و اغراق دروغ است. که گفته‌اند:

در شعر میبچ و در فن او چون اکذب اوست احسن او. (۲)

۱- فصلنامه شعر، شماره ۳۵، حوزه هنری، بهار ۱۳۸۳، سال دوازدهم، تهران، انتشارات سوره مهر، ص ۲۶.

۲- حجة التفاسیر، جلد ۶، ص ۱۱.

تعریف شعر (۲۳)

نخستین شاعر

امام علی علیه‌السلام در پاسخ به این سؤال مرد شامی که نخستین بار چه کسی شعر گفت فرمودند: آدم علیه‌السلام. پرسید: چه شعری گفت؟ حضرت فرمود: وقتی از آسمان به زمین آمد و خاک آن و گستردگی و هوایش و کشته شدن هابیل به دست قابیل را دید گفت:

تَغَيَّرَتِ الْبِلَادُ وَ مَنْ عَلَيْهَا سِرْمِينَهَا وَ سَاكِنَانِهَا دُكْرُكُونَ شَدِيدَةً

فَوَجَّهَ الْأَرْضَ مُعَبَّرٌ قَبِيحٌ وَ رُوى زَمِينِ غِبَارِ الْوَدِّ وَ زَشْتٌ كَشْتَةٌ

تَغَيَّرَ كُلُّ ذِي لَوْنٍ وَ طَعْمٍ هَرِ أَنْجَحَ رَنْجٍ وَ بُوِي دَارِدٌ تَغْيِيرُ كَرْدَةٍ

وَ قَلَّ بَشَاشَةُ الْوُجْهِ الْمَلِيحِ وَ شَادَى چَهْرَه نَمَكِينِ كَمِ شَدِيدَةً (۱)

۱- میزان الحکمه، جلد ۶، محمد محمدی ری شهری، ۱۳۸۱، چاپ سوم، قم، دارالحدیث، ص ۲۷۶۷.

(۲۴) شعر و شاعری

البته با این همه تعریف از شعر و مقام شاعر و یا تکذیب آن آنچه را که خداوند در قرآن کریم ذکر کرده است اصلی‌ترین و برترین معیار است؛ در آیات مختلفی خداوند مبنای شعر درست یا نادرست و شاعر اینگونه اشعار را معرفی کرده است، در آیه ۶۹ سوره یس می‌فرماید:

«و ما هرگز شعر به او نیاموختیم، شایسته او نیست، این تنها ذکر و قرآن مبین است».

تفسیر: او شاعر نیست، او اندازکننده زندگان است. یکی از رایج‌ترین اتهاماتی را که برای پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله مطرح می‌کردند عنوان کرده و سپس پاسخ دندان شکن و آموزنده به آن می‌دهد و آن اتهام شعر و شاعری است. چرا پیامبر را به چنین موضوعی متهم می‌کردند در حالی که او هرگز شعر نسروده بود؟

نخستین شاعر (۲۵)

دلیل اتهام شاعری به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله

این به خاطر آن بود که جاذبه و نفوذ قرآن در دل‌ها برای همه کس محسوس بود و زیبایی‌های لفظ و معنا و فصاحت و بلاغت آن قابل انکار نبود، حتی خود مشرکان چنان مجذوب آهنگ و بیان قرآن می‌شدند که گاه شبانه و به طور مخفیانه به نزدیکی منزلگاه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌آمدند تا زمزمه تلاوت او را در دل شب بشنوند. چه بسیار کسانی که با شنیدن چند آیه از قرآن شیفته و

دل‌باخته آن می‌شدند و در همان مجلس اسلام اختیار می‌کردند و به آغوش قرآن پناه می‌بردند. این‌جا بود که برای توجیه این پدیده بزرگ و اغفال مردم از این وحی آسمانی زمزمه شعر و شاعری پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را در همه جا سردادند که این خود اعترافی بود ضمنی به نفوذ فوق‌العاده قرآن! اما چرا شایسته پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نیست که شاعر باشد؟ به خاطر این که خط وحی از خط شعر کاملاً جداست، زیرا:

(۲۶) شعر و شاعری

۱ - معمولاً سرچشمه شاعر تخیل و پندار است، شاعر بیشتر بر بال و پرخیس سوار می‌شود و پرواز می‌کند در حالی که وحی از مبدأ هستی سرچشمه می‌گیرد و بر محور واقعیت‌های می‌گردد.

۲ - شعر از عواطف متغیر انسانی می‌جوشد و دائماً در حال دگرگونی است در حالی که وحی بیانگر حقایق ثابت آسمانی می‌باشد.

۳ - لطف شعر در بسیاری از موارد در اغراق‌گویی‌ها و مبالغه‌های آن است تا آن‌جا که گفته‌اند: أَحْسَنُ الشُّعْرِ أَكْذَبُهُ. در حالی که در وحی جز صداقت چیزی نیست.

۴ - شاعر در بسیاری از موارد به خاطر زیبایی‌های لفظ ناچار است خود را تسلیم الفاظ کند و دنباله‌رو آن باشد و چه بسا حقایقی که در این میان پایمال می‌گردد.

دلیل اتهام شاعری به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله (۲۷)

۵ - و سرانجام به تعبیر زیبای یکی از مفسران شعر مجموعه شوق‌هایی است که از زمین به آسمان پرواز می‌کند، اما وحی مجموعه حقایقی است که از آسمان به زمین نازل می‌گردد و این دو کاملاً با هم متفاوتند.

در این‌جا لازم است برای شاعرانی که در خط اهداف مقدسی گام برمی‌دارند و از عوارض نامطلوب شعر خود را برکنار می‌سازند حساب جداگانه‌ای بازکنیم و ارزش مقام و هنر آن‌ها را فراموش نکنیم ولی به هر حال طبیعت غالب شعر آن است که گفته شد. ولی به هر حال پیامبر نمی‌تواند شاعر باشد و هنگامی که می‌گوید: خدا به او تعلیم شعر نداد مفهومش این است که از شعر برکنار است چرا که همه تعلیمات به ذات پاک خدا برمی‌گردد. جالب این‌که در تواریخ و روایات کرارا نقل شده که هر وقت پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌خواست به شعری تمثّل جوید و آن را شاهد سخن قرار دهد آن را درهم می‌شکست تا بهانه‌ای بدست دشمن

(۲۸) شعر و شاعری

نیفتد، چنان‌که روزی پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌خواست این شعر معروف عرب را بخواند:

سُتْبِدِي لَكَ أَيَّامَ مَا كُنْتُ جَاهِلًا وَيَأْتِيكَ بِالْأَخْبَارِ مَنْ لَمْ تَزُود.

به زودی ایام حقایقی را برای تو آشکار می‌کند که از آن آگاه نبودی و اخباری را کسانی برای تو می‌آورند که زاد و توشه‌ای برای آنها تهیه ندیده‌ای.

پس ایشان هنگامی که می‌خواست شعر فوق را بخواند فرمود:

يَأْتِيكَ مَنْ لَمْ تَزُودْ بِالْأَخْبَارِ... و جمله را پس و پیش فرمود. (۱)

در ذیل آیه ۶۹ سوره یس در تفسیر المیزان آمده است:

ما به او شعر نیاموختیم و لازمه این نفی آن است که آن جناب هیچ

۱- تفسیر نمونه، جلد ۱۸، آیه‌الله مکارم شیرازی، تهران، دارالکتب اسلامی، ص ۴۳۸.

دلیل اتهام شاعری به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله (۲۹)

سررشته‌ای از شعر نداشته باشد نه این که شعر بلد باشد ولی از گفتن امتناع بورزد برای این که مثلاً خدا او را از این کار نهی کرده باشد و نه این که بخواهد بفرماید قرآن شعر نیست، هر چند رسول اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله شعر هم بلد باشد. پس جمله مزبور می‌خواهد جلو یک امر احتمالی را بگیرد و می‌خواهد بفرماید: خدای سبحان رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله را از گفتن شعر منزّه داشته است. حاصل آن این است که: خیال نکنید که ما به وی شعر نیاموخته‌ایم نقصی برای اوست بلکه برای او کمال و مایه بلندی درجه و نزاهت ساحت اوست، نزاهت از ننگی که متخصصین این فن دارند که با الفاظ معانی را آرایش داده و با تخیلات شعری معانی را تزئین می‌کنند. آن هم تخیلات کاذب، که هر دروغش هر چه دقیق‌تر باشد شعرش ملیح‌تر و دلپسندتر می‌شود. و نیز کلام خود را طبق آهنگ‌های موسیقی درمی‌آورند تا در گوش خوش‌تر آید و چنین کاری شایسته مقام رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله نیست. (۱)

(۳۰) شعر و شاعری

صاحب تفسیر انوار درخشان ذیل این آیه چنین آورده است:

پروردگار هرگز به او افسانه‌سرایی نیاموخته یا این که معانی چندی را به صورت افسانه و تخیل درآورد تا موردپسند کوتاه‌نظران گردد و همچنین مقام رسول منزّه از آن است که سخنان او براساس افسانه باشد و کلام شعری مبنی بر تکلف و نظر به وزن و قافیه دارد گرچه از نظر حقیقت براساس متکی نباشد. (۲)

آورده‌اند که کفار مکه چون قرآن را بر اسلوب غریب و ترکیبی بدیع و نظمی

۱- تفسیر المیزان، جلد ۱۷، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، انتشارات اسلامی، ص ۱۶۱.

۲- الانوار درخشان فی تفسیر القرآن، جلد ۱۳، سید محمد حسینی همدانی، تهران، کتابفروشی لطفی، ص ۴۰۶.

دلیل اتهام شاعری به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله (۳۱)

عجیب دیدند گفتند محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله شاعر است. خداوند فرمود: ما به او شعر نیاموختیم و شعر گفتن او را نسزد و نظم قرآن بر شاعری دلالت نمی‌کند زیرا شعر کلام مقفی و موزن است و قرآن نه بر این طریق و نه بر قانون شعر است. و صحیح نیست که قرآن شعر باشد زیرا که نظم او مانند نظم هیچ شعر نیست و در آثار آمده که آن حضرت هر گاه بیتی بر سیل تمثیل ادا فرمودی به وجهی که از سمت وزن منحرف شود بر زبانش جاری می‌گشت. چنانکه نوبت فرمودند:

كَفَى الْإِسْلَامَ وَالشَّيْبَ لِلْمَرْءِ نَاهِيَا كَفْتُنْدُ: یا رسول‌الله قائل چنین گفته که:

كَفَى الشَّيْبَ وَالْإِسْلَامَ لِلْمَرْءِ نَاهِيَا حضرت خواست که به این طریق بخواند زبان مبارکش بر این وَتِيرَه (۱) جاری شد و بعد از آن فرمود: شعر خواندن کار من نیست.

۱- نوع .

(۳۲) شعر و شاعری

حکمت این کار آن است که شبهه‌ای در دل مردمان ایجاد نشود که قدرت او بر نظم قرآن و فصاحت و بلاغت آن از قوت فطانتی است که در شاعری دارد. و از عایشه روایت شده است که دشمن‌ترین کلام نزد رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله شعر بود و آن اشعاری که حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله از آن متأذی می‌شد شعرهایی بود که متضمن هجای اهل اسلام بود و سخنان باطل ولی اشعاری که منظوم بود بر موعظه و نصیحت و محتوی بر توحید و منقبت، بسیار دوست داشتنی بود و مردمان را بر آن تحریص می‌فرمود و پیوسته حسان بن ثابت را در شعر ترغیب می‌کرد و می‌فرمود:

ای حسان! همیشه تأیید و قوت خواهی یافت به روح‌القدس که جبرئیل است یا

دلیل اتهام شاعری به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله (۳۳)

سایر مقربان در گاه ملک جلیل مادامی که به زبان خود ما را یاری می‌دهی. مراد اشعاری است که متضمن ثناخوانی و مدح گستره حق سبحانه و حضرت رسالت صلی‌الله‌علیه‌وآله باشد و مشتعل بر موعظه و نصیحت، چه قرآن بر همین مضمون وارد شده. (۱) در جای دیگر قرآن از زبان مشرکان می‌گوید:

وَيَقُولُونَ إِنَّا لَنَرُكَوَالِهَتِنَا لِشَاعِرٍ مَّجْنُونٍ و پیوسته می‌گفتند: آیا ما خدایان را به خاطر شاعر دیوانه‌ای رها کنیم؟ (۲) تفسیر: شاعرش می‌نامیدند چون سخنانش آنچنان درد دل‌ها نفوذ داشت و عواطف انسان‌ها را همراه خود می‌برد که گویی موزون‌ترین اشعار را می‌سراید در حالی که گفتارش ابدا شعر نبود. (۱)

۱- تفسیر منهج الصادقین، جلد ۷، ملافتح‌الله کاشانی، تهران، کتابفروشی اسلامیة، چاپ دوم، ص ۴۹۵.
۲- ۳۶ / صافات .

(۳۴) شعر و شاعری

وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍ قَلِيلًا مَا تُؤْمِنُونَ و قرآن شاعری نیست اما کمتر ایمان می‌آورد. (۲)

تفسیر: نسبت به شاعر و کاهن به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌داند و قرآن در جواب آن‌ها می‌فرماید: این گفته شاعری نیست و گفته کاهنی نیست اما کمتر ایمان می‌آورد.

به پیامبر نسبت کفایت می‌دادند چرا که کاهنان کسانی بودند که بر اثر ارتباط با جنّ و شیاطین گاه بعضی از اسرار غیب را بازگو می‌کردند و مخصوصاً کلمات خود را با سجع و جمله‌بندی‌های موزون همراه می‌ساختند و از آنجا که

۱- تفسیر نمونه، جلد ۱۹، آیه‌الله مکارم شیرازی، تهران، دارالکتب اسلامیة، ص ۴۶.
۲- ۴۱ / حاقه .

دلیل اتهام شاعری به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله (۳۵)

قرآن هم دارای خبرهای غیبی است و نیز نظم مخصوصی دارد این تهمت را به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌زدند در حالی که تفاوت میان این دو از زمین تا آسمان است. بعضی در شأن نزول این آیات نقل کرده‌اند که اولین کسی که نسبت شعر و شاعری به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله داد، ابوجهل بود و آن کسی که نسبت کفایت به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله داد عُتبه بود و دیگران هم بدنبال آن‌ها این تهمت‌ها را تکرار می‌کردند.

درست است که الفاظ قرآن هماهنگی و نظم زیبایی دارد که گوش را نوازش و روح را آرامش می‌بخشد اما این نه ارتباطی با شعر شاعران دارد و نه با سجع کاهنان.

شعر معمولاً زائیده تخیلات و بیانگر احساسات برافروخته و هیجانات عاطفی است و به همین دلیل فراز و نشیب و افت و خیز فراوان دارد، در حالی که قرآن در عین زیبایی و جذابی کاملاً مستدل و منطقی و نیز محتوایی عقلانی دارد و اگر گهگاه پیشگویی‌هایی از آینده کرده این پیشگویی‌ها اساس قرآن را تشکیل نمی‌دهد و تازه برخلاف خبرهای کاهنان همه قرین واقعیت است.

(۳۶) شعر و شاعری

بنابراین قرآن نه شعر است و نه کفایت، نه ساخته فکر پیامبر است و نه گفته جبرئیل بلکه سخن خداست که به وسیله پیک وحی بر قلب پاک پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نازل شده و همین تعبیر بامختصری تفاوت در یازده مورد از قرآن مجید آمده است. (۱)

سید ابراهیم بروجردی در تفسیر خود ذیل آیه ۴۱ سوره حاقه می‌فرماید:

در این آیه پروردگار پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله را منزّه فرمود از شعر و کفایت چون برخی حضرتش را شاعر و بعضی او را کاهن می‌نامیدند، در صورتی که شعر کلام موزون و مقفّی است و قرآن موزون و مقفّی نیست و اندیشه نکردند که هرکس این سخنان را از آنها بشنود آنان را تمسخر می‌کند.

۱- تفسیر نمونه، جلد ۱۴، آیه‌الله مکارم شیرازی، تهران، دارالکتب اسلامی، ص ۴۷۸.

دلیل اتهام شاعری به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله (۳۷)

کاهن آن است که ادعا می‌کند مرا از جن رفیقانی هست که از غیب و غایب خبر می‌دهند مرا. خداوند در جواب ایشان فرمود: این قرآن به وحی و القاء جن و شیاطین نیست بلکه از جانب خدای جهانیان فرود آمده است. (۱)
شاید بتوان گفت محکم‌ترین آیاتی که درباره شعرا و سروده‌های آنان در قرآن آمده است آیات آخر سوره شعراء هستند که خداوند در آن آیات می‌فرماید:

وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ (پیامبر شاعر نیست) شعرا کسانی هستند که گمراهان از آنان پیروی می‌کنند. (۲)

أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ آیا نمی‌بینی آن‌ها در هر وادی سرگردانند؟ (۳)

۱- تفسیر جامع، جلد ۷، سید ابراهیم بروجردی، تهران، انتشارات صدر، ص ۲۳۵.

۲- ۲۲۴ / شعراء .

۳- ۲۲۵ / شعراء .

(۳۸) شعر و شاعری

وَأَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ و سخنانی می‌گویند که عمل نمی‌کنند. (۱)

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا وَانْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ مگر کسانی که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام می‌دهند و یاد خدا بسیار می‌کنند و به‌هنگامی که مورد ستم واقع می‌شوند به دفاع از خویشتن (مؤمنان) برمی‌خیزند (و از ذوق شعری خود کمک می‌گیرند) و به زودی آن‌ها که ستم کردند می‌دانند که بازگشت‌شان به کجاست. (۲)

شعرا کسانی هستند که گمراهان از آنان پیروی می‌کنند. آیا نمی‌بینی آن‌ها

۱- ۲۲۶ / شعراء .

۲- ۲۲۷ / شعراء .

دلیل اتهام شاعری به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله (۳۹)

در هر وادی سرگردانند؟ و سخنانی می‌گویند که عمل نمی‌کنند. مگر کسانی که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام می‌دهند و بسیار یاد خدا می‌کنند و به‌هنگامی که مورد ستم واقع می‌شوند برمی‌خیزند (و از ذوق شعری خود کمک می‌گیرند) و به زودی آن‌ها که ستم کرده‌اند می‌دانند که بازگشت‌شان به کجاست. (۱)

تفسیر: این آیات بار دیگر به بحث آیات قبل پیرامون تهمت دشمنان به پیامبر می‌پردازد درباره این که قرآن القائنات شیاطین است! و با بیانی رسا و کوبنده مجدداً به آن‌ها پاسخ می‌دهد.

می‌فرماید: آیا به شما خبر دهم شیاطین بر چه کسی نازل می‌شوند؟ آن‌ها بر هر دروغگوی گنه کار نازل می‌شوند. شیاطین آنچه را می‌شنوند توأم با دروغ‌های بسیار به دوستان خود القاء می‌کردند و اکثرشان دروغگو هستند.

۱- ۲۲۴ - ۲۲۷ / شعراء .

(۴۰) شعر و شاعری

کوتاه سخن این که: القائنات شیطانی نشانه‌های روشنی دارد که با آن نشانه‌ها می‌توان آن را بازشناخت. شیطان وجودی است ویرانگر، مودی و مخزب. القائنات او در مسیر فساد و تخریب است و مشتریان او دروغگویان گنه کارند. هیچ‌یک از این امور در مورد قرآن و آورنده آن منطبق نیست و کمترین شباهتی با آن ندارد.

مردم آن محیط راه و رسم پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را در صدق و امانت و صلاح شناخته بودند، محتوای قرآن نیز چیزی جز دعوت به توحید و حق و عدالت و اصلاح در تمام زمینه‌ها ندارد بنابراین شما چگونه آن را متهم به القائنات شیطان می‌کنید؟ منظور از «أفّاك» آئیم» همان کاهنانی بودند که با شیاطین ارتباط داشتند و شیاطین گاه از طریق استراق سمع سخنان حقی از فرشتگان می‌شنیدند و با اباطیل فراوانی می‌آمیختند و به کاهنان منتقل می‌ساختند، آن‌ها نیز دروغ‌هایی بر آن نهاده و به مردم می‌گفتند و در کنار یک سخن راست ده‌ها دروغ می‌بافتند،

دلیل اتهام شاعری به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله (۴۱)

مخصوصاً بعد از نزول وحی و محروم گشتن شیاطین از صعود به آسمان‌ها و استراق سمع آنچه را به کاهنان القاء می‌کردند مثنی دروغ و اراجیف بود با این حال چگونه می‌شد محتوای قرآن را با آن مقایسه کرد؟ و پیامبر راستگو را با مثنی کاهنان کذاب أفّاك سنجید؟

در آیه بعد به پاسخ یکی دیگر از تهمت‌های کفار به پیامبر اسلام می‌پردازد که او را شاعر می‌خواندند و گاه او را دیوانه! قرآن در این آیه با بیانی بسیار منطقی می‌گوید: خط مثنی پیامبر از خط شعر جداست شعرا در عالم خیال و پندار حرکت می‌کنند و او در عالمی مملو از واقع‌بینی برای نظام بخشیدن به جهان انسانی.

شعراء غالباً طالب عیش و نوشند و در بند زلف و خال یار، مخصوصاً شاعرانی که در آن عصر و در محیط حجاز می‌زیستند چنان‌که از نمونه

(۴۲) شعر و شاعری

اشعارشان پیداست. به همین دلیل شعراء کسانی هستند که گمراهان از آن‌ها پیروی می‌کنند. آن‌ها غرق پندارها و تشبیهات خویشند حتی هنگامی که قافیه‌ها آن‌ها را به این سمت و آن سمت بکشاند، در هر وادی سرگردان می‌شوند. آن‌ها غالباً در بند منطق و استدلال نیستند و اشعارشان از هیجان‌اتشان تراوش می‌کند و این هیجان‌ات و جهش‌های خیالی هر زمان آنان را به وادی دیگری سوق می‌دهد.

هنگامی که از کسی راضی و خشنود شوند او را با مدایح خود به اوج آسمان‌ها می‌برند هر چند مستحق قعر زمین باشد و از او فرشته‌ای زیبا می‌سازند هر چند شیطان لعینی باشد، و هنگامی که از کسی برنجند چنان به هجو او می‌پردازند که گویی می‌خواهند به اسفل السافلینش بکشاند هر چند موجودی آسمانی و پاک باشد.

دلیل اتهام شاعری به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله (۴۳)

آیا محتوای حساب شده قرآن با زمینه‌های فکری شاعران مخصوصاً شاعران آن محیط که کاری جز وصف شراب و جمال معشوق و خط یار و مدح قبیله‌های مورد نظر و ذم و هجو دشمنان نداشتند هیچ شباهتی دارد؟ به علاوه شاعران معمولاً مردان بزمند نه جنگاوران رزم اهل سخند نه عمل. لذا در آیه بعد می‌فرماید: آیا نمی‌بینی که آن‌ها سخنانی می‌گویند که عمل نمی‌کنند. اما پیامبران اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله سرتا پا عمل است و حتی دشمنان او وی را به عزم راسخ و استقامت عجیبش و اهمیت دادن به جنبه‌های عملی مسائل می‌ستایند. شاعر کجا و پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله کجا؟

از جمع بندی بیانات فوق چنین استفاده می‌شود که قرآن سه نشانه برای این گروه از شعرا بیان کرده است. نخست این که پیروان آن‌ها گروه گمراهانند و با الگوهای پنداری و خیالی از واقعیت‌ها می‌گریزند، دیگر آن که مردمی بی‌هدفند و خط فکری آن‌ها به زودی دگرگون می‌شود و تحت تأثیر هیجان‌ها به آسانی تغییر می‌پذیرند، سوم این که آن‌ها سخنانی می‌گویند که به آن عمل نمی‌کنند حتی در آن جا که واقعیتی را بیان می‌دارند خود مرد عمل نیستند.

(۴۴) شعر و شاعری

اما هیچ‌یک از این اوصاف سه‌گانه بر پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله تطبیق نیم کند او درست نقطه مقابل این حرف‌هاست.

چهار ویژگی شعرای متعهد

ولی از آن جا که در میان شاعران افراد پاک و هدفداری پیدا می‌شوند که اهل عمل و حقیقتند و دعوت کننده به راستی و پاکی (هرچند از این قماش شاعران در آن محیط کمتر یافت می‌شد) قرآن برای این که حق این هنرمندان با ایمان و تلاشگران صادق ضایع نگردد با یک استثناء صف آن‌ها را از دیگران جدا کرده می‌گوید: مگر کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده‌اند.

چهار ویژگی شعرای متعهد (۴۵)

شاعرانی که هدف آن‌ها تنها شعر نیست بلکه در شعر هدف‌های الهی انسانی را می‌جویند، شاعرانی که در اشعار غرق نمی‌شوند و از خدا غافل نمی‌شوند بلکه خدا را بسیار یاد می‌کنند و اشعارشان مردم را به یاد خدا وامی‌دارد و به هنگامی که مورد ستم قرار می‌گیرند از این ذوق خویش برای دفاع از خویشتن و مؤمنان به پامی‌خیزند و اگر با اشعارشان به هجو و ذم گروهی می‌پردازند به خاطر این است که از حق در برابر حمله و هجوم شعری آنان دفاع می‌کنند و به این ترتیب چهار صفت برای این شاعران با هدف بیان کرده است: ایمان، عمل صالح، بسیار به یاد خدا بودن و در برابر ستم‌ها به پاختن و از نیروی شعر برای دفع آن کمک گرفتن. (۱)

۱- تفسیر نمونه، جلد ۱۵، آیه‌الله مکارم شیرازی، تهران، دارالکتب اسلامیه، ص ۳۷۵.

(۴۶) شعر و شاعری

چرا پیامبر را متهم به شعر می‌کردند؟

طبق شواهد قرآنی یکی از تهمت‌های رایج نسبت به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله شعر و شاعری بود، آن‌ها به خوبی می‌دانستند که قرآن کمترین شباهتی به شعر ندارد نه از نظر ظاهر، یعنی وزن و قافیه شعری و نه از نظر محتوا، تخیلات تشبیهات و تغزلات شاعرانه. ولی آن‌ها چون جاذبه فوق‌العاده قرآن را در افکار مردم می‌دیدند و آهنگ دلنشین آن را در درون جان خویش احساس می‌کردند برای پرده افکندن بر این نور الهی گاه آن را سحر می‌نامیدند چرا که نفوذ مرموز در افکار داشت و گاه شعر می‌خواندند چرا که دل‌ها را تکان می‌داد و به همراه خود می‌برد!

آن‌ها در حقیقت می‌خواستند مذمت کنند اما با این سخن مدح می‌کردند و

چرا پیامبر را متهم به شعر می‌کردند (۴۷)

این گفتارشان سند زنده‌ای بود بر نفوذ خارق‌العاده قرآن در افکار و دل‌ها.

ارزش شعر

بدون شک ذوق شعر و هنر شاعری مانند همه سرمایه‌های وجودی انسان در صورتی ارزشمند است که در یک مسیر صحیح به کار افتد و از آن بهره‌گیری مثبت و سازنده شود، اما اگر به عنوان یک وسیله مخرب برای ویران کردن بنیان اعتقاد و اخلاق جامعه و تشویق به فساد و بی‌بند و باری مورد استفاده واقع شود و یا انسان‌ها را به پوچی و بیهودگی و خیال‌پروری سوق دهد یا تنها یک سرگرمی بی‌محتوا تلقی گردد بی ارزش و حتی زیانبار است. (۱)

۱- تفسیر نمونه، جلد ۱۵، آیه‌الله مکارم شیرازی، تهران، دارالکتب اسلامیه، ص ۳۸۱.

(۴۸) شعر و شاعری

ارزیابی اسلام درباره شعر و شاعری

ارزیابی اسلام در این زمینه روی هدف‌ها و جهت‌گیری‌ها و نتیجه‌ها است. به گفته امیرمؤمنان علیه‌السلام هنگامی که گروهی از یارانش در یکی از شب‌های ماه مبارک رمضان به هنگام افطار سخن به شعر و شاعران کشیدند آن‌ها را مخاطب ساخته فرمود:

«اعْلَمُوا أَنَّ مَلَائِكَةَ اللَّهِ يَتَّقُونَ الدِّينَ وَ عَصِيَّتَكُمْ التَّقْوَى وَ زِيَّتَكُمْ الْأَدَبُ وَ حَصُونُ أَعْرَاضِكُمْ» بدانید ملائک کار شما دین است و مایه حفظ شما تقوی است. زینت شما ادب و دژهای محکم آبروی شما حلم و بردباری است.

اشاره به این که «شعر وسیله‌ای است» و معیار ارزیابی آن هدفی است که شعر در راه آن به کار گرفته می‌شود. اما متأسفانه در طول تاریخ ادبیات و اقوام

ارزیابی اسلام درباره شعر و شاعری (۴۹)

ملل جهان از شعر سوء استفاده‌های فراوانی شده است و این ذوق لطیف الهی در محیط‌های آلوده آنچنان به ننگ کشیده شده است که گاه از مؤثرترین عوامل فساد و تخریب بوده است، مخصوصاً در عصر جاهلیت که دوران انحطاط فکری و اخلاقی قوم عرب بود و «شعر و شراب و غارت» همواره در کنار هم قرار داشتند.

ولی چه کسی می‌تواند این حقیقت را انکار کند که اشعار سازنده و هدفدار در طول تاریخ حماسه‌های فراوان آفریده است و گاه قوم و ملت‌ها را در برابر دشمنان خونخوار و ستمگر آنچنان بسیج کرده که بی‌پروا از همه چیز بر صف دشمن زده و قلب او را شکافته‌اند.

و نیز کسی می‌تواند انکار کند که گاه یک شعر اخلاقی آنچنان در اعماق جان انسان نفوذ می‌کند که یک کتاب بزرگ و پرمحتوا کار آن را انجام نمی‌دهد.

رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند:

(۵۰) شعر و شاعری

«إِنَّ مِنَ الشُّعْرِ لِحِكْمَةٌ وَإِنَّ مِنَ الْبَيَانِ لَسِحْرًا» بعضی از اشعار حکمت است و پاره‌ای از سخنان سحر! گاهی اشعار غوغا به پا می‌کند، گاه کلمات موزون شاعرانه برندگی شمشیر و نفوذ تیر را در قلب دشمن دارد چنان که در حدیثی از پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌خوانیم:

قسم به آن کسی که جان محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله در دست قدرت اوست با این اشعار گویی تیرهایی به سوی آنان پرتاب می‌کنید. این سخن را آنجا فرمود که دشمن با اشعار هجو آمیزش برای تضعیف روحیه مسلمانان تلاش می‌کرد، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله هم دستور داد که در مذمت آنان و تقویت روحیه مؤمنین شعر بسرایند.

و در مورد یکی از شعرای مدافع اسلام فرمود:

ارزیابی اسلام درباره شعر و شاعری (۵۱)

إِهْجَهُمْ فَإِنَّ جَبْرِيْلَ مَعَكَ أَنْهَا رَاهُجُو كُنْ كَهْ جَبْرِيْلَ بَا تَوَاسْت .

هنگامی که کعب ابن مالک شاعر با ایمانی که در تقویت اسلام شعر سرود از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله پرسید: یا رسول‌الله درباره شعر این آیات مذمت‌آمیز نازل شده چه کنم؟ پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

«إِنَّ الْمُؤْمِنَ يُجَاهِدُ بِنَفْسِهِ وَ سَيْفِهِ وَ لِسَانِهِ». مؤمن با جان و شمشیر و زبانش در راه خدا جهاد می‌کند.

از ائمه و اهل بیت علیهم السلام نیز توصیف فراوانی درباره اشعار و شعرای باهدف و دعا در حق آنان و جایزه فراوان به آن‌ها رسیده است. (۱)

ولی افسوس که در طول تاریخ گروهی این هنر بزرگ و ذوق لطیف ملکوتی را
۱- تفسیر نمونه، جلد ۱۵، ص ۳۸۲.

(۵۲) شعر و شاعری

که از زیباترین مظاهر آفرینش است آلوده کرده‌اند و از اوج آسمان به حضيض مادّیگری سقوطش داده‌اند. آنقدر دروغ گفته‌اند که ضرب‌المثل معروف «أَحْسِنُهُ أَكْذَبُهُ» بهترین شعر دروغ آن است، به وجود آمده است. گاه آن را در خدمت ظالمان و جباران درآوردند و به خاطر صله ناچیزی آنچنان تملّق و چاپلوسی کردند که نه کرسی فلک را اندیشه آنان به زیر پای نهاد تا بوسه بر رکاب قزل ارسلان زند. و گاه در وصف عیش و شراب و رسوایی و ننگ آنقدر پیش رفتند که قلم از ذکر آن شرم دارد. گاه آتش جنگ‌های را با اشعار خود برافروختند و انسان‌ها را برای غارت و کشتار به جان هم انداختند که صفحه زمین را از خون بی‌گناهان رنگین ساختند.

ولی در مقابل، شعرای با ایمان و پرهمتی بودند که باج به فلک نمی‌دادند و این قریحه ملکوتی را در طریق آزادگی انسان‌ها و پاکی و تقوا و مبارزه با دزدان و

ارزیابی اسلام درباره شعر و شاعری (۵۳)

غارنگران و جباران به کار گرفتند و به اوج افتخار رسیدند. گاهی در دفاع از حقّ اشعاری گفتند که با هر بیتی، بیتی در جنت برای خود خریدند و گاه در دوران‌های خفقان باری که حکام بیدادگر همچون بنی‌امیه و بنی‌عباس نفس‌ها را در سینه‌ها حبس کرده بودند با گفتن قصیده‌ای همچون «قصیده مدارس آیات» قلب‌ها را جلا دادند و پرده‌های دروغ و تزویر را کنار زدند گویی روح القدس این اشعار را بر زبان آن‌ها جاری می‌ساخت و گاه بر ایجاد حرکت در توده‌های رنجیده که احساس حقارت می‌کردند اشعاری می‌سرودند و شور و حماسه هیجان می‌آفریدند.

قرآن درباره این‌ها می‌گوید:

«الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا وَانْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا» (۵۴) شعر و شاعری

ظَلَمُوا وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ» (۱)

جالب این که این گروه از شاعران گاهی چنان آثار جاودانه‌ای از خود به یادگار گذاشتند که پیشوایان بزرگ اسلام طبق برخی از روایات مردم را به حفظ اشعار آن‌ها توصیه می‌فرمودند.

چنان که درباره اشعار عبدی از امام صادق علیه‌السلام نقل شده که فرمود:

«يَا مَعْشَرَ الشَّيْعَةِ عَلِّمُوا أَوْلَادَكُمْ شِعْرَ الْعَبْدِيِّ فَإِنَّهُ عَلَى دِينِ اللَّهِ»، اشعار عبدی را بیاموزید که او بر دین خدا است.
۱- ۲۲۷ / شعراء.

ارزیابی اسلام درباره شعر و شاعری (۵۵)

مضمون یکی از اشعار عبدی در زمینه خلافت و جانشینی پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله این است: آن‌ها گفتند: رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله برای بعد از خود کسی را به عنوان امام انتخاب نکرده است ولی ما خود انتخاب می‌کنیم. ما امامی برمی‌گزینیم که اگر بر طریق هدایت بود اطاعتش می‌کنیم و اگر از طریق گمراهی رفت او را صاف می‌کنیم! ما به آن‌ها گفتیم در این صورت شما امام خود هستید، شما سرگردان شدید و ما سرگردان نیستیم. ولی ما همان را برگزیدیم که پروردگار ما برای ما روز غدیر خم

برگزید و از آن کمترین انحراف و عدولی نخواهیم داشت. ما بر نور واضح الهی هستیم، پروردگارا بر نورانیت ما بیفزا و ما را ثابت قدم بدار.

ذکر خداوند

در آیات آخر سوره شعراء یکی از ویژگی‌های شاعران با هدف این است که خدا را بسیار یاد می‌کنند. در حدیثی از امام صادق علیه‌السلام آمده است:

یکی از سخت‌ترین و مهمترین اموری که خدا برای خلق فرض کرده است ذکر کثیر خداست. (۱)
(۵۶) شعر و شاعری

در تفسیر المیزان ذیل آیات ۲۲۴ - ۲۲۷ سوره شعراء آمده است: این آیات پاسخ به تهمتی است که مشرکین به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌زدند و او را شاعر می‌خواندند و در این آیات شعرای با ایمان را از مذمت شعراء مستثنی دانسته است.

«وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ»

غَیّٰ معنایی دارد خلاف معنای رشد. رشید کسی است که اهتمام نمی‌ورزد

۱- تفسیر نمونه، جلد ۱۵، ص ۳۸۵.

ذکر خداوند (۵۷)

مگر به آنچه حق و واقع باشد و در نتیجه غوی کسی است که راه باطل را برود و از راه حق منحرف باشد و این غوایت از مختصات صنعت شعر است، که اساسش بر تخیل و تصویر غیرحق و غیر واقع است به صورت حق و واقع.

و به همین جهت کسی به شعر و شاعری اهتمام می‌ورزد که غوی باشد و با تزئینات خیالی و تصویرهای موهوم سرخوش بوده و از این که از حق به غیرحق منحرف شوند و از رشد به سوی غوایت برگردند خوشحال شوند و از این شعراء هم کسانی خوششان می‌آید و ایشان را پیروی می‌کنند که خود نیز غاوی و گمراه باشند.

واژه يَهيمُونَ به معنای آن است که کسی پیش روی خود را بگیرد و برود و مراد کفارند که افسار گسیختگی آنان در سخن گفتن است. می‌خواهد بفرماید: این‌ها بند و باری در حرف زدن ندارند، حدّ و مرزی در آن نمی‌شناسند، چه بسا باطل و مذموم را مدح کنند، عینا همانطوری که حق و محمود را باید ستایش کرد

(۵۸) شعر و شاعری

و برعکس چه بسا زیبا و جمیل را آنچنان مذمت می‌کنند که یک امر قبیح و زشت باید مذمت شود و چه بسا مردم را به سوی باطل دعوت نموده و از حق برمی‌گردانند و این روش خود انحراف از راه فطرت انسانی است که اساسش بر رشد است و رشد هم داعی به سوی حق است و نیز این که چیزهایی می‌گویند که خود عمل نمی‌کنند عدول از راه فطرت است.

خلاصه حجتی که در این آیات سه‌گانه اقامه شده این است که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله شاعر نیست برای این که شاعر کسی است که گمراهان او را پیروی می‌کنند چون صنعت شعر اساسش بر غوایت و خلاف رشد است. لیکن می‌بینید که آن افرادی که این رسول را پیروی می‌کنند به منظور رشد و رسیدن به واقع و به طلب حق پیروی می‌کنند چون می‌بینند که دعوت او و کلامی که به نام قرآن نزد او است مشتمل است بر دعوت برحق و رشد نه باطل و غیّٰ.

ذکر خداوند (۵۹)

در آیه آخر عده‌ای از شعراء را استثناء کرده است و آن‌ها شعرایی هستند که ایمان دارند چون ایمان و عمل صالح آدمی را طبعاً از

ترک حق و پیروی باطل بازمی‌دارد و این که فرموده: خدا را بسیار ذکر می‌کنند برای این است که ذکر کثیر خدا آدمی را همواره به یاد خدا می‌اندازد و او را به سوی حق، آن حقی که مایه رضایت او است می‌برد و از باطلی که او دوست نمی‌دارد بندگان به آن مشغول باشند برمی‌گرداند. در نتیجه چنین کسان دچار گمراهی‌ها نمی‌شوند که آن دسته دیگر دچارش می‌باشند. با این بیان روشن می‌شود که چرا جمله استثناء را مقید به ایمان و عمل صالح کرده است. (۱)

همچنین در الدر المنثور آمده است: ابی سعید گفت در حالی که ما داشتیم با

۱- ترجمه تفسیر المیزان، جلد ۱۵، ص ۴۷۰.

(۶۰) شعر و شاعری

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌رفتیم شاعری پیدا شد و شروع کرد به سرودن اشعار، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: اگر جوف یکی از شما پر از چرک شود بهتر از آن است که پر از شعر گردد. این روایت از طریق شیعه نیز از امام صادق علیه‌السلام از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله روایت شده است. (۱)

در تفسیر قمی می‌گوید: مرد را موعظه می‌کنند و خود متعظ نمی‌شوند، نهی از منکر می‌کنند و خود از آن دست بر نمی‌دارند، امر به معروف می‌کنند و خود عمل نمی‌کنند. اینان همان کسانی که خدای عز و جلّ درباره‌شان فرمود: در هر مذهب و راهی می‌روند و چیزهایی می‌گویند که خود عمل نمی‌کنند. (۲)

همچنین در اعتقادات صدوق آمده است شخصی از امام صادق علیه‌السلام درباره آیات آخر سوره شعراء سؤال کرد حضرتش در پاسخ فرمود: منظور شعراء داستان سرا هستند.

از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله روایت است که: بعضی از اشعار حکمت است و شعر پسندیده آن شعری است که در آن از حق یاری شود و چنین شعری مشمول آیه نیست.

۱ و ۲ - ترجمه تفسیر المیزان، جلد ۱۵، ص ۴۷۰ و ۴۷۸.

ذکر خداوند (۶۱)

در مجمع‌البیان روایت است که: کعب بن مالک از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله پرسید درباره شعرا چه می‌فرمایی؟ حضرت فرمود: مؤمن تنها با شمشیر جهاد نمی‌کند زبان او نیز شمشیر است، به آن خدایی که جانم به دست اوست مطمئناً بدانید که شما با اشعار خود جهاد می‌کنید که گویا با تیر بدن‌هایشان را خون آلود کرده باشید. (۱)

(۶۲) شعر و شاعری

مرحوم طبرسی در مجمع‌البیان آورده است که:

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به حسان بن ثابت (شاعر مخصوص خود) فرمود: «اهْجَهُمْ» و باز فرمود: هَاجَهُمْ وَ رُوحُ الْقُدْسِ مَعَكَ که معنی هر دو این است که: کفار را هجو کن که روح‌القدس با توست و ترا مدد می‌کند و این روایت را بخاری و مسلم در صحیحین خود آورده‌اند. (۲)

در الدر المنثور روایت شده است که:

۱ و ۲ - ترجمه تفسیر المیزان، جلد ۱۵، ص ۴۷۹.

ذکر خداوند (۶۳)

عبدالله بن رواحه و کعب بن مالک و حسان بن ثابت با چشم گریان به خدمت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله وارد شده عرضه داشتند یا رسول‌الله تعالی که این آیه را فرو فرستاده می‌داند که ما از شعرا ایم. آیا ما نیز هلاک شدیم؟ بدنبال این سؤال آیه آخر سوره شعراء نازل شد «إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا...» رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرستاد دنبال سؤال کنندگان و این آیه را برایشان خواند. (۱)

در مکه برخی از شعراء که زیر دست مشرکین بودند درباره حضرت رسالت صلی الله علیه و آله و اصحاب آن حضرت و ذم اسلام - که کاخ رفتارهای ظالمانه آنها را در هم فرومی ریخت - اشعار می سرودند و زنان مغنیه و اطفال و دیگر توده مردم را برای استماع آن اشعار و باز گو کردن آنها جمع می کردند و در مقابل، شعراء مسلمین مانند عبدالله ابن رواحه و کعب بن مالک و حسان بن ثابت و سایر شعراء مسلمین گفتند: ما شاعریم و می ترسیم در حال سکوت بمیریم، پیامبر صلی الله علیه و آله

۱- ترجمه تفسیر المیزان، جلد ۱۵، ص ۴۷۰.

(۶۴) شعر و شاعری

فرمود: مؤمن جهاد می کند به شمشیر خود و به زبان خود و شعری که شما در شأن کفار می گوئید برایشان سخت تر است از تیغ و نیزه، لذا شعراء مسلمین اشعاری در مدح پیامبر صلی الله علیه و آله می سرودند و جواب هجوکنندگان را می دادند و پیامبر صلی الله علیه و آله به حسان فرمود: پاسخ هجاء مشرکین را بده و روح القدس یار توست. (۱)

در آیات آخر سوره شعراء خطاب به پیامبر چنین آمده است: ای پیامبر! آیا نه این است که گمراهان شعراء مشرکین را پیروی می کنند، می دانی که آن شعراء در هر وادی سرگردان می شوند و اشعارشان موهوم و خیالی است و کلامشان مشحون از هزل و مطایبه و تغزل و عشقبازی و هتک ناموس مردم و قح در

۱- حجة التفاسیر، جلد ۵، ص ۷۲.

ذکر خداوند (۶۵)

نسب ایشان و مدح بی مورد و هجو بی جا و افراط و غلو در مدح و ذم و امثال آنهاست که از امور خلاف واقع است که موجب گمراهی و گمراه ساختن است و شعراء مشرکین چیزهای می گویند که عمل نمی کنند. (به فسق ناکرده بر خود گمراهی می دهند و پیغامهای ناداده به کسی بر سلک نظم می کشند، نه به مراقباتش عمل می کنند و نه از منهیاتش دست بازمی دارند).

البته از خیل شعراء مستثنی هستند شعرائی که اسلام آوردند و کارهای شایسته کردند و خدا را در اشعار خود بسیار یاد نمودند (از تمجید و تمحید و توحید و تحریص بر طاعت و تنبیه از غفلت) و از مشرکین انتقام کشیدند (به این که هجو مشرکین را به خودشان رد کردند و پیامبر را ستایش نمودند).

از پس از آن که ستم شدند و کسانی که ظلم کردند به خود و بر دیگران و از مرز انسانیت تجاوز کردند و هر چیزی را در غیر محل خود گذاردند و به کفر و

(۶۶) شعر و شاعری

شرک باقی ماندند و پیامبر صلی الله علیه و آله را انکار کردند و منکر قرآن و اسلام شدند و نسبت های ناروا به آن حضرت و مسلمین دادند و اشعار هجوآمیز به دهان جهال انداختند به زودی با احوال دگرگون باز خواهند گشت. (به واسطه اعمالشان). (۱)

در تفسیر جامع درباره آیات پایانی سوره شعراء چنین آمده است:

ابن عباس می گوید معنای این آیات آن است که شعراء به انواع شعر مانند قصیده و غزل، هزل و تشبیه، مبالغه و وصف و غیر اینها پرداخته شخصی را مدح تا روا کرده و جمعی را ذم نابجا نموده و فحش می دهند و چیزهایی می گویند که خود مفهوم و معنای آن را نمی دانند و مقصود از شعراء منافقین باشند که به باطل مناظره و جدال نموده و با دلایل نارسا و اصول گمراه کننده احتجاج و

۱- حجة التفاسیر، جلد ۵، ص ۷۲.

ذکر خداوند (۶۷)

مباحثه کرده و دنبال هر مذهب و قولی می روند جز مذهب و طریقه ائمه معصومین علیه السلام بلکه تخطئه هم می نمایند و در وادی گمراهی و حیرت سرگردان مانده و چاره ای ندارند مگر آن که به دامن شک و ظن و گمان که خداوند صریحا در قرآن نهی

فرموده پناه ببرند و عمل کنند. آن‌ها مردم را پنده داده و موعظه می‌نمایند ولی خودشان پندپذیر نیستند. نهی از منکر می‌نمایند و خود مرتکب منکر می‌شوند. امر به معروف کرده و خود به آن عمل نمی‌نمایند. (۱)
در تفسیر اثنی عشری آمده است:

به درستی که ایشان می‌گویند آنچه را که نمی‌کنند یعنی بر فسق ناکرده بر خود گواهی می‌دهند و پیغام‌های نداده به کسی را در سلک نظم می‌کشند و

۱- تفسیر جامع، جلد ۵، ص ۸۶.

(۶۸) شعر و شاعری

ترغیب مردمان نمایند بر چیزهایی که خود به جا می‌آورند و نهی می‌کنند از کارهایی که خود مرتکب آن شوند. و اگر شخصی بصیر تفحص اشعار شعراء نماید بر بسیاری از این مقوله مطلع شود. در واژه «شعرا» مفسران را اقوالی است:

۱- از ابن عباس نقل شده که مراد به شعرا را تبعه شیاطین دانند و زعم آن‌ها این بوده که شعرا تلقین شعر از شیاطین می‌نمایند و می‌گفتند هر که شیطان او قوی تر است شعر او بهتر است.

۲- مراد کسانی که که به قصد توغل در شعر به آن مشغول و از سعت بازداشته شوند چنان که مشاهده کنی کسی که بسیار شعر از شعراء از حفظ دارد سینه او از آیات قرآن و احادیث آل‌عصمت علیه‌السلام بی‌بهره باشد.

۳- کسانی که چون در غضب شوند به دشنام زبان گشایند همه دروغ و بهتان با تشبیب و تعشق و مدح به قصد صلح و عطا، هجو به جهت همیت جاهلیت و وصف آن‌ها به آنچه در ایشان نباشد از فضایل و ردایل.

ذکر خداوند (۶۹)

۴- کسانی که قصه گویند و افسانه و دروغ‌ها به هم بافند.

۵- علی‌ابن ابراهیم قمی گوید: مراد کسانی که در دین خدا تغییر ایجاد کنند و مخالفت الهی نمایند.

۶- عیاشی به سندهای خود از حضرت صادق علیه‌السلام روایت نموده که منظور کسانی هستند که علم فقه را به خود نسبت می‌دهند و حال آن که فقیه و عالم نیستند پس گمراه شوند و مردمان را گمراه گردانند. (۱)

ابوالحسن وابسته بنی نوفل می‌گوید: هنگامی که سوره شعراء نازل شد عبدالله بن رواحه و حسان بن ثابت با چشم گریان خدمت پیامبر خدا آمدند و آن

۱- تفسیر اثنی عشری، جلد ۹، حسین ابن الحسینی شاه‌العظیمی، ص ۵۱۷.

(۷۰) شعر و شاعری

حضرت «و شاعران را گمراهان پیروی می‌کنند» را می‌خواند تا آن که به «مگر آنان که ایمان آوردند و کار شایسته کردند» رسید، فرمود: شما هستید. «و خدا را بسیار یاد نمودند» فرمود: شما هستید. «و بعد از آن که مورد ستم واقع شدند یاری خواستند».

فرمود: شما هستید. «و کسانی که ستم کردند به زودی خواهند دانست که به چه مکانی باز می‌گردند» فرمود: کافران هستند. (۱)

امام باقر علیه‌السلام درباره آیه ۲۲۴ / شعراء فرمودند: آیا شاعری را دیده‌ای که کسی از او پیروی کند؟ شاعران در حقیقت جماعتی هستند که برای غیر دین دانش آموختند و در نتیجه هم خود گمراه شده‌اند و هم دیگران را گمراه می‌کنند و نیز امام صادق

علیه‌السلام درباره همین آیه فرمودند: شاعران جماعتی هستند که دانش

۱- میزان‌الحکمه، جلد ۶، محمدی ری‌شهری، ص ۲۷۶۵.

ذکر خداوند (۷۱)

و آگاهی خود را با علم و علم‌آموزی بدست نیاورده‌اند و از این رو گمراه شدند و دیگران را نیز گمراه می‌کنند و نیز امام صادق علیه‌السلام درباره همین آیه فرمودند: شاعران جماعتی هستند که دانش و آگاهی خود را با علم و علم‌آموزی بدست نیاورده‌اند و از این رو گمراه شدند و دیگران را نیز گمراه می‌کنند و نیز فرمود: مقصود قصه گویان هستند. (۱)

شناخت بزرگترین شاعر

ابوالاسود دؤنلی از امام علی علیه‌السلام پرسید بزرگترین شاعر عرب کیست؟ حضرت فرمود: شاعران در یک وادی روشنی نتاخته‌اند تا پایان کار معلوم شود و اگر ناچارا باید داوری کرد پس پادشاه گمراهان بزرگترین شاعر است. (منظور ۱- میزان الحکمه، جلد ۶، محمدی ری شهری، ص ۲۷۶۵).

(۷۲) شعر و شاعری

امروالقیس بزرگترین شاعر دوره جاهلی و صاحب یکی از معلقات سَبِعه است. او اشعارهای بسیار زیبایی داشت که آن را هر سال در بازار معروف عکاظ مطرح می‌کردند و کافر بود. (۱)

هنگامی که به آثار منظوم ادیبان پاک‌سرشت پیشین برمی‌خوریم آن را در سطحی می‌نگریم که از مرحله لفاظی و عبارت‌پراکنی اوج گرفته از گشتن به گرد تعلق این و آن به دور مانده‌اند و شعرشان بر پایه سازندگی مکتبی و نشر معارف بشری به کار انداخته‌اند و در این راه به پیروی از قرآن و حدیث پرداخته از علوم عقلی و فلسفی بحث نموده‌اند و پا در علوم و فنون بشری گذاشته، از سخنان پندزا و سودمند که نشان دهنده روح انسان کامل است دریغ نموده‌اند.

۱- نهج البلاغه ترجمه آقای محمد دشتی .

شناخت بزرگ‌ترین شاعر (۷۳)

شعرای واقعه غدیر با این که شعرشان شامل مزایای ادبی هم بوده است و چنین ادبیاتی در دیدگاه دانشمندان و صاحبان حکمت و اندیشمندان است که بشریت به آن احساس احتیاج می‌نماید و خواسته اهل تاریخ و انسان‌های دیگر است.

این حقیقت هنر شعر و شاعری است که حق را با جلوه خاصی نشان می‌دهد و در دیدگاه نسل‌های آینده که تشنه حق جویند قرار می‌دهد با شعر شاعر فضایل اخلاقی و امور معنوی را با روح شنونده در آمیخته و با یک جذبه عمیق رهرو حق جو را به چشمه زلال حقیقت می‌رساند، فضای وسیع انسان‌ها را وسیع‌تر و فریاد دل‌نشین را به دل هر انسانی می‌رساند و چه بسیار این آوازه‌ها که از دل شاعران برمی‌خیزد، در دل شب نوای دل‌نشین کاروانیان می‌شود و نشاط دیگری به شتران می‌دهد و این نوا و آواز است که در دل رهروان شور

(۷۴) شعر و شاعری

زندگی می‌افکند و نوید صبحی دل‌افروز را به بشر می‌سپارد، در مجلسش امرا و بزرگان و سرایندگان شعر هنرنمایی دارند و مادران با هزار شور و شعف در کنار گاهواره زمزمه می‌کنند و با فرازهای زیبای شعری دل‌ناآرام طفل را آرامش می‌بخشند. در سنین کودکی شعر مبدأ تلقین اوصاف پسندیده و خصلت‌های نیکو است و شور ایمان را در رگ و پی جوانان جای می‌دهد و همراه با رشد جسمی روح طفل راه به آسمان‌های پاک اوج می‌دهد و افق‌های دیگری به رویش می‌گشاید، او را با پاکان آشنا می‌سازد و دلش را به خاندان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله که بهترین پاک‌اند ربط می‌دهد و این شعر است که این همه هنر دارد و می‌تواند در پی یک فروش، سازمان مخالفین را درهم کوبد و خوار و ذلیلشان کند و بهترین شاهد شمائید که می‌دانید شعر خوب چه شوری در دل و چه خروشی در سر می‌افکند و کسانی که با شعر عربی و زبان عربی آشنایی دارند در مقابل قصیده میمه فرزدق دل باخته می‌شوند و با هاشمیت کُمت آنس می‌گیرند، قصیده عینیه حمیری شور و احساسی حماسی در دل و سر می‌افکند و وقتی قصیده تائیه دَعْبِل

خزایی را می‌خوانند و بر جنایات و ستم‌هایی که بر خاندان رسول رفته واقف می‌شوند اشک امانشان نمی‌دهد. (۱)

شناخت بزرگ‌ترین شاعر (۷۵)

اگر به شاعران قرن اول هجری بنگریم درمی‌یابیم که چگونه مدیحه و مرثیه را سردادند و چون شمشیر برآنی از پیشوایان دین حمایت کردند و شعرشان تیر خطرناکی بود در جگر دشمن و در هر مرزوبوم جزاعلام دوستی خاندان محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله کاری نداشتند. پیشوایان هم مال زیادی به این شاعران می‌دادند که از کار و دیگر امور مستغنی شده و به این امر مهم که زنده کردن روح انسانی در ارواح مردم است اشتغال ورزند و مردم را با این امر حیاتی آشنا ساخته و به سویشان سوق دهند. پیشوایان حق در تشویق این شاعران چنین می‌گویند: هر که یک خط شعر درباره ما بگوید خداوند در بهشت خانه‌ای برایش می‌سازد که هفت برابر وسعت دنیا باشد که هر فرشته مقرب و هر نبی مرسل او را در آنجا دیدار خواهد کرد. (۱)

۱- الغدیر، جلد ۲، علامه امینی، ص ۹.

(۷۶) شعر و شاعری

و بدین سان مردم را هم در حفظ و یادگرفتن این اشعار تحریص می‌کردند چنان که حضرت صادق علیه‌السلام می‌فرماید: فرزندان خود را با اشعار عبری آشنا سازید یا می‌فرمایند: درباره ما کسی شعر نگوید مگر این که از جانب روح‌القدس تأیید گردد. (۲)

کشی دانشمند بزرگ رجال در کتاب رجالش صفحه ۱۶۰ از ابوطالب قمی

۱- راه وصال .

۲- الغدیر، جلد ۲، علامه امینی، ص ۱۰ .

شناخت بزرگ‌ترین شاعر (۷۷)

روایت می‌کند که او گوید: چند شعری سرودم، به محضر امام صادق علیه‌السلام فرستادم، در ضمن اشعار از پدر ایشان امام باقر علیه‌السلام یادی رفته بود. از حضرت تقاضا کردم که اجازه دهند که مدح خود حضرت گویم، ولی حضرت صادق علیه‌السلام کاغذ را از جایی که شعر نوشته بود جدا کردند و پیش خود نگاه داشتند و در قسمت سفیدی بالا نوشتند: احسنت چه نیکو سرودی خدا به تو سزایی نیک دهد؛ و در روایت دیگر چنین است که از حضرت تقاضا کردم اجازه فرمایند تا در مصیبت پدرشان نوحه‌سرایی کنم. حضرت در جواب نوشتند که اشکالی نیست، هم برای پدرم و هم برای من نوحه سر کن. (۱)

۱- الغدیر، جلد ۲، علامه امینی، ص ۱۱ .

(۷۸) شعر و شاعری

موقعیت شعر و شاعران از نظر قرآن و حدیث

آنچه امامان بر حق ما در تشویق شعرا فرمودند رفتاری است که از جد بزرگوارشان آموخته‌اند، زیرا رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فوق‌العاده شاعران را در مدح پاکان و ذم مخالفین تشویق می‌فرمود، خود حضرت شعر می‌خواند و از دیگران می‌خواست که شعر بخوانند و شاعران را اجازه می‌فرمود تا شعر بسرایند و به آنان که رسالت شعر را مراعات می‌نمودند ارج می‌نهاد و ما حضرت را می‌نگریم چگونه در مقابل شعر عمویش ابی‌طالب بی‌تابی می‌فرمود، آن هنگام که طلب باران نمود و خدایش باران بارید چنین گفت:

بر ابی‌طالب از خدا نیکی باد، اگر او زنده بود چشمانش از این حادثه، روشن می‌شد. حال کیست که شعری از او بخواند؟ عمر برخاست و عرض کرد: شاید

موقعیت شعر و شاعران از نظر قرآن و حدیث (۷۹)

این شعر را خواسته‌اید؟ «هیچ شتری بر پشت خود نیکوتر و باوفاتر از محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله حمل نکرده است». رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: این گفته عموم نیست از حسان بن ثابت است. سپس حضرت علی علیه‌السلام برخاست و عرض کرد: شاید این را اراده فرموده‌اید: «سفید رویی که به یمن روی او ابر طلب باران می‌شود، او پناه یتیمان و بیوه زنان است، بنی‌هاشم در سختی و درماندگی به دامن پرمهر و محبت او پناهنده می‌شوند». رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: آری این است شعر ابوطالب. در این هنگام شخصی از طایفه کنانه برخاست و در سروده خود گفت: پروردگارا ستایش تراست و سپاس تو گفتن بر ماست، چه به میمنت روی محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله به باران رسیدیم.

او با چشمانی نگران رحمت حق خدا را خواند که باران بارد.

لحظه‌ای چند نگذشت که دانه‌های در فام باران بر سرمان فرو ریخت.

«ابرها به شدت باریدند و مسیل‌ها به جوش آمدند و حتی مناطق بلند قبیله مضر را سیراب نمودند، پس پیغمبر چنان که عمویش وصف او گوید دارای

(۸۰) شعر و شاعری

آبرویی است که به واسطه او خداوند ابرها را به ریزش می‌آورد این مطلبی است آشکار و آن هم خبری است که می‌شنویم.

پیغمبر فرمود: مرحبا! ای کنانی خداوند به هر بیت شعر خانه‌ای در بهشت به تو پاداش دهد.

همچنین در جنگ بدر چون چشمان حضرت به کشته‌شدگان به خون آغشته افتاد به ابی‌بکر فرمود: اگر عموم زنده بود می‌دید که

چگونه شمشیرهای ما مردان نامی آنان را به خون کشیده است. عموی پیغمبر حضرت ابوطالب چنین سروده بود:

سوگند به خدا اگر من بینم نزاع به صورت جدّ در آید شمشیرهای ما با گوشت و خون بزرگان‌شان آشنا خواهد شد.

و باز رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله را می‌نگریم که از شعر عمویش عباس مسرور گشته،

موقعیت شعر و شاعران از نظر قرآن و حدیث (۸۱)

چه او از حضرت درخواست نمود تا در مدحش شعری بسراید. پیغمبر فرمود: بگو! دهانت خُرد مباد.

عباس چنین سرود:

ای پیغمبر، سرشت پاکت در سایه‌های قدس الهی به ودیعت بود قبل از هر آفرینشی و به دنیا فرود آمدی ولی هنوز به قالب بشری

در نیامده بودی و نه به صورت گوشت و خون، بلکه هسته وجودی تو از نسل‌ها می‌گذشت و از اصلاّب عبور می‌کرد تا به صحنه

وجود آمدی و جهان هستی را روشن نمودی. ما در پرتو روشنائیت راه صلاح و رشد عقلی خود را می‌سپاریم. و هنگامی که

عمرو بن سالم بر پیغمبر وارد شد و شعر خود را خواند حضرت فرمود: حقا که ما را یاری نمودی، خدا یار تو باشد.

شعر او چنین شروع می‌شود:

(۸۲) شعر و شاعری

پروردگارا من با محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله سوگند پدران خود را با پدر پیشین او خاطر نشان ساختم و این که ما فرزندان تویم و به

اسلام گرائیده و از تو دست بردار نیستیم. خداوندا محمد را یاری کن و بندگانت را به یاری او بفرست. (۱)

براهن‌بن‌عازب می‌گوید: به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله عرض شد که ابوسفیان ابن حرث بن عبدالمطلب شما را هجو می‌کند. پس

ابن رواحه برخاست و عرض کرد: ای رسول خدا اجازه دهید جواب او را بدهم. حضرت فرمود: تویی که گفته‌ای تَبَّتْ اللَّهُ عَرَضُ

کرد: آری ای رسول خدا من گفته‌ام:

تَبَّتْ اللَّهُ مَا أَعْطَاكَ مِنْ حَسَنِ خَدِّ أَنْ نِيَكُوِي رَا كَه بَه تَو دَا دَا هِ اسْتَوَار كَر دَا نَد .

۱- الغدیر، جلد ۲، علامه امینی، ص ۱۳ .

موقعیت شعر و شاعران از نظر قرآن و حدیث (۸۳)

تَثَبَّتْ مُوسَى وَ نَصْرًا مِثْلَ مَا نَصْرًا هَمَّجَانِ كَمَا مَوْسَى رَا پَیْدَارَ كَرْدَ وَ پِیْرُزْتَ كَنْدَ چنان که او را پیروز گردانید .
پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: خدا با تو نیز چنان کناد.

سپس کعب برجست و عرض کرد ای رسول خدا به من رخصت دهید جواب او را بدهم. حضرت فرمود:
هَمَّتْ سَخِينَةُ أَنْ تُغَالِبَ رَبُّهَا سَخِينَةَ (لقبی برای قریش) کوشید تا بر پروردگارش چیره شود
فَلْيُغْلِبَنَّ مُغَالِبُ الْغُلَابِ وَ لِي مُغْلَبٌ هَرَّ چیره باز چیره شود.
(۸۴) شعر و شاعری

حضرت فرمود: بدان که خدا این را از تو فراموش نکرده است. (۱)

ابولیلی نابغه بر پیغمبر صلی الله علیه و آله وارد می شود و دویست بیت را که در مدح حضرت سروده بود می خواند پیغمبر صلی الله علیه و آله مسرور گشته دعایش می کند که دهانت خرد مباد و شعرا و این است:
ای دوست من لحظه‌ای خشم را فروخوابانده و در کناری آرام گیر، در مقابل حوادث و بازی‌های دهر می خواهی زبان به ملامت باز کنی یا با اخلاق بزرگ مناشانه درگذریدی؟ و قسمت دیگر از شعرش که در حضور پیغمبر سرود این قطعه است:

۱- میزان الحکمه، جلد ۶، محمدی ری شهری، ص ۲۷۶۷ .

موقعیت شعر و شاعران از نظر قرآن و حدیث (۸۵)

به خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله شتافتم، هنگامی که چراغ هدایت بشر را به یک دست و به دست دیگرش قرآن بود که چون ستاره‌ای تابناک می درخشید. من و هر که با من بود چنان در گرایش شدیم که طلوع و غروب ستاره سهیل را نفهمیدیم. همه سعیم این است که پرهیزگار شوم چه، از آتش سوزان ترسانم. تا این که به این شعر رسید:
ما با گرایش به اسلام به آسمان مجد و بزرگی رسیده‌ایم و آرزو این است که به جلوه گاه بالاتری برسیم.
پیغمبر صلی الله علیه و آله به ابولیلی فرمود: کدام جلوه گاه بالاتر؟ عرض کرد به بهشت. حضرت فرمود: بلی به خواست خدا. و سپس چنین سرود:

حلم و بردباری موقعی نتیجه می دهد و از کدورت محفوظ می ماند که گاهگاهی توأم با تندی باشد و تندی هم اگر توأم با حلم نگردد که از خطرات محفوظش دارد بی فایده است.

در این موقع رسول خدا صلی الله علیه و آله دو بار فرمود: نیکو سرودی، دهانت سالم باد! او را

(۸۶) شعر و شاعری

می دیدند با وجود زیادی عمر دندان هایش چون دانه‌های تگرگ آب شده شفاف و براق، هیچیک از دندان هایش نه شکسته و افتاده بود.
(۱)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به حسان بن ثابت فرمود: مشرکان را هجو کن که جبرئیل باتوست. (۲)
هنگامی که کعب ابن زهیر «لامیه» خود را برای پیامبر صلی الله علیه و آله خواند حضرت به او بُردی صله داد که بعدها معاویه به بیست هزار درهم از او خرید و پیوسته خلفا آن را در روزهای عید می پوشیدند و در مستدرک حاکم، جلد ۳، صفحه ۵۸۲ آمده که چون کعب قصیده خود را در حضور حضرت خواند به این شعر رسید که:

۱- الغدیر، جلد ۲، علامه امینی، ص ۱۴ .

۲- میزان الحکمه، جلد ۶، محمدی ری شهری، ص ۲۷۶۷.

موقعیت شعر و شاعران از نظر قرآن و حدیث (۸۷)

همانا محمد صلی الله علیه و آله پیامبر خدا چون شمشیری است که به آن روشنی کسب می شود و شمشیر برنده‌ای است از شمشیرهای کشیده شده در راه خدا. سپس پیغمبر با دستان خود به مردم فرمان سکوت داد تا قصیده کعب را بشنوند. و در روایتی دیگر می گوید: کعب مصرع آخر را «مِنْ سُيُوفِ الْهِنْدِ» سروده بود و پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: «مِنْ سُيُوفِ اللَّهِ».

بُراء بن عازب گوید: پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله را دیدم که خاک‌های خندق را حمل می کند و گرد و خاک روی شکم حضرت را پوشانده بود حضرت در آن هنگام شعر عبدالله بن رواحه را زمزمه می کرد که:

خداوندا! اگر تو نبودی ما به هدایت نمی رسیدیم و نه انفاقی در راهت می نمودیم و نه به سپاس تو به نماز می ایستادیم تو خود آرامشی بر ما فرود آر و گام‌های ما را استوار گردان .

دشمنان بر ما ستم نمودند و ما در مقابل فتنه‌هایشان پایمردی نمودیم .

(۸۸) شعر و شاعری

البته ابن اثیر در جلد ۳ کتاب أُسْدُ الْغَابَةِ، صفحه ۷۲ روایت نموده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگام رفتن به خیبر به عامر فرمود: از مرکب خود فرود آی و از اشعار خود به آهنگ جدی بخوان. روای گوید: عامر از اسب فرود آمد و شعر بالا را سرود سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خدا بر تو رحم آورد، یا خدایت بیامزد. (۱)

و چون درباره آیه‌ای که خداوند درباره شاعران نازل کرده است از ایشان پرسش شد رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: همانا مؤمن با شمشیر و زبان خود جهاد می کند. سوگند به آن که جانم در دست اوست آنان با جهت گیری خود گویی تیر به دشمن می زنند. (۲)

۱- الغدیر، جلد ۲، علامه امینی، ص ۱۵.

۲- میزان الحکمه، جلد ۶، محمدی ری شهری، ص ۲۷۶۷.

موقعیت شعر و شاعران از نظر قرآن و حدیث (۸۹)

حَسَّان بن ثابت روز غدیر خم جریان غدیر را به شعر در آورد، پیغمبر دعا کرد که تا آن هنگام که با سخنت ما را یاری کنی از تأییدات روح القدس بهره‌مند گردی .

پیامبر در مسجد منبری برای حسان می گذارد و او بر منبر ایستاد و فضایل پیغمبر و مکتب او را بازگویی کرد و باز رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که: خداوند حسان را تا موقعی که از ما دفاع می ند تأیید فرما. (۱)

در روایتی از عایشه آمده است:

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله پاپوش خود را اصلاح می نمود و من به ریسندگی مشغول

۱- الغدیر، جلد ۲، علامه امینی، ص ۱۵.

(۹۰) شعر و شاعری

بودم ناگهان چشمم به صورت مبارکش افتاد که در چهره اش عرق می درخشید از این حالت مبهوت شدم. حضرت رسول صلی الله علیه و آله به من نگریست و فرمود: چه شده که چنین بهت زده می نگری؟ گفتم: ای رسول خدا دیدم در چهره شما دانه‌های عرق نورافشانی می کند، اگر ابو کبیر هذلی ترا می دید می دانست که سروده او از هر کس به تو شایسته تر است. فرمود: مگر ابو کبیر چه شعری سروده است؟ گفتم شعر او این است:

او از آزار رحم مادر پاک و از آلودگی‌های دایه و پستانش برکنار و هیچگونه بیماری دامنگیر او نیست و هنگامی که به خطوط

زیبای صورتش می‌نگرم چون درخشش دانه‌های باران که از آسمان ریزان است می‌درخشد. پیغمبر اکرم از این سخن اظهار سرور نمود. (۱)

۱- الغدیر، جلد ۲، علامه امینی، ص ۱۵.

موقعیت شعر و شاعران از نظر قرآن و حدیث (۹۱)

امام صادق علیه‌السلام فرمود: هیچ سراینده‌ای درباره ما بیت شعری نگفته است جز آن که روح‌القدس او را یاری داده باشد. (۱)

پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله پیوسته شعراء را به سرودن و ضبط اشعار خود وادار می‌فرمود و به آن‌ها راهنمایی می‌کرد که گفتار مخالفین و حسب و نسب و تاریخ نشو و نوای آن را از افراد مطلع یاد گرفته و با ذکر نقاط ضعف به مقابله برخاسته آنان را خفیف و سرشکسته سازند چنان که آن‌ها را امر می‌فرمود به فراگرفتن قرآن و تا این حدّ به مسأله شعر اهمیت می‌داد. این عمل را یاری دین می‌دانست و جهادی مقدس به خاطر حفظ دین حنیف اسلام.

۱- میزان الحکمه، جلد ۶، محمدی ری‌شهری، ص ۲۷۶۷.

(۹۲) شعر و شاعری

شخصیت شاعر را به او می‌فهماند که در اجتماعات چه شأنی دارد و در چه جهادی است. به شعراء می‌فرمود: دشمنان را هجو گوید چه مؤمن با جان و مال خود باید در راه خدا مجاهده کند. به آن که جان محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله در قبضه قدرت اوست قسم یاد می‌کنم که این عمل شما چنان است که با تیرهای آتشین قلب دشمن را بشکافید و آن‌ها را نابود سازید و باز از ایشان شنیده شد که می‌فرمود: وقتی که به وسیله شعر با مخالفین به مخالفت برمی‌خیزید مانند مجاهدانید که تیرها را به نشان پرتاب می‌کنند و پیوسته شعرا را برمی‌انگیخت که با تیر دل‌دوز شعر به پیکار با مخالفین برخیزند و وادارشان می‌کرد که با حماسه‌های شجاعت‌انگیز، ضدیت و جبهه‌بندی کفار را در هم کوبند. روح نیرومند دینی را در بین مسلمین دمیده و حمیتشان را در مقابل حمیت جاهلیت تقویت می‌نمود. چه، شعر است که آن‌ها را ره‌هیجان و نشاط می‌آورد و آن‌ها را در راه نشو معارف و دعوت به حق تحریک می‌کند و به دفاع از حریم اسلام وامی‌دارد. (۱)

موقعیت شعر و شاعران از نظر قرآن و حدیث (۹۳)

به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله گفتند: ابوسفیان بن حارث بن عبدالمطلب ترا نکوهش می‌کند. عبدالله بن رواحه از پیامبر اجازه خواست که جواب او را بدهد و سپس کعب برخاست تا در ردّ ابوسفیان شعری بسراید، سپس حسان بن ثابت از حضرت خواست تا اجازه دهد با شمشیر زبان، گوینده را به مدّلت و رسوایی بنشانند و او را مفتضح کند پیغمبر فرمود: نزد ابوبکر برو و از خصوصیات خانوادگی و اخلاقی آن گروه کسب اطلاع کن سپس آن‌ها را هجو نما که جبرئیل

(۹۴) شعر و شاعری

در انجام این وظیفه یار توست. (۱)

شعرايي که به وظیفه مقدس شاعری می‌پردازند و با شمشیر زبان پشت دشمن را می‌شکنند مشمول آیات آخر سوره شعراء هستند، «مگر کسانی که ایمان آوردند و عمل نیک انجام دادند و زیاد به یاد خدا بودند که اینان بعد از این که ظلم کشیدند یاری حق شامل حالشان می‌شود و هم اینانند که از شعراي بی‌بند و بار استثناء شده‌اند.» کعب بعد از نزول این آیات به خدمت رسالت صلی‌الله‌علیه‌وآله رسید و پرسید نظر شما درباره آیاتی که در سوره شعراء درباره شاعران وارد شده چیست؟ حضرت فرمودند: به حقیقت که شما با شمشیر زبان در جهادید، علاوه بر این که شاعران مذهبی و کسانی که حقایق زندگی را بازگو می‌کنند از مذمت آیات به دورند. باید گفت که آیات نکوهش، متوجه کسانی است که از ظلم و باطل دفاع و آن را ترویج می‌کنند.

شیخ صدوق در کتاب عقایدش از امام صادق صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل می‌کند که مراد آیه نکوهش کسانی است که به دروغ داستان سرایی دارند.

۱ و ۲ - الغدیر، جلد ۲، علامه امینی، ص ۱۷ .

موقعیت شعر و شاعران از نظر قرآن و حدیث (۹۵)

علی‌ابن‌ابراهیم در کتاب تفسیر خود صفحه ۴۷۴ نقل می‌کند که حضرت صادق علیه‌السلام فرمود: آیاتی که مذمت شعرا در آن شده است مشمول کسانی است که دین خدا را تغییر داده و با اوامر الهی مخالفت می‌ورزند و موجب نشر عقاید فاسد در بین مردم شده آنان را به پیروی راه‌های باطل وامی‌دارند و مؤکد این فرمایش نیز دنباله آیه است که فرموده: آیا نمی‌نگری که این شاعران به هر دری می‌زنند و به هر جانبی میل پیدا می‌کنند و به هر مذهب و عقیده‌ای درمی‌آیند.

در تفسیر عیاشی از حضرت صادق علیه‌السلام روایت است که حضرت فرمودند: مراد آیه گروهی هستند که علم غیر صحیح آموخته و به گمراهی افتاده‌اند و مردم را به گمراهی سوق داده‌اند و در آیات ذم یا نکوهشی درباره شاعران به حق نرسیده است و تنها مراد آیه این بوده است که شاعران باطل سرا را مذمت کند چه، شعر با امواج نامرئی که به وجود می‌آورد در روح شنونده اثر می‌گذارد و قرآن می‌خواهد جلو این اثرهای نامطلوب را بگیرد.

(۹۶) شعر و شاعری

اسلام علاوه بر این که شاعران به حق را نکوهش ننموده تعریف هم نموده است. در روایتی که شیعه و سنی آن را نقل می‌کنند از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله آمده است:

«إِنَّ مِنَ الشُّعْرِ لِحِكْمَةً وَإِنَّ مِنَ الْبَيَانِ لَسِحْرًا»

پاره‌ای از شعرها حکمت است و برخی بیان‌ها سحر. (۱)

اشعار غیبی در تاریخ

در تاریخ اشعار غیبی‌ای ثبت نموده‌اند که سراینده‌گان نامعلوم و غیر مرئی داشته‌اند. این اشعار از گویندگان نامرئی به اشخاص خطاب شده و سبب هدایتشان گردیده است که این خود یکی از معجزات پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله شمرده

۱- الغدیر، جلد ۲، علامه امینی، ص ۲۰ .

اشعار غیبی در تاریخ (۹۷)

شده است و نیز بهترین نشان دهنده اهمیت شعر و شاعری است در راه استدلال بر راه حق که چگونه شعر پیش از نشر، قلوب را تسخیر می‌کند و در راه ساختن اجتماعی صالح، دعوت مردمان به راه حق و جهانی روحانی مؤثر واقع می‌شود.

آمنه دختر وهب مادر گرامی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله هنگام ولادت پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله اشعاری بدین مضمون از گوینده غیر پیدایی شنید:

درود خدا و هر بنده صالحی که وجود دارد بر چراغ فروزان پهن دشت هستی باد، او محمد مصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله بهترین خلق است. نورآرای جهانیست که هاله‌ای از پاکی احاطه‌اش نموده، در افق انسان‌ها زینت بخش و گزیده آنهاست، راستگو و نیکوکار است، او پارسایی است که پرچم هدایت بدست نیرومندش در میانه امواج ظلمت‌ها راه می‌نماید، تا نسیم زمین بر چهره گل بوسه می‌زند و کبوتران نغمه

(۹۸) شعر و شاعری

عشق به گوش هم می‌سرایند رحمت خدا بر او باد و درودش. (۱)

عوام بن جهیل همدانی کلیددار بتخانه مشهوری به نام یغوث می‌گوید: شبی را در بتخانه گذراندم و از آن شنیدم که می‌گوید: ای پسر جهیل هنگام نابودی بت‌ها شده، تو دیگر با بت یغوث وداع کن چه، نوری از افق زمین مکه طالع گشت و دیگر ظلمت‌ها راه عدم بایست گرفتن. عوام آنچه شنیده بود برای قوم خود تعریف کرد و باز گوینده‌ای نامرئی چنین گفت: ای عوام، آیا سخن حق را به گوش قوم خود می‌رسانی یا بخل ورزیده و لب فرومی‌بندی. بدان که تیرگی‌ها نابود گشتند و مردم به سوی اسلام گرائیدند. عوام در جواب گوید: ای که به عوام

۱- الغدیر، جلد ۲، علامه امینی، ص ۲۱.

اشعار غیبی در تاریخ (۹۹)

خطاب می‌نمایی بدان که عوام از سخن حق باز نمی‌ایستد، سنت اسلامی را بر ما

خوان! عوام گوید به خدا سوگند که قبل از شنیدن این سخن من اسلامی نمی‌شناختم. باز دوباره پاسخ گفت: به نام خداوند و توفیق او عزم راه کن و در رفتن از سستی و بی‌میلی بگریز، راهت به گروهی باشد که بهترین گروه‌هایند، به سوی پیغمبر راستگویی که تصدیق شده است. عوام گوید: که چون این بشنیدم بت را به گوشه‌ای انداخته و خارج شدم و به گروهی تازه از قبیله همدان برخورد کردم که گرد حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله جمعند. بر پیغمبر وارد شده و احوال خود بگفتم، پیغمبر مسرور شد و فرمود: این داستان را به مسلمانان بگو و سپس امر فرمود که بت‌ها را بشکنم و بعد از آن به یمن برگشتم در حالی که قلبم به نور اسلام روشن شده بود و در این باره چنین سرودم:

کیست که بر بد فرجامان گروه ما، آنان که در گوشه منازل خود ننموده‌اند و یا ظاهرند ندای ما را برساند و خبر دهد که خداوند ما را به راه حق هدایت فرمود

(۱۰۰) شعر و شاعری

بعد از آن که عده‌ای از ما یهودی و نصرانی شده بودند. ما اکنون از یعوق و یغوث و سایر بت‌ها روی برگرفته‌ایم و از پیران توایم، ای بهترین خلائق. (۱)

حافظ گنجی در کفایه صفحه ۸۱ نقل می‌کند که: چون حضرت علی علیه‌السلام در کعبه متولد شد ابوطالب پدر حضرت وارد کعبه شد و می‌سرود:

ای پروردگار این شب تیره و تار و آن ماه روشنی‌بخش درخشان از صندوقچه اسرار نام این کودک را روشن نما. بعد از این سخن شنید که گوینده‌ای نامرئی گوید:

ای دودمان رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله این نوزاد پاک ویژه شماس. نام او از جانب ساحت قدس الهی علی تعیین شده. چه، علی نامی است که از صفت الهی جدا شده است. (۱)

۱- الغدیر، جلد ۲، علامه امینی، ص ۲۳.

اشعار غیبی در تاریخ (۱۰۱)

ابن عساکر در جلد ۴ تاریخ خود صفحه ۳۴۱ و گنجی در کفایه از ام سلمه روایت کرده‌اند که: به هنگامی که حسین علیه‌السلام کشته شد از گوینده ناپیدایی شنیدم که چنین می‌سرود: ای کشندگان حسین! شما را به عذابی دردناک و انتقام بشارت باد، آسمانیان از انبیاء و هر دسته و گروه بر شما نفرین می‌فرستند. و هر آینه به زبان سلیمان، فرزند داوود و موسی و عیسی لعنت شده‌اید. (۲)

با همه سخنانی که پیرامون شاعران گذشت بالا-خره به این نتیجه می‌رسیم که به میمنت قرآن و حدیث عده‌ای از یاران پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله که به شعر عنایتی داشتند از هر سو گرد پیغمبر جمع شدند و در اوقات مختلفه از سرودن شعر در حضور

۱ و ۲ - الغدیر، جلد ۲، علامه امینی، ص ۲۹ و ۳۱.

(۱۰۲) شعر و شاعری

حضرت و خواندن اشعار همت می‌گماشتند و چون شیران قوی پنجه جبهه شرک و گمراهی را از هم دریده و به سان بازهای شکاری دل‌ها را به صید خود درمی‌آوردند. آن‌ها پیوسته پیرامون حضرت بودند و حتی در سفرها از او جدا نمی‌شدند، چابک سواران جنگی بودند که با شمشیر بزان شعر در تیر دل دوزنم دشمنان اسلام را مفتضح و رسوا می‌کردند و در میدان نبرد مردانه از حریم اسلام دفاع می‌نمودند. و از جمله این گروه‌ها: عباس عموی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، کعب بن مالک، عبدالله بن رواحه، حسان بن ثابت، مالک بن عوف و... (۱)

اگر با یک دید کلی به شعر و شاعری و به طور عام به ادبیات بنگریم درمی‌یابیم که:

۱- الغدیر، جلد ۲، علامه امینی، ص ۳۱.

اشعار غیبی در تاریخ (۱۰۳)

ادبیات نمودار ذوق و نیروی خیال و نماینده تأثرات و عواطف بشر در برابر شگفتی‌های جهان و زیبایی‌های طبیعت است که مانند سایر شئون اجتماعی به مقتضای زمان و مکان در معرض تغییر و تبدیل است، دنیا و هر چه در اوست مخلوق جریانات روزمره زندگانی است، بیان احساسات و تجمع عواطف هم که منبع شعر و ادب است تابع این امر لایزال می‌باشد.

آری هر عهدی رنگی به ادبیات می‌دهد که هرچند سلسله افکار بشری را مربوط به یکدیگر و حلقه‌های پندار زاده انسان را مکمل حلقه مادون دانستنی‌های او می‌دانیم باز ادب هر عصر از اعصار آینده ممتاز و دارای جلوه و رنگ خاص است و به همین دلیل با وجود عدم قطعیت از لحاظ سهولت کار ادبیات ایران را از نقطه نظر زمان به قبل از اسلام و بعد از آن، و از جهت روش گویندگی و شاعری به سبک‌های خراسانی، عراقی و هندی تقسیم می‌کنند. (۱)

(۱۰۴) شعر و شاعری

البته در آغاز مخصوصاً قبل از اختراع عروض تفاوتی بین نظم و نثر وجود نداشته است. چه، علوم در سینه‌ها محفوظ می‌ماند و هیجان‌ات و ابراز احساسات و خواسته‌های درونی بوسیله خطابه بیان می‌شد و در واقع قدیمی‌ترین شعر جهان گفتارهای هیجان‌آمیز بوده است. شعر، نخست بسیار ساده و بی‌پیرایه و حتی فاقد قافیه و دور از قواعد عروض و عاری از آهنگ بوده است. (۲)

۱ و ۲ - شعر و موسیقی، ابوتراب رازانی، ۱۳۴۰، اداره کل نگارش وزارت آموزش و پرورش، ص ۲۸.

اشعار غیبی در تاریخ (۱۰۵)

می‌توان گفت خلیل ابن احمد نخستین کسی است که بحور شعری را تحت نظم بیرون آورد. در ایران هم در اواخر قرن دوم و یا اوایل قرن سوم شروع به تقلید عروض عرب کردند و خود نیز عروض تازه اختراع نمودند و بعضی از بحور عرب را هم اصولاً به کار بردند و برخی را هم که بین زبان عرب و عجم مورد استعمال بود را به خوبی به کار بردند که از آن جمله می‌توان از رمل، رَجَز، هزج و متقارب نام برد. (۱)

برای شعر انواع مختلفی مانند حماسه، وعظ، حکمت، تغزل، تشبیب، مرثیه، هجو، وصف، مطایبه، حکایت، عتاب و شکوی دارد. بعضی نیز شعر را به سه نوع اخلاقی، وصفی و داستانی (روایی) تقسیم می‌کنند. (۲)

آدونیس شاعر معروف سوری تبعه لبنان در دفاع و توضیح مراحل نخستین ظهور شعرها و نشان دادن ارزش‌های حاکم بر شعر قدیم که اینک تحول یافته و

۱ و ۲ - شعر و موسیقی، ابوتراب رازانی، ۱۳۴۰، اداره کل نگارش وزارت آموزش و پرورش، ص ۱۱ و ۱۹.

(۱۰۶) شعر و شاعری

جای خود را به ارزش‌های دیگری داده است این‌گونه داوری می‌کند:

- جنبه اخلاقی حکمت‌ها از قبیل قناعت، صبر، خضوع در برابر قضا و قدر و سرسپردگی در برابر عرف و عادت‌ها و... در شعر عربی قدیم همه جا آشکار است، اما شاعر معاصر عرب از این کار سرباز می‌زند و جنبه اخلاقی این‌گونه حکمت‌ها را به پرسش و بحث می‌کشانند یعنی اضطراب، هراس، ناامیدی، امید، آرزو و طغیان و سرکشی جای آن تعالیم و حال و هواها را می‌گیرد.
- آخرت و زهد در دنیا در تمام جوانب شعر قدیم عرب آشکار است ولی شعر جدید می‌کوشد که متمسک به همین جهان باشد. شعری باشد زمینی و در قلمرو مشکلات انسان بر روی زمین.

- شعر قدمای عرب شعر سرمشق‌ها و نمونه‌هاست. شاعر قدیم عرب تمام سعی و کوشش خود را مصروف این می‌کند که خود را به نمونه و سرمشق نزدیک کند، همان چیزی که منتقدان قدیم آن را «عمود شعر» می‌خواندند و سعیشان بر این بود که کار شاعران را به میزان نزدیک یا دوری نسبت به سرمشق‌ها مورد ارزیابی قرار دهند. شاعر امروز عرب سرمشق و نمونه را رد می‌کند. اشعار غیبی در تاریخ (۱۰۷)

- در شعر قدیم عرب زمان حرکتی است به عنوان دور شدنی مستمر و پیوسته از اصل یعنی «گذشته، حال و آینده» جز انحطاط نسبت به نمونه و سرمشق به حساب نمی‌آید، نمونه‌ای که خود همان گذشته است. به همین دلیل در شعر کهن کوشش شاعر بر این بود که «اکنون و آینده» را حتی المقدور از «گذشته» که همان اصل و سرمشق است سرشار کند. پیشرفت از نظر یک شاعر قدیم عبارت بود از تشبیه به گذشته. کمال کلی در نظر او در اکنون یا آینده قابل تصور نبود. شاعر معاصر عرب زمان «بسته» را رها کرده و زمان «گشایش و تغییر» را می‌سازد یعنی «تاریخ» را می‌سازد.

(۱۰۸) شعر و شاعری

- در شعر قدیم عرب جنبه غنایی شعر کاملاً شخصی و فردی است ولی شعر جدید روی در یک تجربه کلی در رابطه با انسان و جهان دارد، نوعی جنبه غنایی جهانشمول.

- شعر قدیمی عرب یا غناء است و یا تأمل، البته در محدوده‌ای جزئی از جهان و زندگی، و در محدوده ثابتی از تعبیر. معنای این شعر نیز بر «شکل» استوار است، اما شعر جدید عرب می‌کوشد که تجربه‌ای فراگیر باشد در برابر انسان و زندگی و جهان و معنای آن بر «شکل» استوار نیست.

ولی امروز معنای شعر با آفرینش و دگرگون‌سازی همراه است نه با «صنعت و وصف» چنان‌که در گذشته چنان بود، در گذشته شعر عبارت از شکل بود و امروز به گونه وضعیتی و یا حالتی درآمده است. (۱)

اشعار غیبی در تاریخ (۱۰۹)

ادیبان عرب به سنت گذشته خویش می‌پنداشتند که شاعر باید به هنگام سرودن قصیده از همان شیوه شاعران عصر جاهلی شروع کند و حتی گریه بر اطلال و دمن را بعضی شرط قصیده دانسته‌اند و در اکثر کتب ادب عرب و بالطبع در کتاب‌های ادبی فارسی نیز این موضوع را یادآوری کرده‌اند که هرگاه می‌خواهی شعری بگویی نخست قافیه را در نظر بگیر. ابن رشیق قیروانی صاحب کتاب معروف «المعدّة» می‌گوید: بهتر است که شاعر اگر قافیه شعر را نمی‌شناسد و آماده نکرده شعر نگوید. (۲)

۱ و ۲ - شعر معاصر عرب، محمد رضا شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰، چاپ اول، تهران، انتشارات سخن، ص ۳۳ و ۵۳.

(۱۱۰) شعر و شاعری

شعر به سبک هندی

سبک هندی دارای لحن و آهنگ مخصوصی است که از این حیث شباهتی به سبک‌های دیگر ندارد، از ترکیب کلمات و

سیاق عبارات و تأثیر معانی و مشخصات مذکور و شیوه مخصوص شاعر در ادای مطلب لحن خاصی پدید می‌آید که به گوش آشنایان سخن کاملاً آشناست و در حقیقت نخستین وسیله تشخیص و امتیاز سبک هندی از سبک‌های دیگر است و این همان کیفیتی است که باید آن را حس کرد و به شرح و وصف درمی‌آید. (۱)

۱- تحول شعر فارسی، زین العابدین مؤتمن، چاپ شرق، ص ۳۶۹.

شعر به سبک هندی (۱۱۱)

سبک عراقی

پس از انقراض غزنویان و روی کار آمدن سلجوقیان کم‌کم خراسان مرکزیت علمی و ادبی خود را از دست داد و مراکز دیگری چون هند و فارس و آذربایجان بر اثر ظهور و اقتدار اتابکان برای ادب فارسی به وجود آمد. گویندگان بزرگ عصر نیز چون خاقانی و مجیر از مردم شهرهای مرکزی ایران بودند و همین پیشقدمان ادبی سبب شدند که سبک خراسانی به حکم طبیعت تغییراتی پذیرد، جمله‌بندی به طرز ولایتی شیوع یابد، اصطلاحات محلی در شعر وارد گردد و از افکار جالب و تازه به دوران رسیده عرفان و تصوف استفاده شود و با آن که عده‌ای از گویندگان برگزیده این دوران از کسی تقلید نکردند و خود خصوصیات فکری و ذوقی مخصوص به خود را به کار می‌بردند و در واقع پیرو روش فردی بودند و در نتیجه مجموعه این طرق انفرادی با آن که ریشه و مبنای خراسانی داشت به سبک عراقی موسوم گردید که از خصوصیات برجسته این سبک چنین می‌توان نام برد:

(۱۱۲) شعر و شاعری

کوشش در آرایش شعر، به کار بردن صنایع ادبی، رواج روح غزل‌گویی و لطافت ظاهری جمل.

اگر باز هم به دوران قبل از اسلام نظری بیفکنیم درمی‌یابیم که:

تا زمان پیش از اسلام نخست به فن شعر می‌پرداختند و سخنانی به شیوه شعر ساخته و آن را با آواهای متناسب مفهوم می‌خواندند و چنین کلامی را بیت می‌نامیدند.

از مرحله شعر جاهلی که بگذریم تا زیان در آن دوران سرود یا آواز هم می‌خواندند، شتربانان به هنگام راندن شتر و جوانان در خلوت و تنهایی سرود می‌خواندند که اگر این آواز درباره تهلل و یگانگی خدا بود آن را تغییر می‌نامیدند. (۱)

سبک عراقی (۱۱۳)

چنانچه از روایات و شواهد تاریخی مشهود است اعراب عصر و صدر اسلام در فصاحت و بلاغت و شعر و شاعری ید طولایی داشته و زبانزد بوده‌اند. (۲)

آن‌ها برای راندن شتران خود نیز سرود خاصی می‌خواندند که «حدی» نام دارد و در لغتنامه دهخدا آن را چنین معنی کرده‌اند: حدی سرودی بوده که اعراب بواسطه آن شتران را می‌راندند. (۳)

در صدر اسلام و بر اثر جاذبه اسلام در سینه‌های مردمان و گرایش آن‌ها به این دین مبین در اخلاق و رفتار آنان تغییرات چشمگیری به چشم می‌خورد.

۱ و ۲ و ۳ - مبنای موسیقایی الحان و نغمات قرآن کریم، حسن سلطان پناه، ۱۳۸۲، تهران، انتشارات اسوه، ص ۹ و ۱۶.

(۱۱۴) شعر و شاعری

روح دینی چنان دل‌های مردم مجتمع آن روز را مسخر نموده و با روحشان آمیخته شد که حتی زنان مسلمان را تحت تأثیر خود قرارداد و هنرنمایی‌هایی در این زمینه نمودند، پرده‌نشینی و حجاب آنان را از دفاع از حریم مقدس اسلام بازداشت و آن‌ها نیز با سرودن اشعاری دل‌نشین از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله دفاع نمودند که از آن جمله‌اند:

ام‌المؤمنین حضرت خدیجه علی‌ه‌السلام همسر پیامبر اسلام اشعاری نغز و لطیف می‌سرود. از جمله شعری است که به هنگام زانو به زمین زدن شترش در مقابل پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و چهره بر قدم آن حضرت مالیدن و به فضل وجود مبارکش به زبان آمدن، سروده است:

به فضل پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله شتر به زبان آمد و خبر داد که به وجود حضرت سرزمین مکه شرافت یافت. این محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله بهترین برانگیختگان خداست که بر سبک عراقی (۱۱۵)

خاک قدم نهاده و شفیع امت است. ای کسانی که به او حسد می‌ورزید بگذارید خشم شما را نابود سازد. چه، اوست محبوب و بهتر از او در خلاق نیست.

- سعدی دختر کُربُز، خاله عثمان اشعاری در تبلیغ از دین سروده است از جمله:

ای عثمان این است پیامبری که با دلیل واضح از جانب خدا آمده است و قرآن بر او نازل گشته، زنهار که بت‌ها ترا گمراه نسازند و پیرو او باشی، سپس گفت: همانا محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله رسول خداست و جبرئیل بر او نازل می‌شود، محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله مشعل هدایتی است که انوار تابناکش روشنگر انسان‌هاست، پیوسته از صدف پاک دهانش درهای خیرخواهی و مصلحت‌اندیشی نثار بشریت می‌گردد، رستگاری در دین مقدس اوست و بالاخره پیروزی نهایی با او خواهد بود.

- هند دختر ابان بن عباد بن عبدالمطلب بنا به نقل (طبقات کبری) جلد ۴، صفحه

(۱۱۶) شعر و شاعری

۱۸۴ درباره نبی اکرم اشعاری سروده و در جنگ احد هم در جواب هند دختر عتبه که به کشته شدن حمزه و سایر شهدای مسلمین اظهار سرور می‌کرد و می‌گفت: «ما در این جنگ انتقام جنگ بدر را گرفتیم، چه، از کشته شدن پدر و عمو و برادر ناکامم صبرم تمام شده بود، اکنون که وحشی با کشتن حمزه سوز درونم را شفا بخشید من هم به نذر خود وفا خواهم کرد». و هند دختر ابان در جواب گفت: ای دختر مردی ماجراجو و کافر، تو در بدر و جنگ‌های دیگر به سزای خود رسیدی و در بامداد پیروزی جوانمردان اسلام و بنی‌هاشم به کیفر کردار خود می‌رسند. حمزه شیر بیشه ماست و علی علیه‌السلام باز شکاری ما.

- خنساء دختر عمر و دخترزاده امرؤالقیس از بانوانیست که بسیار شعر سروده و شعر شناسان جمله‌گی متفقند که نه قبل از او و نه بعد از او زنی به پایه او نرسیده است. پیامبر گرامی از شعر این بانو بسیار مسرور می‌شد و می‌فرمود که از شعرش بخواند.

سبک عراقی (۱۱۷)

- عایشه همسر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله شعر زیادی از حفظ داشت و بنا به نقل خودش دوازده هزار بیت از اشعار لیید را به خاطر داشت و پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله از او می‌خواست که برایش از اشعاری که حفظ است بخواند و از جمله آن اشعار دو بیت زیر است:

هرگاه طلا با سنگ محک آزمایش شود بدون شک غش آن آشکار می‌گردد و طلای خالص و مغشوش از هم جدا می‌شود، علی علیه‌السلام در بین ما مانند آن سنگ محک است.

از دیگر زنان شاعره می‌توان به «شیما دختر حارث بن عبدالعزی، رقیه دختر ابی‌صیفی ابن‌هاشم ابن عبدالمطلب، اروی، عاتکه، صفیه دختران عبدالمطلب، هند

(۱۱۸) شعر و شاعری

دختر حارث، ام سلمه زوجه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و عاتکه دختر زید» اشاره کرد. (۱)

دعوت روحی و یاری دین که به وسیله شعر انجام می‌گرفت و از تأیید قرآن و حدیث هم برخوردار بود در زمان ائمه طاهریین نیز چون زمان رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله بی‌قرار بود و مردم مجتمع آن روز از شعر شعرای اهل بیت قلبشان مسخر می‌شود و حقایق مکتب ولایت با جانشان آمیخته می‌گردید.

پیوسته شعرا از نقاط دور با قصاید مذهبی و چکامه‌های دینی خود به خدمت

۱- الغدیر، جلد ۲، علامه امینی، ص ۳۲.

مقام شعر و شعراء نزد ائمه علیهم‌السلام (۱۱۹)

ائمه علیهم‌السلام مشرف می‌شدند و مورد تفقد و اکرام ایشان واقع می‌گشتند، شعر آنان را که چکیده فکر و اندیشه‌شان بود به نظر اعجاب می‌نگریستند و تحسین می‌فرمودند، به احترام مقدمشان محفل‌ها تشکیل و دوستان خود را به آن محافل دعوت می‌کردند و با دادن صله و جایزه‌هایی گرانبها شعر را مورد نوازش و مرحمت قرار می‌دادند و نکاتی را که موجب خلل و نقص شعر آن‌ها بود تصحیح می‌فرمودند.

لذا در دوره ائمه طاهریین تحولاتی در شعر و ادب پیدا شد و به کمال گرائید و در اجتماع آن روز و از بیشتر علوم و فنون اجتماعی پیشی گرفت.

اهمیت شعر به جایی رسید که به پانمودن مجلس شعر و صرف وقت نمودن به خاطر آن در مکتب اهل بیت علیه‌السلام جزء طاعات شمرده می‌شود و گاهی بعضی از اشعار نغز در شریف‌ترین اوقات خوانده شده و به بزرگ‌ترین اعمال عبادتی مستحبه مقدم می‌شد چنان‌که این حقیقت به وضوح از گفتار و رفتار امام صادق علیه‌السلام نسبت به قصیده هاشمیان کمیت مشاهده می‌شود.

(۱۲۰) شعر و شاعری

کمیت در ایام تشویق در روزهایی که نور ماه به آخرین حد از زیادی می‌رسد در منی به آن حضرت وارد شد و اجازه خواست تا برای حضرت از اشعار خود بخواند. حضرت فرمود: این ایام بسیار شریف و باارزش است. کمیت عرض کرد: این اشعار درباره شما سروده شده، امام چون این جواب را شنید فرمود تا یاران و همراهان جمع شدند و به کمیت هم اجازه داد تا شعرش را بخواند.

کمیت قصیده لامیه از قصاید هاشمیان را خواند و پس از اتمام شعر حضرت درباره‌اش دعا فرموده، هزار دینار و یک دست خلعت به او مرحمت نمودند. (۱)

با توجه به این که فواید اجتماعی و دینی بر اشعار بار بود، پیشوایان دین هیچ‌گونه نظری به شخصیت شاعر نداشتند و نسبت به سایر شئون و اعمالشان

۱- الغدیر، جلد ۲، علامه امینی، ص ۳۶.

مقام شعر و شعراء نزد ائمه علیهم‌السلام (۱۲۱)

خورده نمی‌گرفتند هرچند که شاعری آلوده و بدمنش بود و از رفتار ناراضی بودند. ولی همین که افکار و اشعار چنین شعری را می‌دیدند که در راه هدایت و ترویج دین و بیان حقایق مفید است از اعمال بدشان چشم‌پوشی کرده و به دیده استرحام به آن‌ها می‌نگریستند. و برایشان طلب آموزش می‌کردند و احساسات مؤمنین را به اطرافشان تحریک می‌کردند و برای دلگرمی ایشان سخنان امیدزایی می‌فرمودند. برخی از سخنان ائمه هدی درباره ایشان عبارتست از:

- بر خداوند بزرگ سخت نیست که گناهان دوستان و ستایشگران ما را بیامزد.

- آیا بخشودن گناهان دوستداران علی علیه‌السلام بر خدا سنگین است!
- هیچ لغزشی برای دوستداران علی علیه‌السلام رخ نمی‌دهد مگر این که در قدم‌های دیگر از لغزش‌ها محفوظ می‌مانند.

(۱۲۲) شعر و شاعری

وصیت امام باقر علیه‌السلام

امام باقر علیه‌السلام به فرزندش امام صادق علیه‌السلام وصیت می‌کند که:
از مال من فلان مقدار برای نوحه‌سرایان وقف کن که تا ده سال در منی موقعی که حاجیان جمعند بر من نوحه‌سرایی کنند. این تعیین محل و وقت خود دلیل روشنی است بر این که غرض امام این است که نام و خصوصیات و جهات مربوط به امام در گذشته به وسیله همین نوحه‌سرایان به گوش مسلمانانی که در آن اجتماع شرکت جسته‌اند برسد، تا نفوس را متوجه این آستان نمایند و بالتیجه شور و علاقه‌ای نسبت به مذهب اهل‌بیت در آن‌ها ایجاد شود. همه ساله این مراسم تجدید شود تا مسلمانان دیگری که سال‌ها بعد می‌آیند به حقایق مکتب اهل‌بیت آشنا گردند و نسبت به امامت ائمه متمایل گردند و به پیروی از مکتب امامان برحق تحریک شوند و تعالیم نجات بخششان را به کار بندند و به

وصیت امام باقر علیه‌السلام (۱۲۳)

همین جهت سَرّ عزاداری سیدالشهداء نیز روشن می‌شود. و به خاطر همین فایده که به شعر مترتب است شعرای اهل‌بیت پیوسته مورد خشم و غضب مخالفین بودند، زیرا مجلس آرای و مدیحه‌سرایان آن‌ها بر دشمنان گران می‌آمد و بدین جهت مدیحه‌سرایان ائمه هدی از کید و دسیسه‌های دشمنان همیشه در هراس بودند و گاهی هم به مقتضای موقعیت برای حفظ جانشان از خانه و زندگی آواره می‌شدند و در گوشه‌ای با رنج و مشقت به سر می‌بردند و اگر بعضی از آن‌ها دستگیر می‌شدند مشمول هرگونه شکنجه بودند، زبانشان بریده می‌شد، تبعید می‌شدند، زندان می‌رفتند و در آخر امر هم شربت مرگ نصیبشان می‌گشت.

مقام شعر و شاعران نزد بزرگان دین

فقهای امت اسلامی و زعمای مذهب نیز از سیره ائمه معصومین علیه‌السلام پیروی کردند و در راه خدمت به دین وصایت از حریم و ناموس مذهب و حفظ و حراست مأثر اهل‌بیت به پاخواستند تا در اجتماع خود نام ائمه علیهم‌السلام را رواج دهند، نسبت به شعرای اهل‌بیت علیهم‌السلام توجه می‌نمودند و با دادن جایزه موجبات تشویقشان را فراهم می‌کردند و همچنان که به تألیف کتب فقهی و معارف اسلامی اهمیت می‌دادند به تدوین کتب شعری و تشریح فنون ادبی می‌پرداختند تا اصول شعر و ادب تقویت شده و جاوید بماند.

(۱۲۴) شعر و شاعری

- شیخ عظیم‌الشأن و بزرگوار مرحوم کلینی که بیست سال از عمر خود را در راه تألیف کتاب کافی صرف نموده کتابی دارد مشتمل بر اشعاری که در وصف اهل‌بیت علیهم‌السلام سروده شده.

- عیاشی عالم بزرگی که دارای کتب بسیاری است در فقه شیعه، کتابی هم درباره شعر دارد.

- مرحوم صدوق آن جانباخته احیای فقه و حدیث دارای کتاب شعر است.

- مرحوم جلودی شخصیت بارز شیعه در بصره کتابی دارد که هر چه

مقام شعر و شاعران نزد بزرگان دین (۱۲۵)

شعر درباره علی علیه‌السلام سروده شده در آن جمع نموده است.

- استاد الطایفه شیعه ابوالحسن شمشاطی مؤلف مختصر فقه اهل بیت در الجزیره کتابی گرانبها در فنون شعر دارد.

- مرحوم شیخ مفید که خدمات ارزنده او نسبت به اسلام و مسلمین بر احدی پوشیده نیست کتابی دارد در مسائل مربوط به شعر و شاعری .

- سید جلیل‌القدر مرحوم سید مرتضی (علم‌الهدی) دارای دیوان مفصل شعری است و نیز در فنون شعر تألیفات نفیسی دارد. (۱)

به جز این عده فقها و علمای دیگر شیعه هم مشوق این راه بوده‌اند و علمای بزرگ پیوسته در اعیاد مذهبی و نیز دیگر مناسبت‌ها از قبیل روزهای وفات آنان

۱- الغدیر، جلد ۲، علامه امینی، ص ۳۷ .

(۱۲۶) شعر و شاعری

مجالسی را ترتیب می‌دادند، شعرا در مجالس گرد می‌آمدند و مرثیه سرایی می‌کردند و بدینوسیله مکتب اهل‌بیت را احیاء می‌نمودند و دل‌های شنوندگان را از مهر و محبت به این مجالس مورد احترام و تکریم لبریز می‌نمودند. جایزه‌های شایسته‌ای به آن‌ها (شعرا) اعطا می‌شد و تازه این فقط اجر مادی آن‌ها بود و اجر معنوی آن‌ها نزد خداوند ثابت و برقرار بود.

این روش و گرایش نیکو در بعضی اعصار بیشتر از عصر دیگر رونق می‌یافت و مورد عنایت بیشتری قرار می‌گرفت و در مردم نشاط و احساسات بیشتری حس می‌شد و نتایج گرانبهای نصیبشان می‌گشت.

از جمله دوران پررونق دوران زندگی آیت‌الله بحرالعلوم و مرحوم کاشف‌الغطاء بود و از دودمان پاک پیامبر آیت‌الله شیرازی ساکن سامرا را می‌توان نام برد.

او در ایام اعیاد و وفات پیوسته محافل و مجالس دینی تشکیل می‌داد و ادبا و

مقام شعر و شاعران نزد بزرگان دین (۱۲۷)

شعرا نامی نواحی مختلفه در آن مجالس شرکت می‌جستند و با انشاء قصاید خود مورد عواطف ایشان قرار می‌گرفتند و از تشویق‌ها و عطایای آن بزرگوار بهره‌مند شده و سپس به جایگاه خود بازمی‌گشتند. یکی از آن نمونه‌ها شاعر روشن دل اهل بیت علیه‌السلام، سید حیدر حلی است. در یکی از مراسم مذهبی قصیده شیوایی سرود و آهنگ در گاه سید شیرازی نمود، پس از برگزاری مجلس سید قصد داشت بیست لیره عثمانی به عنوان صله به سید حیدر بدهد، ولی بعد از این که با عموی خود مشورت کرد عمویش حاج میرزا اسماعیل گفت:

او شاعر دربار اهل بیت است و این مقدار زینده مقام ایشان نیست، سید حیدر از امثال دعبل و حمیری و نظایر آن دو برتر می‌باشد، پیشوایان دین به شاعران زمان خود کیسه‌های پر از طلا می‌دادند. سپس به سید حیدر یکصد لیره بخشیدند و آیت‌الله شیرازی

مرجع عالیقدر شیعه دست آن شاعر

(۱۲۸) شعر و شاعری

اهل بیت را بوسید. (۱)

شعراي غدیر

- امیر المؤمنین علی علیه‌السلام: همانا علی علیه‌السلام بعد از رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فصیح‌ترین و آشناترین مردم است به خصوصیات و موازین کلام عرب، آن حضرت در ضمن اشعاری چنین سرود:

مُحَمَّدُ النَّبِيُّ أَحْيَى وَ صِهْرِي مُحَمَّد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ پیامبر خدا برادر مهربان و خویشاوند من است .
وَ حَمَزَةٌ سَيِّدُ الشُّهَدَاءِ عَمِّي وَ حَمَزَه سید الشهداء عموی من است.

۱- الغدیر، جلد ۲، علامه امینی، ص ۴۰ .

شعراى غدیر (۱۲۹)

سَبَقْتُكُمْ إِلَى الْإِسْلَامِ طُرًّا در کودکی که هنوز بالغ نشده بودم و پیش از همه شما اسلام اختیار نمودم .
عُلَامًا مَا بَلَغَتْ أَوَانَ حُلْمِي رسول خدا صلى الله عليه وآله در روز عید غدیر خم ولایت مرا بر شما واجب کرد.

فَوَيْلٌ لِّمَنْ يَلْقَى الْإِلَهَ غَدًا بِظُلْمِي در روز واپسین خدا را ملاقات کند. (۱)
این قصیده از قصاید مشهور است و امام آن را در جواب نامه

۱- الغدیر، جلد ۲، علامه امینی، ص ۴۴ .

(۱۳۰) شعر و شاعری

معاویه نوشته بودند که بوسیله اشعارش خود را معرفی کرده بود و مفاخر خود را برشمرده بود. (۱)

شاعران برجسته اهل بیت علیهم السلام

«قصیده مدارس» دَعْبِل از بهترین نوع شعر و شکوه‌مندترین مدایحی است که درباره خاندان پیامبر
صلی الله علیه وآله سروده شده است.

دعبل آن را برای علی ابن موسی الرضا علیه السلام سروده و گفته است چون به خدمت آن امام رسیدم فرمود: یکی از سروده‌هایت را
برایم بخوان و من خواندم و امام آنچنان گریست که از هوش رفت. خدمتگزاری که در خدمتش بود به من اشاره کرد که آرام گیر
و من خاموش ماندم. ساعتی درنگ کرد و سپس فرمود: دوباره بخوان و من خواندم تا به همان بیت رسیدم و همان حال
نخستین دست داد و پرستار حضرت اشاره به سکوت کرد و من ساکت شدم. ساعتی دیگر گذشت و امام فرمود:

۱- الغدیر، جلد ۲، علامه امینی، ص ۴۴ .

شاعران برجسته اهل بیت علیهم السلام (۱۳۱)

باز هم بخوان و من قصیده را تا به آخر خواندم. سه بار به من فرمود: احسنت سپس فرمود ده هزار درهم از آن سیم‌هایی که به نام
حضرتش سکه خورده بود و پس از آن به هیچ کس داده نشد به من دهند و با فرمانی که به خانواده خود داد خادم حضرت
جامه‌های بسیاری برایم آورد و من به عراق آمدم و هریک از آن درم‌ها را به ده درهم به شیعیان فروختم و صد هزار درهم به
دستم رسید و این نخستین ثروتی بود که فراهم آوردم. (۱)

۱- الغدیر، جلد ۲، علامه امینی، ص ۲۴۸ .

(۱۳۲) شعر و شاعری

از شعراى دوره جاهلیت، عصر ظهور اسلام، دوران زندگی ائمه و بالاخره از شعراى عرب و خارجی که بگذریم بالاخره نوبت به
شعراى فارسی می‌رسد که در باب شعر از ستاره‌های درخشان هستند و از لحاظ معانی و مفهوم قصاید و غزلیات آنان زبانزد
خاص و عام است.

یکی از این شاعران برجسته خواجه شمس الدین محمد ملقب به حافظ شیرازی است که استاد مطهری درباره اشعار او می‌گوید:
آنچه از اشعار حافظ درک می‌شود و برای هر خواننده‌ای یقین حاصل می‌کند این است که اشعار او موج یک روح پاک است که

به زبان رسیده است. هرگز یک سخن مصنوعی قادر نیست حامل این اندازه موج باشد که این چنین بر دل‌ها بنشیند. به همین دلیل شعر حافظ نمونه کوچکی است از قرآن، نهج البلاغه و شاعران برجسته اهل بیت علیهم‌السلام (۱۳۳) صحیفه. (۱)

مرثیه سرایی

در میان مرثیه سرایان و حکایات و پاداش‌های آنان از طرف ائمه به وصال شیرازی و حکایت زیبای او می‌رسیم. وصال بیشتر مراثی خود را درباره خاندان عصمت و طهارت در اواخر عمر سرود. شبی در خواب حضرت فاطمه علیها‌السلام را زیارت کرده و سلام می‌کند ولی پاسخی از آن مخدره نمی‌شنود، دوباره سلام می‌کند و باز جوابی نمی‌شنود، آشفته حال عرض می‌کند مگر خدمات وصال پذیرفته آن آستان نیست که بذل عنایتی نمی‌شود؟ حضرت در جواب فرمودند: با این

۱- تماشاگه راز، مرتضی مطهری، ص ۷۶.

(۱۳۴) شعر و شاعری

سعادت‌تی که خداوند به تو عنایت فرموده دریغ است تنها حسین علیه‌السلام را فرزند من دانی! وصال سراسیمه و پریشان حال از خواب برخاست و مرثیه معروف امام حسن مجتبی علیه‌السلام را باسوز و گداز تمام سرود. در شب دیگر فرزندش امام حسن علیه‌السلام را در خواب دید. امام علیه‌السلام بیان داشت که مرثیه وصال فرمودند:

خون خوردن و عداوت خلق و جفای دهر یعنی امامتش را به برادر حواله کرد. (۱)

اهمیت شعر در فرهنگ و سخن

هنگامی که از اهمیت شعر در فکر و فرهنگ سخن می‌گوییم به این معنی نیست که هر کسی حق دارد هر مهملی را به نام شعر دینی نشر دهد. شعر، فنی دقیق است، باید در قلمرو و فرهنگ دین، آنان که استعداد دارند از جوانی به

۱- مراثی وصال شیرازی، علی اکبر نوری زاده، ص ۱۰.

اهمیت شعر در فرهنگ و سخن (۱۳۵)

استادان فن مراجعه کنند تا در رده شاعران توانا در آیند، آنگاه به نشر فرهنگ اسلام و حماسه‌های حق در بُعد شعر مذهبی پردازند، مراجعه به استادان فن و ادیبان ماهرو سخن‌شناسان صاحب ذوق این فایده را نیز دارد که اگر کسی استعداد کافی برای این کار ندارد این را بفهمد و دست از ضایع کردن فرهنگ دینی چه به صورت شعر یا غیره بردارد. در همه آنچه که گفته می‌شود، شعر، نویسندگی و ادبیات و غیره کار دیمی و از پیش خود ارجی ندارد، این‌ها همه باید با دیدن استاد و آموختن فن باشد.

مدایح علوی

نمونه دیگر از شعر متعهد اسلامی مدایح سرشاری است که شاعران مسلمان به ویژه شاعران شیعی در مدح علی ابن ابیطالب علیه‌السلام و دیگر امامان سروده‌اند. این آثار، تندی‌های بلند حماسه و اعتقاد و تعهد است. کسی که بیندازد

(۱۳۶) شعر و شاعری

که اشعار مدح مذهبی، تنها ثناگویی و مدح است، آن هم از نوع دیگر مدایح، جاهل است. پیشوایان اسلام همواره مدح و مدحگویی را نکوهیده‌اند:

مَنْ مَدَحَكَ فَقَدْ ذَبَحَكَ هَر كَس تَرَا سَتُود تَرَا نَابُود سَاخْت

أُخْتُوا فِي وُجُوهِ الْمَدَاحِينَ التُّرَابُ تَوِي صُورَت مَدَحِ گُویَان خَاك بِبَاشید

به این گونه خواسته‌اند تا مردم مدح گویان و متملقان را ساکت و تحقیر کنند. روایات در ذم مدح بسیار رسیده است به ویژه در جایی که صفات و خوبی‌ها و ارزش‌هایی به کسان نسبت دهند که آنان دارا نباشند، در این صورت تملق است و منهی و از همه بدتر مدح گویی گناهکاران و ستمگران و جباران است. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

«إِذَا مُدِحِ الْفَاجِرِ أَهْتَزُّ الْعَرْشُ وَغَضِبَ الرَّبُّ»

هنگامی که فاجر را ثنا گویند و تعریف کنند عرش بلرزد و خدا خشمگین شود.

مدایح علوی (۱۳۷)

شاعران سلف اسلام که در دامان این تعالیم تربیت یافته بودند هرگز به سوی مدح گویی - به معنای متعارف - نمی‌گراییدند و آن را مذموم می‌دانستند و از نظر شرع منهی.

بعدها بیشتر شاعران مذهبی، به ویژه در زبان فارسی از اصالت کار دور ماندند و در مدایح دینی نیز غرض اصلی را رها کردند. باری، در شعر مذهبی نظر کلی بر نشر مبادی دین بود و احیای حقایق ایمان و زنده کردن دل‌ها و جان‌ها و جاری ساختن خون حماسه و تعهد در رگ‌ها و پی‌ها، از این رو شاعران بزرگ شیعه همیشه برای حکومت‌های فاسد خطری بزرگ محسوب می‌شدند زیرا آنان در خلال مدح آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله حقایق دین و صفات لازم حاکم دینی را یاد می‌کردند و با ذکر صفات اسلامی امامان و مقایسه و تحقیر زمامداران دل‌ها را به حق و

(۱۳۸) شعر و شاعری

حکومت حق توجه می‌دادند. (۱)

بدیعه سرایی

یکی از شاعران بزرگ که در ساختن قصاید بدیعه اثری عظیم داشته است شیخ صفی‌الدین حلّی است. (فن بدیع فنی است که با آن وجوهی را بیان می‌کنند که سخن را زیبا کرده و نیز مقتضای حال را رعایت کرده و به مقصود دلالت می‌کند). (۲) شیخ در کوبیدن مداحان ظلمه و ستمگران و خوار ساختن جباران - با زبان نیرومند شعر - کوششی ستودنی داشته است و از جمله شعر معروف او

۱ و ۲ - ادبیات و تعهد در اسلام، محمد رضا حکیمی، ص ۹۳ و ۲۷۳ .

بدیعه سرایی (۱۳۹)

در ردّ شعر عبدالله بن معتر عباسی که همواره می‌خواست با قدرت هنر و طبع شعر نیرومندی که داشت مظالم دستگام خلافت عباسی را بپوشاند و تاریکی‌های ستمکاران را از نظر اجتماع دور بدارد، ولی شاعران بیدار دل و بیدارگر شیعه از خفه کردن این نفس‌های آلوده غفلت نمی‌ورزیدند و بدین گونه برای نشر حماسه‌های تشیع به پا می‌خاستند و به آفرینش روز و روشنی می‌پرداختند و موضع‌گیری‌های ظاهر الصلاحی را که جباران به نام شعر و هنر برای سرگرم ساختن مردم ارائه می‌دادند اینسان رسوا و خوار می‌ساختند. احمد امین مصری در صفحه ۸۶ کتاب «المهدی و المهدویة» می‌نویسد:

اگر بیشترین ادبیات سنی صرف ستایش خلفاء و پادشاهان و امیران سنی شد ادبیات شیعه همواره در راه ستایش امامان قرار داشت و

سروران مرثیه‌های جانگداز برای شهیدان آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله. (۱)

۱- ادبیات و تعهد در اسلام، محمد رضا حکیمی، ص ۱۵۷.

(۱۴۰) شعر و شاعری

دیدگاه شهید مطهری (ره) درباره شعر و ادبیات

شهید مطهری معتقد است:

تأثیر ادبیات در روحیه و اخلاق و اوضاع زندگانی بشر و در تحولات تاریخی که در مجتمع بشری رخ داده اگر بیشتر از تأثیر عقل و استدلال نباشد کمتر نیست. گاه اتفاق می‌افتد که یکی شعر یا یک ضرب‌المثل که فقط ارزش شعری و ادبی دارد یک پایه روحیه ملتی را تشکیل می‌دهد. به شهادت تاریخ اغلب تحولات و انقلابات علمی و فلسفی و صنعتی که در دنیا پدید آمده به دنبال انقلاب‌های ادبی بوده، در تمدن جدید اروپا تأثیر وجود شعراء و نویسندگان بزرگ کشورهای اروپایی کمتر از تأثیر وجود علماء طبیعی و ریاضی و فلاسفه و

دیدگاه شهید مطهری (ره) درباره شعر و ادبیات (۱۴۱)

مخترعین و مکتشفین نبوده است. (۱)

شعر به معنای عمومی آن که تقریباً پنجاه درصد آثار برجسته فرهنگ بشری را تشکیل می‌دهد هم از نظر واقع‌گویی و هم از نظر تحریک به سوی ایده‌آل‌های عالی انسانیت گام بزرگی برداشته است و بالعکس هر اندازه که یک شعر از واقعیات دورتر و به احساسات بی‌پایه شاعر مستندتر بوده باشد هر قدر هم که جنبه هنری و ظرافت آن خوشایند باشد نه تنها استهلاک بیهوده اندیشه فرد و اجتماع می‌باشد بلکه این قبیل شعرگویی که با حیات جدی انسان‌ها مبارزه و آن را به مسخره می‌گیرد، آسیب‌های زیادی از نیروی تخدیری خود به جوامع وارد می‌کند. (۱)

۱- فلسفه هنر، احمد رضا بسیج، ص ۲۶۸.

(۱۴۲) شعر و شاعری

هنرمند تا به درجه فتوح نرسد اثر هنری ابداع نمی‌کند، هنرمند در ساحت فتوح عالم سکنی دارد و فطرت اندیشه او نه در مرتبت اول که در مرتبت و مقام ثانی است، و اگر بعضی از شعراء به فتوحات باطنی نرسیده‌اند از این جهت است که جان آن‌ها به تجرد و خودآگاهی نرسیده است؛ هر چه هنرمند بیشتر به خود، آگاهی برسد بیشتر می‌تواند فتوح باطنی کند. ادبیات و شعر متعهد هنرمند را به جستجوی معنای انسان وامی‌دارد. هنرمندی که حدیث عشق سرمدی و حق و

۱- تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی، جلد ۷، محمد تقی جعفری، چاپ دهم، ۱۳۶۳، انتشارات اسلامی، ص ۴.

دیدگاه شهید مطهری (ره) درباره شعر و ادبیات (۱۴۳)

حقیقت می‌کند با آن که حدیث نفس اماره خود می‌کند تفاوتی دارند از زمین تا خدا و از ناسوت تا لاهوت.

شاعری خلوت و آرامش درونی در پی تحیرهایی در برابر جلال و جمال خداوندی است. شاعر در مرتبه تجربه هنری خودش قصه و غرضی ندارد، هنرمند در تفکر هنری، ذاتش به حقیقت تقرب می‌جوید، شعر او از درونش می‌جوشد نه آن که اکتسابی باشد، در این صورت خالق معانی خداست. (۱)

به این دلیل است که شاعر حکیم با سخن خداوند که بر پیامبر وحی می‌شود پیوستگی پیدا می‌کند. لیکن شاعر به قدر ظرفیت و طاقتش، اما پیامبر آینه تمام نمای دریای معنی قدسی است. روشن است که هر قدر شاعر از انانیت و نحنانیت خود دور باشد بیشتر و بهتر می‌تواند از دریای حقیقت بهره‌مند شود. در گذشته برای شاعر مقامی بعد از مقام انبیاء قائل بودند چرا که او حکایت عالم

قدس

۱- فلسفه هنر، احمد رضا بسیج، ص ۲۶۹.

(۱۴۴) شعر و شاعری

می‌کند، هر چند این حکایت آمیخته با احساس او باشد. (۱)

شاعر از آن جهت که شاعر است و سر و کارش از طرفی با احساسات و از طرفی با قوه تخیل است جهان را و آنچه در آن است همواره با نیروی تخیل و با عینک احساسات و تمایلات مخصوص خود می‌بیند، قضاوت‌های شاعرانه در مورد هر چیزی همواره از روابط معنوی شاعر و آن چیز حکایت می‌کند، نه از اوصاف واقعی نفس‌الامری آن چیز و به عبارت دیگر افکار شاعرانه انعکاس واقعیت خارجی نیست بلکه انعکاس احساسات درونی خود شاعر است. احساسات درونی شاعر به حسب اوضاع و احوال مختلف است و از این رو قضاوت‌های شاعرانه دستخوش همین اختلافات است به خلاف قضاوت‌های عقلانی

۱- فلسفه هنر، احمد رضا بسیج، ص ۲۷۲.

دیدگاه شهید مطهری (ره) درباره شعر و ادبیات (۱۴۵)

و نظری که از نفوذ این عوامل آزاد است. شاعر تحت تأثیر احساسات ویژه و نیروی تخیل، کوهی را کاه و کاهی را کوه می‌بیند. در یک حال چیزی را در کمال حسن و زیبایی و در حال دیگر همان چیز را در نهایت زشتی و ناهنجاری می‌بیند. (۱)

هر یک از مفاهیم اعتباریه را که در نظر بگیریم خواهیم دید بر روی حقیقتی استوار است. یعنی یک مصداق واقعی و نفس‌الامری دارد و نسبت به آن مصداق، حقیقت است. چیزی که هست ما برای وصول به منظور و مقصودهای عملی خود در ظرف توهم خود چیز دیگری را مصداق آن مفهوم فرض کرده‌ایم و آن مصداق جز در ظرف توهم ما مصداق آن مفهوم نیست و در حقیقت این عمل خاص ذهنی که ما نامش را اعتبار گذاشته‌ایم یک نوع بسط و گسترش است که ذهن بر روی عوامل احساسی و دواعی حیاتی در مفهومات حقیقی می‌دهد و این خود یک نوع فعالیت و تصرفی است که ذهن بر روی عناصر ادراکی می‌نماید و این تصرف تحت تأثیر تمایلات درونی و احتیاجات زندگانی واقع می‌شود. (۱)

۱- اصول فلسفه و روش رئالیسم، علامه طباطبایی، مقدمه و پاورقی شهید مطهری، جلد ۲، مقاله ۶، پاورقی صفحه ۲۸۶.

(۱۴۶) شعر و شاعری

بشر بالذات متفکر است. صورتی از تفکر و کمال آن در شعر و حکمت انسی تجلی می‌کند. ذات تفکر شعری ابداع است. (۲)

از این جاست که شعر همچون دیگر هنرها یا ابداع دیگر هنرها یا ابداع نفس و

۱- اصول فلسفه و روش رئالیسم، علامه طباطبایی، مقدمه و پاورقی شهید مطهری، جلد ۲، مقاله ۶، پاورقی، صفحه ۲۸۸.

۲- ماهنامه مشرق شماره ۱، ۱۳۷۳، محمد مددپور، (تلقی کلمات در حضور شاعرانه)، صفحه ۳۶.

دیدگاه شهید مطهری (ره) درباره شعر و ادبیات (۱۴۷)

احساسات و فرعونیت است که توسط الهام و القاء نفسانی و شیطانی صورت می‌گیرد یا ابداع عالم ملکوت که توسط الهام و القاء ربانی و ملکی حاصل می‌شود و در این نسبت هنر دینی و غیردینی و شعر حقیقی و غیر حقیقی به وجود می‌آید. (۱)

شعر حقیقی و قدسی تابع حکمت دین مبین اسلام و رسول گرامیش حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله و علی‌علیه‌السلام است. در

حالی که شعر غیر حقیقی و غیر قدسی تابع حکمت متفلسفانی است که به باطن حکمت راه نیافته‌اند. (۲)

جامعه‌شناسی و تئوری‌های علم اجتماع شعر را به مثابه یک شیء تصور می‌کنند که ذهن جامعه آن را خلق کرده و تمام ماهیت و ممیزه شعر و ذات و هنر

۱ و ۲ - فلسفه هنر، احمد رضا بسیج، ص ۲۷۳ و ۲۸۰ .

(۱۴۸) شعر و شاعری

محدود می‌شود به آن غایات اجتماعی شعر یا مبدأ اجتماعی شعر. وقتی درباره یک شاعر تحقیق می‌کنند بلافاصله سراغ جامعه‌ای که او در آن به سر می‌برده می‌روند. در واقع یک نوع دیدار ارسطویی در این نوع علم اجتماعی است که حتی در نوع علم اجتماعی مارکس هم شعر تابع اوضاع مدنی و اجتماعی و تولید اجتماعی است، و در وسیع‌ترین کاربرد و منشأیت اثر شعر را هم به جهت اجتماعی می‌برند که البته این تئوری متناسب با تئوری محاکات ارسطویی و در نقطه مقابل تئوری ابداع شعری است که در دوران جدید خیال‌پردازان از نوع نفسانی آن حمایت می‌کنند. البته می‌توان گفت شعر جز سیر و سلوک آزادانه هنرمند در عوالم نفس نیست. (۱)

۱- ماهنامه مشرق، شماره ۱، محمد مددپور، سال اول، ص ۳۷ .

دیدگاه شهید مطهری (ره) درباره شعر و ادبیات (۱۴۹)

در فرهنگ اسلامی و مسیحی فلسفه و شعر از یکدیگر جدایی ذاتی ندارند ولی از زمانی که فلاسفه‌ای در غرب حکم به جدایی فلسفه و شعر دادند ساحت شعر از عقلانیت و ابداع حقایق ملکوتی به نفسانیت و ابداع حالات نفسانی نزول کرد. (۱)

شعر از یک دیدگاه روح همه آثار هنری است و نیز باطن همه آثار هنری، زیرا در همه آثار بی واسطگی و حضور وجود دارد. شعر در مرتبه ثانی است که با صنعت مضاعف آمیختگی پیدا می‌کند و به صورت یک اثر تجسمی ظاهر می‌شود، یعنی آثار تجسمی از شاعر الهام و پرتو می‌گیرند و مسئله آموز او می‌شوند. پس یک نقاشی یا معمار در مرتبه اول شاعر است. شاعران در مقام

۱- فلسفه هنر، احمد رضا بسیج، ص ۲۸۲ .

(۱۵۰) شعر و شاعری

ابناء ولایت داشته‌اند و معلم قوم خود بوده‌اند. با مرگ حضور شاعرانه دینی شعر از اوج به حضيض تنزل می‌یابد و فلسفه بر دین و شعر حکمی که نزدیک‌ترین بیان به دین است مستولی می‌شود و مسخشان می‌کند. به اقتضای کلام شعری در زمره موهومات تلقی می‌شود. به همان نسبتی که انسان از حقیقت اصیل فاصله می‌گیرد و گرفتار حقیقت مجازی می‌شود این بعد بسط می‌یابد. این را باید گفت که حقیقت مجازی نیز ذی‌مراتب است. یعنی این حقیقت از مرتبه پرستش اسماء متکثر الهی تا پرستش نفس اماره بشری تحقق پیدا می‌کند. با رفع حضور حقیقی واسطگی خیال، شأنیت معنوی و روحانی خیال رفع می‌شود، چون خیال اساساً واسطه در ابداع است. زیرا عالمی که ماورای حس و حتی در طوری و رای طور عقل بشری مقرر است با زبان محسوس و معقول عبارت قابل بیان نیست. به قول عین‌القضاء همدانی اصلاً زبان شعر و حکمت انسی (معرفت نه علم) زبان عبارتی نیست. الفاظ زبان عبارت مصداق این عالم

دیدگاه شهید مطهری (ره) درباره شعر و ادبیات (۱۵۱)

ماورای حس و عقل نیست. در واقع مرتبه‌ای از ذات عالم که در شعر تجلی می‌کند و شاعر با آن نسبت بی‌واسطه پیدا می‌کند فقط با زبان اشارت ابداع می‌شود که عین‌القضاء از آن در «تمهیدات» به تشبیهات و الفاظ متشابه تعبیر می‌کند که متعلقش عالم ازلی است. با این مبدأ ازلی همواره در ادوار تاریخی یک نسبتی نو حاصل است و آدمی به تجربه مبدأ دست یافته که این خود در نسبت به مبدأ یک شأن آیینگی و مظهریت را برای او ظاهر می‌سازد. این عوالم بالا و متعالی بواسطه خیال منفصل به مرتبه صورت محسوس خیال متصل آدمی تنزل می‌یابد. همین تمثّل به شاعر و هنرمند شأن ابناء می‌بخشد. اما زمانی که عالم شاعر کور و تاریک شد جهان انسانی تاریک‌تر و ناپیدتر می‌شود و دنیای آدمی محدود می‌شود به دنیای نفسانی و رسوبات هیولایی نفس اماره که زشتی کثافت مآبانه آن در شعر منتشر می‌شود. آن عالم ماورایی محدود می‌شود به عالم

(۱۵۲) شعر و شاعری

نفسانی و دیگر خیال آدمی در عالم ماورایی سیر و سلوک و طیرانی ندارد. در این جا متعلق خیال انسان هبوط می‌کند به اسفل‌السافلین نفس اماره انسانی. هر سیری که هنرمند و شاعر می‌خواهد داشته باشد یک سیر مجازی و قلبی و دروغین در نفس اماره است. عرفانی که در این جا در کار است یک عرفان شیطانی و نفسانی است. به هر حال در دوره جدید و معاصر، بشری که با عالم نفسانی سر و کار دارد زیبایی و جمال هم که برایش در کار است و از کمال هم سخن می‌گوید و از عرفان، اما عرفانش و کمال و معنویتش قلبی است. عرفان حقیقی از جهان حاضر رخت برپسته است. به قول حکمای انسی و قدمای عالم اسلام این زیبایی و جمال «هادی» نمی‌تواند باشد. چنان که اشاره رفت دو هنر کلی در عالم تحقق یافته به اقتضای تحقق حقیقت حقیقی یا مجازی یک هنر واسطه برای تعالی و یک هنر واسطه برای تدانی است. در مرتبه و مقام اول،

دیدگاه شهید مطهری (ره) درباره شعر و ادبیات (۱۵۳)

مخاطب شاعر به اسمای حسنی الهی دعوت می‌شود و به جهان‌های برین متذکر می‌گردد. در مرتبه ثانی مخاطب با نفس اماره شاعر همدلی و هم‌حالی پیدا می‌کند و در اعماق نفس او به تجسس می‌پردازد. در حالی که یک شاعر که زبانش زبان تعالی است راه تقرب به عالم قدس یا مظاهر و جلوات عالم قدس را فراهم می‌کند. (۱)

با توجه به مراتب بالاست که معتقدیم شعر نو، که تقلیدی از انقلاب نفسانی غرب در شعر است، راه را برای پرستش نفس اماره جمعی در شعر همواره کرده است. توجهش را از عالم قدس و از عشق حقیقی و مقصد و غایت زندگی برگرفته و متوجه درونیات و کثرات و شهوات شده است. (۲)

۱- ماهنامه مشرق، شماره ۱، محمد مددپور، سال اول، ص ۳۶.

۲- فلسفه هنر، احمد رضا بسیج، ص ۲۸۴.

(۱۵۴) شعر و شاعری

این جاست که جاهلیت مدرن در شعر، متفاوت از جاهلیت قبل از اسلام و مرگ شعر آغاز می‌شود. با از میان رفتن محتوی و معنای شعر راه برای از میان برداشتن صورت مقفای آن نیز باز می‌شود. (۱)

پل والری شعر را چیزی نظیر بازی و یا مراسم مذهبی می‌شمرد و می‌گفت که شعر هدفی به جز خودش ندارد و به فکر نتیجه‌گیری از آن نباید افتاد. شعر را به رقص و نثر را به راه رفتن تشبیه می‌کرد و می‌گفت که راه رفتن معمولاً به سوی مقصدی است، اما رقص مقصدی ندارد و رقص کنان به سوی مقصدی رفتن مضحک خواهد بود. (۲)

دیدگاه شهید مطهری (ره) درباره شعر و ادبیات (۱۵۵)

پل الوار می‌گوید: توهم، معصومیت، خشم، حافظه، قصه‌های قدیمی، میز و دوات، منظره‌های ناشناخته شب گردنده، خاطرات ناگهانی، پیشگویی‌های عواطف، احتراق افکار و احساسات و اشیاء، برهنگی کور، اقدامات اصولی، تشمت منطق تا حد پوچی، استفاده از پوچی تا حد عقل طاغی، این است شعر، ولی حروف مصمت و مصوب و کلمات خوش آهنگ را با زبردستی یا ناشی‌گری، جفت و جور کردن شعر نیست. باید فکر آهنگ‌دار را که به طلب و نقاره و وزن و قافیه نیاز ندارد به گفتن واداشت. (۱)

هنر دینی و شعر حقیقی انسان را می‌خواهد از عالم محسوس بکند و به آسمان‌های برین ببرد. با ابداعی که برای او حاصل می‌شود یعنی شاعر یک سیر صعودی و نزولی به اقتضای مظهریت خود دارد و مخاطب را با سیر خویش بالا

۱ و ۲ - مکتب‌های ادبی، رضا سید حسینی، ص ۳۲۵ و ۴۵۷.

۱- مکتب‌های ادبی، رضا سید حسینی، ص ۴۵۶.

(۱۵۶) شعر و شاعری

و پائین می‌برد. اما هنگامی که ساحت متعالی و معنوی قدس برای شاعر فروبسته شد در نفس اماره خود فرومی‌ماند و در مدار بسته نفس اماره‌اش سیر می‌کند و صعود و نزول عالمش و خیالش هم محدود به همان دایره متحدانی و دل به هم زدن نفس ممسوخ می‌شود. در گذشته نیز شاعران نفسانی و مضل وجود داشتند اما غلبه با شاعران هادی و روحانی بود و دامنه سیران و طیران روح و خیال شاعر تا لاهوت است اما با شعر نو این عالم فروبسته شده شعر نیز به تبع این فروبستگی دچار مرگ می‌شود. مرگ شعر با اشتغال به الفاظ شاعران و نابودی طیران و سیران روح و خیال آدمی و فروبستگی عالم قدس حاصل شده است. (۱)

۱- ماهنامه مشرق، شماره ۱، تلقی کلمات در حضور شاعرانه، محمدمددپور، سال اول، ص ۳۷.

دیدگاه شهید مطهری (ره) درباره شعر و ادبیات (۱۵۷)

شعر و هنر از دیدگاه آیه الله خامنه‌ای

مفاهیمی که من از آن‌ها حرف می‌زنم همان مفاهیم اسلامی است، مفاهیم صدر اسلام است، آنچه که کهنه نمی‌شود مفاهیم است. کهنگی در همه چیز راه می‌یابد جز در مفاهیم اصیل انسانی. این‌ها کهنگی بردار نیست ابزارها عوض می‌شوند، رابطه‌ها عوض می‌شوند، قالب‌ها عوض می‌شوند، اما مفاهیم اصیل انسانی هیچ‌وقت عوض نمی‌شوند. شرافت‌های انسانی، کرامت‌های انسانی، حسن‌ها و قبح‌هایی که عقل انسان آن‌ها را تشخیص می‌دهد عوض شدنی نیست. بنابراین معرفت اسلامی همواره برای ما یک معرفت نو است. خود اسلام از اول در یک قالب صددرصد هنری ارائه شده و آن قرآن است. قرآن از لحاظ زبان هنری پدیده‌ای بی‌نظیر و استثنایی است. اهل زبان یعنی شعراء، فصحا، بلغا و کسانی که در ادبیات و هنر صاحب نظرند همه متفقا از اول تا امروز در مقابل اوج هنری قرآن اظهار عجز کرده‌اند. (۱)

(۱۵۸) شعر و شاعری

اگر شما بخواهید در میان فرهنگ‌ها و تمدن‌ها و انقلاب‌ها و همه پدیده‌های معنوی بشریت کاوش کنید، مثلاً فرهنگ و تمدن و تاریخ کشوری را بشناسید، یکی از بهترین و در دسترس‌ترین کارها این است که به شعرشان نگاه کنید. شعر در حقیقت عنصر اصلی ادبیات است. این ارزش نفس شعر است. شعر را نسبت به دیگر هنرها باید اولی شمرد. اگر چه دیگر هنرها هم در جای خود ستایش‌های شایسته خود را دارند و ای بسا در بعضی از آن‌ها کیفیتی هست که اگر شعر با آن‌ها همراه باشد تجلی هنر به حد اعلی می‌رسد. (۲)

۱ و ۲- هنر از دیدگاه مقام معظم رهبری. آیت الله سید علی خامنه‌ای، ۱۳۷۴، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ص ۵۷ و ۵۸.

شعر و هنر از دیدگاه آیه الله خامنه‌ای (۱۵۹)

تأثیر در نفوس که هدف نهایی شعر و کلام غیر عادی است، گاه از طریق خیال‌انگیزی حاصل می‌شود و گاه از راه تحریک عواطف. و بعضی از اوقات هم، البته به ندرت ممکن است از طریق تعلیم و ارشاد نفوس را منقلب کند. (۱)

حالت شعر

شاد بودن، یعنی در جهان واژه‌ها به گردش رفتن و در میان باغ سخن گلچینی کردن، برای شاعر حالتی همیشگی است. خواه معنایی که روان او بدان رد کرده است در بیان درد دوری باشد و خواه در زمینه شگفتی از کار جهان، و خواه در زمینه گشودن رازی از پستی و بلندی انسان. (۲)

۱- شعری بی دروغ، شعر بی نقاب، عبدالحسین زرین کوب، انتشارات جاویدان، ص ۷۴.

۲- شعر چیست؟ اسماعیل، هومن محمود باخویی، چاپ امیرکبیر، ص ۷۸.

(۱۶۰) شعر و شاعری

شعر، هنر اسلامی!

زمانی اثر هنری ارزشمند است که مخاطبین در مواجهه با آن اثر، به مراتب برتر وجود در حیات طیبه برسند و محو ذات و صفات حق تعالی گردند. وظیفه هنر اسلامی تقویت یاد خدا از طریق بیان زیبایی‌های آفرینش است و اگر یکی از اهداف آفرینش به طور متوسط عبادت حق تعالی است پس هنر باید مخاطب خود را به این مهم سوق دهد. در اسلام هنر و ایمان با هم هستند. بنابراین هنرمند می‌تواند در محدوده‌ای به نام باید و نباید کار کند. فقه اسلامی زیاده‌روی و هرچه گویی را مذموم می‌شمارد، که در واقع این مسأله محدود کردن هنر نیست بلکه پاک کردن و جلوگیری کردن از آلودگی و ابتذال هنر است. (۱)

۱- فلسفه هنر، احمد رضا بسیج، ص ۲۳۹.

شعر، هنر اسلامی (۱۶۱)

اسلام کلام والا و نیز سخن سرای خداجوی را ارج می‌نهد. سخن زیبا نشانه‌ای از خداوند جمیل است، و خداوند زیباترین گفته‌ها را که کلام الهی است بر بال‌های فصاحت و بلاغت نشانیده و به پروازی جاودانه در آورده و همه تاریخ را با فروغ درخشان آن، منور ساخته است. رسول امین پروردگار، شاعران متعهد را فرمانروایان کشور سخن می‌خواند. این سیره نیکوی اولیاءالله است که ارجمندترین حقایق را در نفیس‌ترین حله‌های بیان، بر دل‌های پاک عرضه کنند و سخن فاخر و برنده خود را همچون ذوالفقاری پیروز بر پیکر سیه‌کاران دوران فرود آورند. (۱)

۱- هنر از دیدگاه مقام معظم رهبری، سیدعلی خامنه‌ای، ص ۵۰.

(۱۶۲) شعر و شاعری

هنر اسلامی در عین حال که همانند هر هنر دیگر، ماده آن خیال است و قالب آن انواع هنرها، اما در میانش حکمت و عرفان و اخلاق و روانشناسی و درس زندگی نهفته است و در یک کلام، راه کمال را به تصویر می‌کشد و انسان را به یاد دوران خوش وصل می‌آورد. (۱)

تناسب کلمات پایانی آیات در قرآن کریم

از آنجا که در بیشتر سوره‌های قرآن این نکته به چشم می‌آید که آیات با یک وزن خاص پایان یافته‌اند بررسی این نکته جالب به نظر می‌آید.

توشیح

توشیح عبارت است از این که کلام و سخن، نوعی در قالب و سیاق قرار بگیرد که به تنهایی و «فی حد ذاته» چنین ذیلی را بطلبد، به طوری که اگر متکلم از نطق و تکلم بازایستد، خود مستمعین ذیل آن را زمزمه نمایند. و این با اصطلاح «تسهیم»

۱- فلسفه هنر، احمد رضا بسیج، انتشارات مرید، ص ۲۳۹.

توشیح (۱۶۳)

در نزد بدیعین قریب‌المعنی است و آن عبارت است از این که: کلام طوری طرح‌ریزی شده باشد که خود آن دلالت بر ذیل خود

داشته باشد. و به همین جهت گفته‌اند که: در این موارد ذیل و فاصله، قبل از آن که ذکر شود از فحوای کلام معلوم می‌گردد. بدرالدین زرکشی می‌گوید: همین تسهیم و توشیح است که «ابن و کعب» آن را (مطمع) نامیده است. زیرا صدر آن، شنونده را به طمع و یاد ذیل آن می‌اندازد و این نوع سخن و کلام از عجایب بیان و بدایع و شگفتی‌های کلام است. (۱)

وجود سجع در آیات قرآن کریم

نخستین کسی که در این زمینه وارد شده و در مورد آن سخن گفته و وجود آن را (سجع) در قرآن کریم به طور کلی انکار کرده و گفته که مقام و شأن قرآن کریم از مبتذلات اهل تکلیف در کلام بالاتر است، دانشمند بزرگ، ۱- تناسب آیات، آیه‌الله شیخ محمد هادی معرفت، بنیاد معارف اسلامی، ص ۵۴.

(۱۶۴) شعر و شاعری

«استاد ابوالحسن علی بن عیسی رمانی» است.

او گفته است که: وجود فواصل (تناسب اواخر آیات قرآن) در مورد آیات قرآن، عین بلاغت و اسجاع و سجع در آن عیب (و ضد بلاغت) است. زیرا فواصل، تابع معانی است ولی سجع و اسجاع به عکس. یعنی در آن (سجع) معانی تابع الفاظ است. و در حقیقت همان وارونه جلوه دادن دلالت حکمت‌آمیز کلام است. به عبارت دیگر: کلام حکمت‌آمیز در دلالت را وارونه و برخلاف حکمت در آوردن است. چون که غرض حکیمانه در وضع الفاظ و کلام و عبارات همان اخبار و اظهار معانی است که حاجت و نیاز بشر در انتقال مافی‌الضمیر خود به دیگران آن را ایجاد می‌نماید. بنابراین هر زمان و هر جا که مُشاکت و مُماثلت در فواصل آیات، باعث رسیدن بدان هدف (اظهار معانی بدون تکلف) باشد، آن قطعاً بلاغت است.

وجود سجع در آیات قرآن کریم (۱۶۵)

اما اگر در مشاکلت کلامی، خود مشاکلت و مماثلت جمله‌ها و عبارات، هدف و مقصود اصلی متکلم بوده و معانی، مفعول‌عنه و مقصود بالعرض باشد، در آن صورت قطعاً کلام، معیوب و دارای لکنت خواهد بود. زیرا تصویر کلام به این صورت، تکلف و کوشش بی‌جایی است و راهی است غیر از راهی که حکمت و فلسفه وضع الفاظ، آن را می‌طلبد.

بنابراین این نوع کلام و سخن از بی‌ارزش‌ترین و سخیف‌ترین نوع کلام است که علت سخافت آن همان تکلف معانی به خاطر الفاظ تابع و پیرو قرارداد معانی نسبت به الفاظ است، بدون این که متکلم به جنبه معانی آن توجهی مبذول دارد. و فواصل قرآن کریم، تماماً بلااستثناء عین بلاغت و حکمت است. زیرا سبک آن نوعی قرارداده شده که الفاظ، راه وصول و راه افهام و فهماندن معانی است. معانی که مورد احتیاج متکلم است، به بهترین وجه و صورتی که از طریق الفاظ بدان دلالت و اشارت می‌نماید. (۱)

(۱۶۶) شعر و شاعری

سجع در کلام

شاید بشود دلیل سخنان فوق را با ریشه‌یابی کلمه سجع بهتر درک کرد.

سجع در کلام از سجع کبوتر گرفته شده است. زیرا کلام مُسَجَّع جز صداهای متشاکل و متماثلی که معانی، در آن مورد غفلت قرار گرفته باشد نیست. چنان که در سجع کبوتر و نغمه‌های آن هم، جز یک مشت صداهای شبیه به هم چیز دیگری نیست، که همان «هدیر» است.

(هدیرُ الحَمَامَةُ: آن است که پرنده صدای خود را در حنجره خود قرقره نموده و تکرار کند).

۱- تناسب آیات، آیه‌الله شیخ محمد هادی معرفت، بنیاد معارف اسلامی، ص ۸۱.

سجع در کلام (۱۶۷)

و معنی جمله در سجع هم همینطور است، در صورتی که معانی به تبغ الفاظ بدون هدف و قصد عقلایی و بدون تناسب نیاز بدان، آورده شود، به طوری که غرض و هدف اصلی، آن نبوده و یا فایده‌ای بدان مترتب نشود و در این صورت معانی، ملاک قرار نگرفته و کلمات و الفاظ از گنگی و نامفهوم بودن خارج نمی‌گردد، بلکه همانند هدیر کبوتر و بدون معنی مفهوم و گنگ که جز ترجیح صوت‌های متشاکل، چیز دیگری از آن استفاده نمی‌شود. (۱)

تناسب فواصل (اواخر) آیات قرآن کریم

ابوالحسن علی ابن عیسی رَیّانی می‌گوید: فواصل در آیات قرآنی عبارتست از: حروف متشاکلی که در مقاطع و خواتیم آیات قرار می‌گیرد به طوری که موجب حسن ادراک و فهم معانی آن می‌گردد. و فواصل در قرآن عامل زیبایی و بلاغت، ۱- تناسب آیات، آیه‌الله شیخ محمد هادی معرفت، بنیاد معارف اسلامی، ص ۸۳.

(۱۶۸) شعر و شاعری

آیات آن است. زیرا زیبایی‌ها و رسا بودن آیات، توسط فواصل آیات، امری است که در حقیقت تابع معانی بوده و به آن یک نوع حکمت و حسن و زیبایی خاصی می‌پوشاند و آن را با حکمت و زیبایی ویژه‌ای می‌آمیزد چنانچه یک نوع رونق و منظره و شکل و زیبایی را بدان می‌بخشد و این برخلاف اسجاع کاهنان است، زیرا اسجاع در سخن باعث نوعی عیب، سستی و زیادی می‌باشد و آن خلاف حکمت است.

دلیل این مطلب این است که معانی کلام در اسجاع، تابع و دنباله‌رو الفاظ است و مقصود بالذات الفاظ بوده و معانی بر مدار آن می‌چرخد و معانی در آن مقصود اصلی نبوده بلکه تبعی است و روی این جهت اسجاع در حقیقت، قلب حکمت و تبدیل آن به ضد حکمت در باب دلالات است. یعنی اسجاع ضدّ، بلکه نقیض حکمت است. چون کلام حکیم کلامی است که صدق خالص و نفع خالص و خیر خالص است، اما کلام مسجع درست در برابر این معانی و معیارها قرار داد.

تناسب فواصل (اواخر) آیات قرآن کریم (۱۶۹)

بدرالدین زرکشی در این باره می‌گوید: از جمله عوامل و مواردی که دلالت مؤکد بر وجود وقوع مناسبت و تناسب آیات با همدیگر دارد همان مقاطع و فواصل آیات است و آن عبارت است از کلمه‌ها و حروفی که هم‌شکل و مثل هم باشند و در این گونه موارد حتماً باید لفظ بامعنی تناسب تام داشته باشد و گرنه کلام از هم پاشیده شده و با یکدیگر بی‌ارتباط خواهند بود. (۱)

نظریات مختلف در مورد وجود سجع در قرآن

- قاضی ابوبکر محمد بن الطیب باقلانی در مورد سجع در قرآن با رمانی موافقت نموده و این کار را یک نوع تأیید در مورد نفی و انکار سجع در قرآن قرار داده است و گفته است که اصحاب ما و اشاعره به طور کلی نظرشان در مورد وجود سجع در قرآن کریم منفی است.

۱- تناسب آیات، آیه‌الله شیخ محمد هادی معرفت، بنیاد معارف اسلامی، ص ۴۲.

(۱۷۰) شعر و شاعری

- اکثر اصحاب رأی و نظر - کسانی که به استدلال‌های عقلایی معتقدند - رأی و نظر به وجود و اثبات سجع در قرآن کریم داده و گفته‌اند که: مسجع بودن قرآن کریم از جمله اموری است که فضل و برتری سخن و کلام بدان روشن می‌شود. البته به شرطی که در جای مناسب خود قرار گرفته و متکلم به مظان آن آگاهی لازم را داشته باشد و بدون اعتساف، تکلف و مشقت، کلام بدان

آراسته شود.

و از جمله معیارها و مقیاس‌های کلامی آن است که کلام در فصاحت و بلاغت و بیان با آمیخته بودن بدان بر دیگر کلام‌ها برتری می‌یابد. (مانند تجنیس و ترصیع، لَفَّ و نثر و...) و این بیان و استدلال تازه علاوه بر آن است که سجع در قرآن بالفعل واقع شده و وقوع آن بهترین شاهد و گواه بر امکان یک چیز است به اتفاق همه عقلای عالم. و از جمله نمونه آن:

نظریات مختلف در مورد وجود سجع در قرآن (۱۷۱)

«رَبِّ هَارُونَ وَ مُوسَى» (۱)

این آیه در سوره شعراء طور دیگری بیان شده است و دلیل آن را چنین ذکر کرده‌اند که:

در سوره شعراء چون فواصل آیات، همه با «نون» بوده است موسی را جلوتر و هارون را بعد فرموده:

«رَبِّ مُوسَى وَ هَارُونَ» (۲)

سپس ابوبکر باقلانی می‌گوید: این که ذکر کرده‌اند نادرست است زیرا اگر قرآن کریم مسجع می‌بود می‌بایست بر طبق اسلوب کلام عرب باشد و در این صورت دیگر اعجازی نمی‌داشت و صحیح نبود که بگوییم: قرآن معجزه است.

۱- ۷۰ / طه .

۲- ۴۸ / شعراء .

(۱۷۲) شعر و شاعری

زیرا کلام مسجع همان است که کاهنان با آن آشنا بوده و برآوردن آن قدرت داشته و دارند و می‌توانند مثل و نظیر آن را بیاورند و اما آن مواردی که آنان سجع پنداشته‌اند از قبیل سجع نیست بلکه از قبیل تَفَنُّن در تعبیر است. همان‌طور که دأب و عادت قرآن است که قصدها و مطالب را در موارد مختلف با تعبیرهای متفاوت بیان نماید. البته باقلانی در ردّ قول به سجع در قرآن کریم خیلی مفصل گفتگو نموده به طوری که چه بسا بتوان ادعا کرد که این نوع طولانی سخن گفتن در مقام ردّ نظریه‌ای خروج از منهج تفاهم و بحث است. زیرا قائلین به سجع در قرآن کریم ادعا نکرده‌اند که در تمام آیات قرآن کریم سجع هست بلکه آنها نظرشان این است که در برخی از فواصل و مقاطع متقارب سجع هست. بدون این که معانی تابع و دنباله‌رو الفاظ باشد. بلکه مَثَل آن مَثَل سایر فواصل و قافیه‌های شعری است که براساس تمکین و توصیف آورده می‌شود نه این که سجع مقصود بالذات و مقصود اصلی بوده و سایر جهات مغفول‌عنه واقع شده باشد. چنان‌که باقلانی برداشت نموده و قبل از او هم علی ابن عیسی رمانی. (۱)

نظریات مختلف در مورد وجود سجع در قرآن (۱۷۳)

- محمد بن سنان خفاجی می‌گوید: سخن رمانی غلط است که گفته: «سجع عیب بوده و فواصل به طور مطلق بلاغت است». زیرا آقای رمانی اگر منظورش از سجع آن است که معانی، هدف و غرض بوده و الفاظ تابع و دنباله‌رو آن است، این که قطعاً و بلا شبهه عین بلاغت است، خوب فواصل هم همین‌طور است، بدون تفاوت.

و اگر منظور رمانی از سجع آن است که: معانی تابع و دنباله‌رو الفاظ و مغفول‌عنه بوده و از باب تَكْلُف و مشقّت باشد، طبعاً این عیب بزرگی است. ولی

۱- تناسب آیات، آیه‌الله شیخ محمد هادی معرفت، بنیاد معارف اسلامی، ص ۸۴.

(۱۷۴) شعر و شاعری

فواصل هم همین‌طور است، در صورتی که تَكْلُف آمیز بوده و اصل کلام و سخن، بدان نیازی نداشته باشد. سپس (خفاجی) در ادامه می‌گوید: به گمان من عاملی که اینان را وادار ساخته است که مقاطع آیات را فواصل بنامند و آن مواردی که حروف آخر آیه‌ها با هم متمائل‌اند، سجع نامیده‌اند همان رغبت و میل باطنی و علاقه قلبی اینان به تنزیه قرآن کریم از وصف و صفتی است که

از ویژگی‌های کلام منقول از کاهنان و غیر هم بوده و نخواستند قرآن کریم را به صفتی متّصف بنمایند که کلام دیگران غیر از قرآن بدان متّصف می‌گردد، بویژه کلام سخیف و مبتذل کاهنان. و اگر انگیزه آنان از نفی و انکار همین است که به مجرد تسمیه و نامگذاری آیات و متّصف کردن آنان به سجع برمی‌گردد این غرض خوبی است و عیبی ندارد، اما حقیقت غیر از این است.

واقع امر این است که «سجع و اسجاع عبارتست از: حروف متمائلی که در

نظریات مختلف در مورد وجود سجع در قرآن (۱۷۵)

مقاطع و فواصل آیات باشد که در برخی از آیات هست و اما در همه آیات وجود ندارد».

و اگر کسی اشکال نماید و بگوید اگر سجع همانطوری که شما مشروط ساختی امر محمود و پسندیده‌ای بود، پس چرا در قرآن کریم همه آیات به آن مزین نشده‌اند؟

در جواب و پاسخ آن خواهیم گفت که قرآن همانا به لغت و عرف عرب نازل شده و کلام فصیح اعراب همه‌اش مسجع نبوده. زیرا در سجع یک نوع علائم و نشانه‌هایی دال بر نوعی تکلف و استکراه و تصنع وجود دارد، خصوصاً در کلام و سخنان طولانی. و لذا قرآن کریم همه آیاتش مسجع نازل نشده به خاطر این که بر منوال عرف طبقه عالی از کلام عرف، ره پیموده باشد و خالی از سجع هم نشود. زیرا سجع با آن بیانی که ما نمودیم گاهی اوقات، آراستن کلام بدان بس

(۱۷۶) شعر و شاعری

زیبا می‌نماید و این همان تنها علت و سبب آن است که برخی مسجع و برخی بدون آن نازل گشته است. (۱)

- استاد ادب و اوحد زمان خود ابوالحسن حازم بن محمد قرطبی می‌گوید: چگونه سجع به طور مطلق و کلی معیوب و عامل عیب به شمار می‌رود با این که قرآن کریم بر اساس اسلوب‌های فصیح کلام عرب نازل گشته است و فواصل قرآن کریم در برابر سجع در کلام عرب و در مقایسه و برتری بر آن نازل گشته است. اما دلیل این که بر اساس یک اسلوب فقط نیامده، زیرا در انتخاب یک اسلوب به تنهایی امکان دارد نوعی تکلف و تعسف غیر حکیمانه باشد و علاوه طبع بشری هم از یک اسلوب ملالت آور خسته می‌شود و بیشتر به فنون مختلف علاقه‌مند است، زیرا افتنان از فنی به فن دیگر از انواع فصاحت وارد شده برتر و بالاتر از استمرار و ادامه یک نوع از کلام است و روی همین جهت برخی از آیات قرآن متمائله المقاطع نازل گشته و برخی غیر متمائل.

۱- تناسب آیات، آیه‌الله شیخ محمد هادی معرفت، بنیاد معارف اسلامی، ص ۸۶.

نظریات مختلف در مورد وجود سجع در قرآن (۱۷۷)

البته به نظر نگارنده، سجع همان مقاطع کلامی است که مبتنی بر وقف بوده و در فواصل متقارب قرار گرفته باشد و در قرآن کریم از این نوع کلام بسیار وجود دارد و این امری است غیرقابل انکار ولی از نوع تکلف بار و تعسف آور غیر حکیمانه آن نیست، بلکه سجع در قرآن کریم از نوع سهل و رسا و نرمی است که الفاظ در آن کاملاً تابع و دنباله‌رو معانی می‌باشد. و اگر هر جا سجع بر این اساس باشد زیبا و آراسته خواهد بود و قرآن کریم همه‌اش زیباست

(۱۷۸) شعر و شاعری

و با همه اسباب، ادوات، ابزار و وسایل زیبایی، متناسب است. (۱)

انواع فواصل کلام

مقاطع و فواصل کلام اعم از فواصل مصطلح و اسماعی نزد اهل بدیع و دانشمندان آن دارای انواع گوناگون و مختلفی است، مانند:

۱- متوازی: که دو فاصله و یا بیشتر از یک کلام در وزن و در حروف سجع با هم توافق داشته باشند.

فِيهَا سُورٌ مَرْفُوعَةٌ وَأَكْوَابٌ مَوْضُوعَةٌ (۲)

۱- تناسب آیات، آیه‌الله شیخ محمد هادی معرفت، بنیاد معارف اسلامی، ص ۸۹.

انواع فواصل کلام (۱۷۹)

۲- مُطْرَفٌ: که فقط تنها فواصل در حروف سجع با هم موافق و مماثل باشند نه در وزن.

مَا لَكُمْ لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَارًا وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا (۱)

۳- متوازن: که فقط در وزن، فواصل با هم موافق و مماثل باشند نه در حروف سجع:

وَأَتَيْنَاهُمَا الْكِتَابَ الْمُسْتَتِينَ وَهَدَيْنَاهُمَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ (۲)

۴- مُرْصَعٌ: که هم در وزن و هم در حروف سجع موافق و متماثل باشند و در عین حال کلمه‌ها از توافق در نظم و تألیف هم برخوردار باشند.

۱- ۱۴ / غاشیه . ۲- ۱۳ / نوح . ۳- ۱۱۸ / صافات .

(۱۸۰) شعر و شاعری

إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ (۱)

۵- مُتَمَاثِلٌ: که فواصل در وزن و در سجع و توازن و تألیف و عدد کلمه‌ها یعنی در همه این موارد با هم موافق و مانند هم باشند:

وَاللَّيْلِ إِذَا عَشْعَسَ وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ (۲)

۶- مُتْقَارِبٌ: که از جهت سجع در تمام اقسام پنجگانه توافقیشان و ثمالشان فقط به واسطه حروف متقاربه باشد نه تماثل حقیقی:

وَالْقُرْآنِ الْمَجِيدِ .

۱- ۲۵ / غاشیه . ۲- ۱۸ / تکویر .

انواع فواصل کلام (۱۸۱)

«بَلْ عَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ فَقَالَ الْكَاْفِرُونَ هَذَا شَيْءٌ عَجِيبٌ» (۱)

مهم این است که فواصل براساس اقتضای نیاز طبیعی معانی به الفاظ خیلی آسان و روان بوده و الفاظ تابع و پیرو معانی باشد بدون این که در آن تکلف و بی‌رویی باشد، به طوری که معانی تابع الفاظ گردد و به گرد وجود آن بگردد و قسم اول که گویای رفعت و برتری سطح فرهنگ و زیبایی بیان است، در قرآن جز این راه و روش نیامده است به دلیل علو رتبه قرآن در فصاحت، چنان که بدرالدین زرکشی گفته است. (۲)

۷- توأم: که کلام بر مبنای دو فاصله در قالب بیان ریخته شده باشد به طوری

۱- ۲ / ق .

۲- تناسب آیات، آیه‌الله شیخ محمد هادی معرفت، بنیاد معارف اسلامی، ص ۹۱.

(۱۸۲) شعر و شاعری

که هریک از آن دو صلاحیت و شایستگی مقطع و آخر کلام شدن را داشته باشد.

لِيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا وَاللَّهُ تَرْجِعُ الْأُمُورَ (۱)

۸- لزوم ما لا يلزم: این نیز نوع دیگری است که بالاتر، والاتر و گویاتر از انواع گذشته در نشان دادن قدرت متکلم در تسخیر کلام و در به دست گرفتن رشته سخن است و آن همان «لزوم ما لا يلزم» در اصطلاح علم بدیع است و آن عبارتست از این که شاعر

در شعرش و عبارت پردازد در تمام عبارات و نثرش به یک یا دو حرف و یا بیشتر قبل از «روی» ملتزم گردد. مشروط به این که به هیچ گونه تکلف، مشقت، زحمت و دشواری نیفتد.

۱- ۴۴ / انفال .

انواع فواصل کلام (۱۸۳)

أَلَمْ تَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ (۱)

که در آخر تمامی مقاطع این آیات حرف «راء» قبل از «کاف» آمده است.

بهترین نوع سجع

بهترین نوع سجع در مرتبه اول آن است که قرینه‌های آن مانند وزن شعر مساوی باشد.

فِي سِدْرٍ مَّخْضُودٍ وَطَلْحٍ مَّنْضُودٍ (۲)

و در مرتبه دوم آن است که قرینه دوم آن از قرینه اولی طولانی‌تر باشد.

۱- ۲- ۵ / انشراح .

۲- ۳۰ / واقعه .

(۱۸۴) شعر و شاعری

وَالنَّجْمِ إِذَا هَوَى مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَى (۱)

و در مرتبه سوم آن است که قرینه سوم طولانی‌تر از قرینه‌های اول و دوم باشد. (۲)

خُدُودُهُ فَعْلُوهُ ثُمَّ الْجَحِيمِ صَلْوُهُ ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا فَاسْلُكُوهُ (۳)

حکمت ختم فواصل آیات به حروف مدّ و لین

در قرآن کریم ختم فواصل آیات به واسطه حروف مدّ و لین (۴) و الحاق «نون» بدان فراوان است و گفته شده که حکمت آن همان

تمکّن بخشیدن به سجع فواصل

۱- ۲ / نجم .

۲- تناسب آیات، آیه‌الله شیخ هادی معرفت، ص ۹۱ .

۳- ۳۰ و ۳۱ و ۳۲ / حاقه .

۴- برای آشنایی بیشتر با حروف مدّ و لین به مسئله شماره ۱۰۰۳ رساله توضیح المسائل مراجعه فرمائید.

حکمت ختم فواصل آیات به حروف مدّ و لین (۱۸۵)

و بدست آوردن نشاط به کمک آن است. سیبویه می‌گوید: این حروف مدّ را به این خاطر به حروف روی ملحق کرده‌اند که چون

شعر و همچنین نثر و عبارتی که بر منوال شعر باشد جهت غناء و ترنم ساخته شده است. روی این جهت به حرف آخر حرفی را که

از جنس حرکت آن بوده ملحق کرده‌اند برای آن که شعری را بدان ترنم و انشاء نموده و بخوانند. اما اهل حجاز این قافیه‌ها را به

همان حال ترنم واگذارده و به همان کیفیت می‌خوانند تا آن که آن را از کلام غیر غنایی جدا نمایند و اما گروهی از بنی تمیم به

جای حرف مدّ «نون» بدان ملحق می‌نمایند. (۱)

اساس و مبنای فواصل قرآنی

۱- تناسب آیات، آیه‌الله شیخ محمد هادی معرفت، بنیاد معارف اسلامی، ص ۹۷.

(۱۸۶) شعر و شاعری

فواصل قرآن کریم بر مبنای وقف قرارداد شده است زیرا فواصل قرآن اسجاعی است که در آن الفاظ تابع و دایر مدار معانی است و همچون اسجاع کاهنان نیست. روی همین اصل است که مرفوع با مجرور و بالعکس، مقابل هم درد و فاصله نزدیک به هم قرار گرفته‌اند و همچنین مفتوح و منصوب غیر مَنون.

مثال: إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِنْ طِينٍ لَازِبٍ عَذَابٌ وَاصِبٌ (۱)

گاهی گفته شده است که در صورت اطلاق قافیه‌های مقید (سکون وقفی) حرکات آنها باید توافق داشته باشد و همچنین است در سجعی که مبنی بر سکون اواخر جمله باشد. (۲)

۱- ۹- ۱۱ / صافات.

اساس و مبنای فواصل قرآنی (۱۸۷)

وَمَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَالٍ وَيُنشِئُ السَّحَابَ الثُّقَالَ (۱)

جارالله زمخشری درباره سجع می‌گوید:

رعایت مجرد فواصل بما هو فواصل کلام را زیبا نمی‌نماید مگر این که رعایت آن همراه با سداد معنی و استواری آن بر اساس سبکی که مقتضای حسن نظم و التیام کامل باشد، همچنان که انتخاب الفاظ شیرین و پشت سرهم به تنهایی زیبا نیست مگر این که مطیع و تابع صددر صد معانی باشد. البته معانی صحیح و منظم. یعنی معانی که برطبق حکمت عقلانی نظم یافته باشد و اما اگر جنبه معانی

۱- تناسب آیات، آیه‌الله شیخ محمد هادی معرفت، بنیاد معارف اسلامی، ص ۹۸.

۲- ۱۱ و ۱۲ / رعد.

(۱۸۸) شعر و شاعری

از نظر دور داشته شود و فقط به تحسین الفاظ تنها پرداخته شود بدون این که مؤدی و معانی آن در دلها منظور باشد، این نوع کلام از بلاغت هیچ بهره‌ای حتی به اندازه فتیل (نخ نازک داخل بریدگی هسته خرما) نخواهد داشت.

ترک رعایت تناسب در عطف بین جمله‌های فعلیه به خاطر رعایت جانب فواصل نمی‌توان نمود به این بهانه که این نوع رابطه یک رابطه لفظی است که هیچ غرض و هدفی عقلانی ندارد، زیرا به دلیل تقدیم و تأخیر در این دو جمله به خاطر قصد اختصاص انجام شده پس جنبه لفظی هم رعایت آن گاهی اوقات لازم بوده و چه بسا بدون آن تناسب لازم نباشد. (۱)

۱- تناسب آیات، آیه‌الله شیخ محمد هادی معرفت، بنیاد معارف اسلامی، ص ۹۸.

اساس و مبنای فواصل قرآنی (۱۸۹)

آخرین کلام

زبان هنر، بین‌المللی است و بدور از مرزهای جغرافیایی می‌تواند با ملت‌ها و قوم‌های گوناگون ارتباط برقرار کند. زبان هنر زبانی است که می‌تواند هرگونه پیامی را در کوتاه‌ترین زمان ممکن و با تأثیری زیاد به دیگران منتقل کند. و از آنجا که شعر یکی از مصادیق بارز هنر است می‌تواند زبان رساندن حقایق دین باشد و واقعیت‌های زندگی و اصول حیات معقول را به مخاطب منتقل کند. می‌تواند زندگی را و هم راه چگونه زیستن را نشان دهد و با بیان شیوا و رسا بر طبق موازین اصیل دینی هم دردها را بیان کند و هم راه درمان را ارائه دهد.

(۱۹۰) شعر و شاعری

می‌تواند ارزش‌های برتر زندگی و آرمان‌های انسان واقعی و سرانجام مقصد را به انسان بنمایاند و به نوعی روح تعهد را در انسان‌ها بدمد.

و امروزه که رد پای تهاجم فرهنگی را می‌شود در متن زندگی‌ها احساس کرد پس باید بهتر و بیشتر از گذشته هنر را چون اسلحه‌ای دریافت و از حیثیت و فرهنگ و آداب دین و حکمت و عرفان خود پاسداری نمود.

«الهی! خَلُّصْنَا عَنِ الْإِشْتِغَالِ بِالْمَلَاهِی وَ أَرِنَا الْحَقَائِقَ الْأَشْیَاءِ كَمَا هِیَ»

آخرین کلام (۱۹۱)

فهرست منابع

تفسیر جوان (برگرفته از تفسیر نمونه آیه‌الله مکارم شیرازی)، محمد بیستونی، انتشارات بیان جوان، چاپ اول، جلد‌های ۱ تا ۳۰.

بیستونی، محمد، فهرستواره موضوعی تفسیر جوان، اول، قم، انتشارات بیان جوان .

تفسیر بیان (برگرفته از تفسیر مجمع البیان طبرسی)، محمد بیستونی، انتشارات فراهانی، چاپ اول .

بیستونی، محمد، فهرستواره موضوعی تفسیر بیان، اول، تهران، انتشارات فراهانی .

قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی .

آیین انتظار (خلاصه مکیال‌المکارم)، واحد پژوهشی مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۳، اول،

انتشارات مسجد جمکران .

اطلاعات عمومی سخن، مهدی یداللهی، ۱۳۷۳، اول، تهران، انتشارات سخن .

(۱۹۲)

ادبیات و تعهد در اسلام، محمدرضا حکیمی، ۱۳۷۹، یازدهم، قم، نشر فرهنگ اسلامی .

تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی مولوی، حج ۷، محمد تقی جعفری، ۱۳۶۳، دهم، اسلامی .

تناسب آیات، آیه‌الله شیخ محمد هادی معرفت، ۱۳۷۳، اول، قم، بنیاد معارف اسلامی .

تماشاگاه راز، مرتضی مطهری، ۱۳۵۹، اول، تهران، صدرا .

تحول شعر فارسی، زین‌العابدین مؤتمن، چاپ شرق .

تفسیر نمونه، ج ۱۵، ۱۸، ۱۹، ۲۴، ناصر مکارم شیرازی، تهران، دارالکتب الاسلامیه .

ترجمه میزان، ج ۱۹، ۱۷، ۱۵، علامه طباطبایی، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، انتشارات اسلامی .

تفسیر جامع، ج ۵، ۷، سید ابراهیم بروجردی، سوم، تهران، انتشارات صدرا.

تفسیر انوار درخشان، ج ۱۲، ۱۳، سید محمد حسینی الهمدانی، تهران، کتابفروشی لطفی.

(۱۹۳)

تفسیر منهج الصادقین، ج ۶، ۷، ملافتح‌الله کاشانی، دوم، تهران، کتابفروشی اسلامییه.

تفسیر روض الجنان و روح الجنان، ج ۱۴، ۱۶، حسین بن علی محمد بن احمد الخزایی نیشابوری،

مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی .

تفسیر اثنی عشری، ج ۹، ۱۱، حسین بن الحسینی الشاه عبدالعظیمی، اول، تهران، انتشارات میقات.
راه وصال (وظائف مؤمنین در زمان غیبت امام زمان "عجل الله تعالی و فرجه الشریف")، "سیدرضا حسینی
مطلق، ۱۳۸۰، دوم، پارسایان.

شعر چیست؟ (اسماعیل، محمود، هومن) خویی، ۱۳۵۶، دوم، امیر کبیر .

شعر بی دروغ شعر بی نقاب، دکتر عبدالحسین زرین کوب، ۱۳۵۶، سوم، جاویدان.

شعر و موسیقی و ساز و آواز در ادبیات فارسی، ابوتراب رازانی، ۱۳۴۰، اداره کل نگارش وزارت آموزش و پرورش.

شعر معاصر عرب، محمد رضا شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰، اول، تهران، انتشارات سخن.

(۱۹۴)

فلسفه هنر، احمد رضا بسیج، ۱۳۸۰، اول، شهرکرد، انتشارات مرید.

فصلنامه شعر، ج ۳۵، حوزه هنری حسن بنیان، ۱۳۸۳، چاپ معاصر، سال دوازدهم، تهران، انتشارات سوره مهر.

فرهنگ جامع عربی - فارسی، ج ۱، احمد سیاح، ۱۳۴۸، چهارم، تهران، محمود فردین.

قاموس قرآن، ج ۴، سید علی اکبر قرشی، ۱۳۵۴، اول، تهران، فردوسی .

معارف و معاریف، ج ۶، سید مصطفی حسینی دشتی، ۱۳۷۶، دوم .

مکتب‌های ادبی، رضا سی حسینی، دوم .

ماهنامه مشرق، دوره اول، ج ۱، محمد مددپور، ۱۳۸۳، اول .

مفاتیح الجنان، حاج شیخ عباس قمی، ۱۳۴۵، دوم، تهران، انتشارات علمی .

مراثی وصال شیرازی، علی اکبر نوری زاده، ۱۳۹۰ قمری، شیراز، کتابخانه احمدی.

(۱۹۵)

مبانی موسیقایی الحان و نغمات قرآن کریم، حسن سلطان پناه، ۱۳۸۲، اول، تهران، اسوه.

میزان الحکمه، محمد محمدی ری شهری، ۱۳۸۱، سوم، قم، دارالحدیث .

نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، ۱۳۸۲، اول، تهران، اسوه .

هنر از دیدگاه مقام معظم رهبری، سید علی خامنه‌ای، ۱۳۷۴، پنجم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی .

نرم افزار بحار الانوار .

نرم افزار الغدیر .

نرم افزار نورالانوار ۲.

نرم افزار جامع التفاسیر .

(۱۹۶)

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید
بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی)

آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیت های گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۴۵۲۳۵)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

